



سرمقاله قبه‌ی مشترک و خونین تجزیه‌طلبان و جمهوری اسلامی

وقتی کشتی حکومتی در حال غرق شدن است این تنها موش‌ها نیستند که زودتر از همه فرار می‌کنند بلکه گرگ‌ها نیز خود را آماده حمله می‌کنند. آرزوی «تجزیه‌ی ایران» و جدایی استان‌های مرزی کشور تا کنون به دل همه طرفدارانش حتی آنان که از پشتیبانی قدرت‌هایی مانند «استعمار پیر انگلیس» و «برادر بزرگ شوروی» برخوردار بودند مانده است. ایران نه «یوگسلاوی سابق» است که کشوری کاردستی باشد و در اولین فرصت چسب مناطق اش و برود و نه اتحاد شوروی که سرزمین‌هایی به امپراتوری روسیه ضمیمه شده باشند. برعکس، آن سرزمین‌هایی هم که امروز در پیرامون ایران به عنوان کشورهای مستقل شناخته می‌شوند، بخشی از امپراتوری و ملت متنوع ایران بوده‌اند که بر اثر جنگ و دسیسه‌ی خارجی و بی‌لباقتی حاکمان وقت و همچنین همدستی ملایان از ایران جدا شده‌اند. اگر ادعایی (به فرض) در کار باشد، از جانب «ایران بزرگ» برای از دست دادن آن مناطق است و نه از سوی افرادی که در نشئگی قدرت‌طلبی نه تنها نمایندگی مردمان محلی استان‌های مربوطه را ندارند بلکه حتی در احزاب و گروه‌های خود نیز یکدست نیستند چه برسد به اینکه ادعای جدایی تکه‌ای از پیکر ایران را بکنند! اما در جهان کوچک امروز، آرزوی تحقق امپراتوری‌های گذشته، اعم از اسلامی و ایرانی و عثمانی و... جز به جنگ و جنایت و نابودی هر آنچه هست نمی‌انجامد. ایران امروز همین گریه‌ی یک میلیون و ۶۴۸ هزار کیلومترمربعی است که می‌خواهیم همگی در آزادی و امنیت، دست در دست یکدیگر، آن را حفظ کرده و دوباره بسازیم. ایران از دیرباز یک ملت و یک کشور بوده و هست؛ با تنوع فرهنگی و قومی گسترده که همواره یکی از مهمترین نقاط قوت این سرزمین کهن بوده است. احزاب محلی در بهترین حالت فقط می‌توانند از سوی اعضای خود حرف بزنند و نه از سوی مردم یک استان! زیرا در یک ایران آزاد و امن، حتما احزاب سراسری نیز در آن استان‌ها فعال خواهند بود! «استان خالص» در ایران وجود ندارد مگر آنکه با خونریزی دست به «پاکسازی» و «نسل‌کشی» زد! حتی فراتر از این: خانواده‌هایی را که از پیوندهای اقوام و ساکنان استان‌های مختلف به وجود آمده‌اند از یکدیگر جدا کرد و از هم پاشاند! به هم پیوستگی فرهنگی و قومی در میان ایرانیان به اندازه‌ای گسترده و عمیق است که شاید در هیچ جای جهان تجزیه‌طلبی به اندازه ایران مترادف با خونریزی و جنایت نباشد.

سردمداران تجزیه‌طلبی در سودای ریاست مناطق دست‌نشانده‌ی قدرت‌هایی هستند که می‌خواهند برای آنها کشورسازی کنند. آنها که برای فارسی به عنوان زبان مشترک ایرانیان دست به «قوم‌سازی» برای فارسی‌زبان‌ها می‌زنند ولی برای خودشان «ملت» و «ملیت» اختراع می‌کنند، می‌دانند در کشوری که اقوامش در سراسر کشور پراکنده هستند بر کدام قبه‌ی خونین نماز می‌گذارند. قبه‌ی آنها با جمهوری اسلامی کاملاً هم‌سوست زیرا از ناتوانی‌ها و سیاست‌های تبعیض‌آمیز و ضدبشری این نظام تغذیه می‌کنند. تجزیه‌طلبان همیشه آلت دست بیگانگان بوده‌اند. حکومت‌های خارجی همواره از آنها سوء استفاده کرده و هر وقت با حکومت مرکزی به توافق رسیدند به حال خود رها پشان کرده‌اند. گذشته از منابع مادی که نصیب این افراد می‌شود، جای تعجب است که هنوز برخی به چنین توهم فجیع و خونباری دچارند.

جمهوری اسلامی در وضعیت قرمز

● در میان زمامداران نظام، برخی مشکلات را انکار می‌کنند و یا دست کم می‌گیرند. برخی هشدار می‌دهند و هراس افکنی می‌کنند. برخی معتقدند بدون دولت کشور بهتر اداره می‌شود و برخی نیز مشکل را از دولت فعلی می‌دانند و انتخابات زودهنگام را پیشنهاد می‌کنند. برخی نیز از «کودتا» و دولت نظامی یا سپاهی سخن می‌گویند. اما برای همه اینها صحبت بر سر نظام است و نه مردم!



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

در قلب پایتخت جایی که ریال پهلوی با دلار برابری می‌کند



در تمام ۴۰ سال گذشته هیچگاه به اندازه امروز پول ملی ایران سقوط نکرده بود. سال‌ها بود ریال در مقایسه با اغلب ارزهای خارجی ارزش پایین تری داشت اما اوضاع چنان بحرانی شده که در روزهای اخیر پول ایران رکورد یکی از بی‌ارزش‌ترین ارزهای جهان را به نام خود ثبت کرد. امروز ارزش پول یمن و سوریه و عراق جنگ‌زده که بخشی از خرج‌شان با ثروت و سفره مردم ایران تأمین می‌شود از پول ملی کشور بیشتر شده است. نه تنها در بلیشوی پیروزی انقلاب که حتی در دوران فلاکت‌بار جنگ هشت ساله ... در صفحه ۲

ورود طبقه متوسط به کف خیابان! دیکتاتوری مذهبی ایران کار نمی‌کند

در صفحه ۱۸

در این شماره می‌خوانید:

- صفحه ۳ ● ترکیه: رجب طیب اردوغان رییس جمهور ماند
- هفته‌ی سرنوشت‌ساز برای آنگلا مرکل
- صفحه ۴ ● رامین پرهام: ایران به دمکراسی تاجدار احتیاج دارد
- صفحه ۶ ● اقتصاد زیر فشار چکمه و باتوم: ولی «الحمدالله» همه چیز خوب است!
- صفحه ۷ ● تجمع مردم خرمشهر با دبه‌های خالی از آب در نماز جمعه
- صفحات ۸ و ۹ ● «زن روز» و «مرد روز»
- صفحه ۱۲ ● دو قرن فرازونشیب مطبوعات در ایران (۷۵) - احمد احرار
- حکومت تاراج و یارانه - داریوش همایون
- صفحه ۱۳ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۱۴ ● یادداشت‌های خصوصی دکتر امینی (بخش پایانی)
- صفحه ۱۵ ● گفتگو با شیرین اردلان در مورد کمپین یک میلیون امضا؛ جوانه می‌زنم به روی زخم بر تنم
- صفحه ۱۶ ● اعتصاب و تظاهرات گسترده در بازار بزرگ تهران

زنان دوباره در آزادی نشستند

 وداع آبرومند تیم ایران از جام جهانی

 باخت فدرر و جاکوویچ در فینال مسابقات
 هاله و کوئینز کلاب لندن

 رکورد هشتاد ساله در کابوس هشت دقیقه‌ای:
 حذف آلمان در نخستین مرحله‌ی جام جهانی

 استقبال پر شور از بازیکنان تیم ملی

 انتقاد شدید کیروش از برانکو:
 شما در آماده ساختن تیم ملی اخلاص کردید

 دادستان کل کشور حضور زنان در
 ورزشگاه «آزادی» را اجرای سیاست‌های
 شیطانی خواند!
 در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684

Fax: 0044(0)20 3633 3685

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید!

کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید

www.kayhan.london

email: ads@kayhan.london

جمهوری اسلامی در وضعیت قرمز

● در میان زمامداران نظام، برخی مشکلات را انکار می‌کنند و یا دست کم می‌گیرند. برخی هشدار می‌دهند و هراس افکنی می‌کنند. برخی معتقدند بدون دولت کشور بهتر اداره می‌شود و برخی نیز مشکل را از دولت فعلی می‌دانند و انتخابات زود هنگام را پیشنهاد می‌کنند. برخی نیز از «کودتا» و دولت نظامی یا سپاهی سخن می‌گویند. اما برای همه اینها صحبت بر سر نظام است و نه مردم!

دستیار حسن روحانی بود و امروز ساکن آمریکا است. استعفای رئیس جمهور کنونی و برگزاری انتخابات پیش از موعد و زود هنگام را مناسب‌ترین راه حل برای خروج از بحران کنونی می‌داند و با آدرس غلط دادن درباره اینکه گویا مشکلات به دلیل دولت کنونی است، معتقد است اگر این دولت دو سال دیگر بر سر کار بماند، بحران ابعادی غیر قابل کنترل خواهد یافت.

اسدالله بادامچیان، نایب رئیس حزب مؤتلفه نیز انتخابات زود هنگام را بهترین راه می‌داند و حزب خود را که کاندیدایش در آخرین انتخابات ریاست جمهوری کمتر از یک درصد رأی آورد را نامزد ریاست دولت می‌کند. امیر خجسته، نماینده همدان در مجلس شورای اسلامی که به مؤتلفه نزدیک است، تهدید می‌کند در صورت عدم کناره‌گیری روحانی، تقاضای عدم کفایت سیاسی او را در دستور کار قرار دهد. البته اصلاح طلبان مخالف هر گونه انتخابات زود هنگام هستند، چون کاندیدایی برای ریاست جمهوری ندارند. محمد خاتمی که تا چندی پیش از وی به عنوان کارتی با امکان برد استفاده می‌شد، امروز برگ سوخته‌ای بیش نیست که حتی حمایت بخش زیادی از اصلاح طلبان را نیز از دست داده است.

دولت نظامی

یحیی رحیم‌صفوی فرمانده پیشین سپاه پاسداران که امروز سمت مشاور ارشد علی خامنه‌ای را یدک می‌کشد اخیراً در نقد دولت حسن روحانی گفت «اگر دولت نباشد کشور بهتر اشاره می‌شود». یحیی رحیم‌صفوی این سخنان را که ساعتی پیش در پایگاه اینترنتی خبرگزاری فارس دوام نیاورد، در دیدار با برخی از فرماندهان سابق سپاه در استان فارس بیان کرد. برخی از مفسران سیاسی این سخنان مشاور ارشد علی خامنه‌ای را درخواست یک کودتای نظامی می‌دانند که با برکناری دولت حسن روحانی و انداختن تمام گناهان وضعیت کنونی به گردن او، خشم و نارضایتی مردم از نظام را به سمت دولت منحرف سازند.

البته تشکیل دولت نظامی ماه‌هاست که از سوی جناح‌های مختلف با

بازار و بازاریان در چهار دهه‌ای که از عمر جمهوری اسلامی می‌گذرد، هرگز دست به اعتراض نزده و پا به خیابان نگذاشته بودند. نه در دهه ۶۰ خبری از اعتراض بازار به عزل ابوالحسن بنی‌صدر بود، نه در سال ۸۸ و پس از انتخابات کذایی آن سال از «جنبش سبز» حمایت کردند. در دی‌ماه سال گذشته هم که مردم در بیش از یکصد شهر به خیابان آمدند، بازار و بازاری‌ها با آنها همراهی نکردند. اعتراض بازار در روزهای گذشته اما بسیاری را در بالاترین سطح نظام هم غافلگیر کرد. اعتراض بازاری که همیشه پشت و پشتوانه نظام حاکم در چهل سال گذشته بوده است، تنها می‌تواند نشان از شدت بحران و وخامت اوضاع داشته باشد. اعتراضی که شاید از سوی مخالفان دولت هم راه‌اندازی شده باشد، ولی به دلیل سرشت وضعیت و مشکلات بلافاصله کنترلش از دست آنها خارج و به دست کسانی می‌افتد که با کلیت نظام مشکل دارند. کم و بیش اتفاقی که می‌توان گفت در دی‌ماه در مشهد نیز افتاد و بی‌درنگ تبدیل به جرقه‌ای شد که آتش نارضایتی در بیش از ۲۵ استان کشور را شعله‌ور ساخت. در جمهوری اسلامی هر فرصت و موقعیتی برای اعتراض به سیاست‌های نظام و مبارزه علیه کلیت آن مغتنم است و توسط قشرهای مختلف مردم به ویژه جوانان مورد استقبال و استفاده قرار می‌گیرد.

وضعیت قرمز

جمهوری اسلامی امروز در وضعیت قرمز قرار دارد. تنها حسن روحانی است که صحبت از کشور گل و بلبل می‌کند و معتقد است مشکلات آنچنان گسترده نیستند که نتوان از آنها با حفظ سیاست‌های موجود عبور کرد. او برای این عبور، صورت مسئله را پاک می‌کند! محمدجواد ظریف، وزیر خارجه دولت «تدبیر و امید»، برخلاف رئیس جمهورش، نگرانی خود را نهان نمی‌کند. ظریف در نشست با اعضای اتاق بازرگانی در اشاره به وضعیت بحرانی کنونی خواهان انسجام همه، حتی نیروهای مخالف نظام، برای مقابله با شرایط دشوار کنونی شد. وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفت: «در حال حاضر انسجام داخلی از هر چیز دیگری در کشور مهمتر است، در حال حاضر از نان شب و هوا نیز برای ما مهمتر است.» او در ادامه افزود: «ما در ایران از اصولگرا، اصلاح طلب، بی‌خط، مخالف جمهوری اسلامی و یا مخالف دولت همه در یک کشتی نشسته‌ایم و اکنون هدف دشمنان نه نظام، نه دولت بلکه ایران است. این ایران است که اکنون برای تحقق برخی از اهداف و تمایلات مانع است و می‌خواهند ایران را نابود کنند.» هراس افکنی و مترسک فروپاشی کشور در صورت گذار از نظام کنونی، حربه جدیدی نیست. مدت‌هاست که رهبران جمهوری اسلامی با مساوی قرار دادن سرنگونی نظام کنونی با فروپاشی کشور، تلاش دارند مردم معترض را از خیابان به خانه‌هایشان بازگردانند. اگر در گذشته

از مترسک «سوریه‌ای شدن» استفاده می‌کردند، امروز مثلث «واشنگتن-ریاض-تل‌آویو» را دشمنی اعلام می‌کنند که قرار است با «تجزیه»، بقای ایران را در خطر قرار دهند. هیچکدام از زمامداران نظام از جمله محمدجواد ظریف به روی خود نمی‌آورند که مسبب چنین شرایطی همانا نظام جمهوری اسلامی است و به قول معترضان در شعرهایشان: «دشمن» ایران خود اینها و نظامشان هستند!

انتخابات زود هنگام

اگر محمدجواد ظریف آرزوی انسجام دارد تا جمهوری اسلامی بماند، دیگران به فکر جانشینی برای دولت بی‌خاصیت و ناتوان کنونی هستند. جانشینی که بتواند برای مدت کوتاهی هم که شده، امید را به مردم بازگرداند و چند صباحی به عمر جمهوری اسلامی بیافزاید. حسین موسویان سفیر سابق جمهوری اسلامی در آلمان که «تور» می‌کوبونیس» در زمان مسئولیت وی انجام شد و در دور اول مذاکرات هسته‌ای

در قلب پایتخت

جایی که ریال پهلوی با دلار برابری می‌کند

- آنچه امروز در بازار نیست، دخلی است که جوابگوی خرج باشد.
- رژیم پهلوی چهل سال است که نیست اما در تهران ارزش پول آن دوران حتی بیشتر شده است.
- فروش اشیای زینتی و عتیقه و زیورآلات قدیمی با تصاویر و نمادهای پادشاهی رونق دارد.

گذشته به ویژه بعد از پایان تعطیلات نوروز ۹۷ با وجود اینکه بطور کلی بازار فروش اغلب اجناس و کالاها کساد است، اما فروش اشیای زینتی و عتیقه و زیورآلات قدیمی که روی آنها تصاویر و نمادهای پادشاهی نقش بسته رونق گرفته است. این را عتیقه‌فروش‌ها و طلافروشی‌های فردوسی و منوچهری می‌گویند.

یکی از همین عتیقه‌فروش‌ها که با پسرانش مغازه را می‌گرداند به کیهان لندن می‌گوید «مشتری عتیقه‌های زمان شاه همیشه هست؛ قبلاً هم بوده اما این زمستان که شلوغ‌پلوغ شد و شعار دادند رضاشاه روحت شاد به

قدرت خرید مصرف‌کنندگان ارتباط دارد. آنچه امروز در بازار نیست و در گذشته بود، دخلی است که جوابگوی خرج باشد. آنچه در ذهن مردم از بازاری تا مصرف‌کننده از «دوران شاه» مانده، یک فرمول ساده اما بسیار روشن است: «یک نفر کار می‌کرد یک خانواده سیر می‌شد». این واقعیت از چند سال پیش تغییر کرده است: یک خانواده کار می‌کند و هیچ کدام سیر نمی‌شوند! حالا حتی وضع از این هم بدتر شده: اصلاً کاری در کار نیست و همه بازارها، از بازار تولید و فروش تا بازار مصرف و خرید، کساد است.

نه تنها در بلبشوی پیروزی انقلاب که حتی در دوران فلاکت‌بار جنگ هشت ساله با عراق که اقتصاد ایران کوپنی اداره و بسیاری از مایحتاج روزانه از سوخت گرفته تا مواد خوراکی و مصرفی با «دفترچه بسیج» توزیع می‌شد باز هم پول ملی چنین به فقرا نرفته بود.

در شرایطی که فهرست بلندی از مشکلات ریز و درشت اقتصادی با منشاء سیاسی و عقیدتی، ملت و مملکت را به خاک سیاه نشانده، دلار از مرز ۹ هزار تومان عبور کرده، اقتصاد در آستانه سقوط قرار داشته و همه اینها به اعتصابات و اعتراضات گسترده دامن زده است، «دلار هفت تومانی زمان شاه» نه تنها یک نوستالژی بلکه به شاخصی عینی تبدیل شده تا عموم مردم ارزش پول ملی را به عنوان یکی از عوامل ثبات اقتصادی با پیش از انقلاب مقایسه کنند و از خود بپرسند چرا چنین شده است؟! به نقل از منابع خبری رسمی داخل ایران در زمان تبعید رضاشاه و ورود متفقین به ایران (حدود ۱۳۲۰ خورشیدی) هر دلار آمریکا تقریباً یک و نیم تومان ایران بود؛ یعنی با ۱۵ ریال می‌شد یک دلار خریداری کرد. در سال ۱۳۳۲ یک دلار آمریکا معادل ۹۰ ریال ایران (۹ تومان) و در واپسین ماه‌های سال ۱۳۵۷ پیش از پیروزی انقلاب اسلامی یک دلار آمریکا تقریباً ۷۰ ریال (۷ تومان) بود.

حالا، چهل سال بعد، دو سه ماه پیش قیمت هر دلار به ۷۰۰۰ تومان رسید و سوزی مردم شد: آنها به کنایه می‌گفتند نردیم و دیدیم در جمهوری اسلامی هم دلار هفت تومان شد! ولی اینطور هم نماند بلکه در زمانی کوتاه

پول آن حتی در مقایسه با آن روزهایی که سر کار بود هم بیشتر شده است: در چهارراه استانبول تهران ۵۰ ریالی پهلوی (۵ تومان) یک دلار است و به قیمت ۱۰ هزار تومان (۱۰۰ هزار ریال جمهوری اسلامی) به فروش می‌رسد. اگر سرنوشتی مشابه اصحاب کهف



می‌داشتیم و چهل سال پیش در حالی که یک اسکناس ۱۰۰ ریالی با امضای بانک مرکزی دوران پهلوی در مشت‌مان بود و خواب‌مان می‌برد و امروز بیدار می‌شدیم ارزشی برابر با ۱۵ هزار تومان می‌داشت! یعنی بیش از فقط یک و نیم دلار! ماجرا وقتی جالب‌تر می‌شود که دو اسکناس ۵ ریالی دوران رضاشاه به قیمت ۵۰۰ هزار تومان به فروش می‌رسد و اگر کسی آن را برای فروش داشته باشد ۴۵۰ هزار تومان از وی می‌خرند.

حضور پهلوی‌ها تنها به عنوان دشمنی که جمهوری اسلامی برای خودش آفریده، نیست! بلکه اگر می‌خواهیم ببینیم چرا پهلوی هنوز در ایران زنده است، می‌بایست به محله‌های قلب پایتخت سرزد؛ جایی که انگار زمان در رابطه با ارزش‌ها ایستاده و تاریخچه‌ی نحیف جمهوری اسلامی آن را تخریب نکرده است. به گزارش کیهان لندن، در ماه‌های

در تمام ۴۰ سال گذشته هیچگاه به اندازه امروز پول ملی ایران سقوط نکرده بود. سال‌ها بود ریال در مقایسه با اغلب ارزهای خارجی ارزش پایین‌تری داشت اما اوضاع چنان بحرانی شده که در روزهای اخیر پول ایران رکورد یکی از بی‌ارزش‌ترین ارزهای جهان را به نام خود ثبت کرد. امروز ارزش پول یمن و سوریه و عراق جنگ‌زده که بخشی از خرج‌شان با ثروت و سفره مردم ایران تأمین می‌شود از پول ملی کشور بیشتر شده است.

نه تنها در بلبشوی پیروزی انقلاب که حتی در دوران فلاکت‌بار جنگ هشت ساله با عراق که اقتصاد ایران کوپنی اداره و بسیاری از مایحتاج روزانه از سوخت گرفته تا مواد خوراکی و مصرفی با «دفترچه بسیج» توزیع می‌شد باز هم پول ملی چنین به فقرا نرفته بود.

در شرایطی که فهرست بلندی از مشکلات ریز و درشت اقتصادی با منشاء سیاسی و عقیدتی، ملت و مملکت را به خاک سیاه نشانده، دلار از مرز ۹ هزار تومان عبور کرده، اقتصاد در آستانه سقوط قرار داشته و همه اینها به اعتصابات و اعتراضات گسترده دامن زده است، «دلار هفت تومانی زمان شاه» نه تنها یک نوستالژی بلکه به شاخصی عینی تبدیل شده تا عموم مردم ارزش پول ملی را به عنوان یکی از عوامل ثبات اقتصادی با پیش از انقلاب مقایسه کنند و از خود بپرسند چرا چنین شده است؟! به نقل از منابع خبری رسمی داخل ایران در زمان تبعید رضاشاه و ورود متفقین به ایران (حدود ۱۳۲۰ خورشیدی) هر دلار آمریکا تقریباً یک و نیم تومان ایران بود؛ یعنی با ۱۵ ریال می‌شد یک دلار خریداری کرد. در سال ۱۳۳۲ یک دلار آمریکا معادل ۹۰ ریال ایران (۹ تومان) و در واپسین ماه‌های سال ۱۳۵۷ پیش از پیروزی انقلاب اسلامی یک دلار آمریکا تقریباً ۷۰ ریال (۷ تومان) بود.

حالا، چهل سال بعد، دو سه ماه پیش قیمت هر دلار به ۷۰۰۰ تومان رسید و سوزی مردم شد: آنها به کنایه می‌گفتند نردیم و دیدیم در جمهوری اسلامی هم دلار هفت تومان شد! ولی اینطور هم نماند بلکه در زمانی کوتاه



ارزش ریال از آنچه بود بدتر شد و حالا چهار پنج روز است بازاری‌های به ویژه در تهران کسب و کارشان را تعطیل کرده و در اعتراض به نوسانات نرخ ارز و گرانی و کساد بازار دست به تظاهرات می‌زنند.

شاید باور آن حتی برای خوش‌بین‌ترین مخالفان جمهوری اسلامی ممکن نبود که روزی فرابرسد که هزاران نفر از مردم روبروی مجلس شورای اسلامی تظاهرات کنند و شعار بدهند «دلار ۱۰ هزاری نمی‌خوایم، نمی‌خوایم»، «جایی که شاه‌نداره حساب کتاب ندارد»، «رضاشاه روحت شاد!»

یک نفر کار می‌کرد یک خانواده سیر می‌شد
تصویر ایران پیش از انقلاب برای هر گروه از مردم یادآور خاطرات مختلف است. به همین دلیل سردادن این شعارها از سوی بازاری‌ها که اعتراضات آنها بیش از آنکه سیاسی باشد اقتصادی است مفهومی ویژه می‌یابد که تولید و کسب و کار و



بچه‌ها گفتم بازار اینجور چیزها داغ می‌شود ولی همزمان گیر دادن‌های امکان و نیروی انتظامی هم شروع می‌شود. همینطور هم شد برای همین نه فقط ما بلکه بقیه کاسب‌ها هم هر چه جنس داشتند که روی آنها عکس پهلوی و تاج و اینجور چیزها بود از ویتترین جمع کردند. یک مدت که هر کسی می‌خواست می‌گفتمیم نداریم چون واقعا دم می‌ترسید. فقط به آشنا دوست می‌فروختیم؛ اوضاع الان بهتر شده و اگر کسی بیاورد با سلام و صلوات به قیافه‌اش نگاه می‌کنیم که مأمور نباشد و بعد می‌آوریم که ببیند و اگر خواست بخرد.»

نه دستفروش‌ها و نه فروشندگانی عتیقه که مغازه دارند روی خوشی به عکس و فیلم گرفتن از اجناس خود نشان نمی‌دهند اما در ازای یک خرید محدود ارفاق کردند تا عکس‌هایی از اجناس آنها تهیه کنیم.

البته شبیه همین اجناس را در فروشگاه آنلاین «ایسام» نیز می‌شود پیدا کرد. خرید و فروش اسکناس‌ها، سکه‌ها و انواع نشان‌هایی با نماد پهلوی که از تعداد زیاد تبلیغات آن پیداست بازارش حسابی داغ شده است. بعضی از این کالاهای آنلاین خیلی گرانتر و بعضی هم ارزانتر از بازار منوچهری هستند. مثلاً اسکناس نو ۵۰ ریالی پهلوی را ۷۵ تا ۹۵ هزار تومان می‌فروشند یا دو ریالی رضاشاه چاپ سال ۱۳۱۳ با قیمت ۳۷ هزار تومان یعنی ۳۷۰ هزار ریال به فروش می‌رسد. استقبال مردم از زیورآلات و طلا و جواهراتی با تراش‌های شیر و خورشید یا تاج شاهنشاهی و تصویر شاهان فقید پهلوی بسیار زیاد است و هم قدیمی و هم انواع نو آنها با سفارش قبلی خرید و فروش می‌شود. این را نه تنها کسبه منوچهری و چهارراه استانبول بلکه طلافروش‌های راسته میدان امام حسین (میدان فوزیه) هم می‌گویند. فروش آنلاین زیورآلات و اشیای زینتی که در تلگرام و اینستاگرام فعال هستند نیز رونق گرفته و اغلب آگهی‌های آنها با چنین نمادها و نشان‌های تزئین شده‌اند. ما با یکی از این فروشندگان آنلاین تماس گرفتیم تا قیمت کالای حراجی بانسانه‌های پادشاهی را برپرسیم: انگشت بانگین لاجورد ۸۸۰ هزار تومان، انگشت یاقوت یک و نیم میلیون تومان و گردنی یاقوت یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان و اتفاقاً تاکید کرد اگر می‌خواهید شماره حساب بدهم چون معطل کنید نمی‌ماند.

بروز فارسی

ترکیه؛ رجب طیب اردوغان رییس جمهور ماند



هواداران اردوغان پس از اعلام نتایج به خیابانها آمدند و جشن پیروزی گرفتند

● ۸۷ درصد واجدین شرایط رای در این انتخابات شرکت کردند.

● اردوغان در جمع حامیان خود گفته مردم ترکیه به دموکراسی، آزادی، حقوق و ادامه روند اصلاحات رای دادند.

شورای عالی انتخابات ترکیه با مدام دوشنبه، رسماً رجب طیب اردوغان را با دو و نیم درصد بیش از نیمی از آراء و یک و نیم درصد بیش از حد نصاب (۵۰+۱) پیروز انتخابات ریاست جمهوری ترکیه اعلام کرد. طبق اعلام شبکه تلویزیونی TRT تا ساعت ۰۹:۰۰ صبح به وقت ترکیه حدود ۹۹،۰۱۶ درصد آراء شمارش شده، و اردوغان ۵۲،۵۵ و محرم اینچه نامزد حزب اپوزیسیون جمهوریخواه خلق جدیدترین رقیب وی ۳۰،۶۷ درصد آراء را کسب کردند.

با اعلام خبر پیروزی قطعی اردوغان حامیان او در شهرهای مختلف که از غروب یکشنبه به شادی پرداخته بودند دوباره به خیابانها آمدند. رییس جمهوری اسلامگرای ترکیه در آنکارا در جمع حامیان خود سخنرانی کرد و گفت: «پیروز این انتخابات دموکراسی، اراده ملی و مردم هستند».

او در سخنان خود گفت: «با خرابکاران و خائنان مبارزه کردیم، پاسخ کسانی را که در انتظار زانو زدن ترکیه بودند همه با هم دادیم... این مردم که دیروز با دستان خالی مقابل تانکها، توپها، هواپیماها و هلی کوپترها ایستاده بودند، امروز نیز مسئولیت

خود در قبال استقلال و آینده کشور را به جای آوردند» اردوغان با تشکر از هم حزبیها و حامیانش تاکید کرد «با گروههای تروریستی با قاطعیت بیشتری مبارزه خواهیم کرد و اعتبار کشورمان در مجامع بین المللی را افزایش خواهیم داد... مردم ترکیه به دموکراسی، آزادی، حقوق و ادامه روند اصلاحات رای دادند».

او پیش از این قول داده بود در صورت پیروزی در انتخابات بیش از گذشته و با قاطعیت بیشتر با گروه فتو و پکک مقابله خواهد کرد. همچنین گفته بود برنامههایی برای اخراج پناهندگان از این کشور دارد. شورای عالی انتخابات ترکیه تعداد واجدان شرایط رای دادن را ۵۶ میلیون و ۳۲۲ هزار نفر اعلام کرده بود که ۸۷ درصد آنها در انتخابات

ریاست جمهوری و بیست و هفتمین دوره انتخابات پارلمانی ترکیه شرکت کردند. نتایج انتخابات پارلمان ترکیه نیز نشان می دهد ائتلاف حامی اردوغان اکثریت آراء را به دست آورده است. ائتلاف جمهور و حزب حرکت ملی بیش از ۵۳،۵ درصد آراء را به خود اختصاص دادند. ائتلاف ملت جدیدترین رقیب اردوغانیها در پارلمان نیز کمی بیشتر از ۳۴ درصد کرسیها را به خود اختصاص دادند. ایقای اردوغان در مقام ریاست جمهوری و داشتن اکثریت پارلمان این کشور، دست حزب اسلامگرای «عدالت و توسعه» را برای تغییر قوانین و پیشبرد سیاستهای غیردموکراتیک دولت اردوغان بیش از پیش باز می گذارد.

شکست دیپلماسی های ظریف:

هند واردات نفت از ایران را قطع می کند

دیگر قرار دارند و ما واقعاً نمی دانیم چکار باید بکنیم، اما مجبوریم که خودمان را برای هرگونه عواقبی آماده کنیم».

هفتم خرداد خبرگزاری تسنیم نوشته بود «هند هم به مخالفان تحریمهای آمریکا علیه ایران پیوست».

نیکی هیلی سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد روز پنجشنبه از هند خواست در مناسبات اقتصادی خود با ایران تجدید نظر کند و به واردات نفت از آن کشور خاتمه دهد. این کشور تا روز ۴ نوامبر (۱۳) به واردکنندگان نفت ایران فرصت داده است تا برای نفت ایران جایگزینی بیابند.

هیلی تاکید کرده بود هند باید به آینده خود فکر کند و به عنوان یک دوست فکر می کنم که باید تصمیم بگیرد که آیا ایران همان کشوری است که هند مایل به ادامه همکاریهای اقتصادی با آن است؟

ظریف در تشریح مذاکره خود با هندیها برای نادیده گرفتن تحریمهای آمریکا گفته بود: «ما جلسات بسیار خوبی در سطح معاونان وزرا در وزارتخانههای مختلف داشتیم. در این جلسه تمامی بحثهای انجام شده مرور شد. دولت هند همانطور که خانم وزیر در مصاحبه امروزشان اعلام کردند، تحریمهای یکجانبه را به رسمیت نمی شناسد و دو طرف تصمیم دارند روابطشان را در همه حوزهها ادامه و گسترش دهند».

نفت هند در نشستی با مدیران پالایشگاههای این کشور در روز پنجشنبه به آنها هشدار داد که جایگزینی برای نفت ایران پیدا کنند. یکی از این منابع آگاه اعلام کرد: «هند از پالایشگاههای این کشور خواسته تا برای هر عواقبی خود را آماده کنند؛ چرا که شرایط در حال تغییر است، بنابراین این احتمال هست که کاهش بیش از حدی در واردات نفت از ایران و یا به صفر رساندن آن وجود داشته باشد».

دار مندرن پرادهان وزیر نفت هند به خبرنگاران اعلام کرده که این کشور در تصمیم گیری برای واردات نفت، منافع خود را دنبال خواهد کرد.

وی گفته ما می دانیم که می توانیم انرژیهای سالم و تجدیدپذیر داشته باشیم و می توانیم نفت را از هر جایی تأمین کنیم بنابراین هر تصمیمی درباره واردات نفت با توجه به شرایط گرفته خواهد شد و در نهایت ما بر اساس منافع خودمان عمل خواهیم کرد.

در تحریمهای قبلی هند یکی از معدود کشورهایی بود که به خرید نفت از ایران ادامه داد اما مجبور بود واردات خود را به دلیل مسائل کشتیرانی، بیمه ای و کانالهای بانکی که تحت تأثیر تحریمهای آمریکا و اروپا قرار گرفته بود، کاهش دهد.

این منابع با بیان اینکه در حال حاضر شرایط تغییر کرده است اعلام کردند: «در حال حاضر هند، چین و اروپا در یک طرف و آمریکا در طرف

● وزیر نفت هند به مدیران پالایشگاههای این کشور هشدار داد که جایگزینی برای نفت ایران پیدا کنند. ● نیکی هیلی سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد از هند خواسته بود در مناسبات اقتصادی خود با ایران تجدید نظر کند و به واردات نفت از آن کشور خاتمه دهد.

در حالی که محمد جواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی ادعا کرده بود هندیها روابط نفتی خود با جمهوری اسلامی را تقویت خواهند کرد، وزیر نفت هند اعلام کرده کشورش آماده قطع واردات نفت از ایران می شود.

فریز نفتی جمهوری اسلامی شکل جدیدتری به خود می گیرد؛ به گزارش رویترز دو منبع صنعتی با بیان اینکه نخستین نشانههای تأثیر فشار آمریکا به قطع روابط تجاری با ایران در هند ظاهر شده است، گفته اند وزیر نفت هند از پالایشگاههای این کشور خواسته است تا از ماه نوامبر برای کاهش بیش از اندازه یا حتی قطع واردات نفت از ایران آماده شوند.

هند به عنوان بزرگترین خریدار نفت ایران پس از چین، سعی می کند خود را از قرار گرفتن در معرض سیستمهای مالی آمریکا دور نگه دارد.

این منابع آگاه اعلام کردند وزیر

هفتهی سرنوشت ساز برای آنگلا مرکل



برخی اعضای اتحادیه اروپا می خواهند از امتیازات این اتحادیه بهره ببرند ولی حاضر به مشارکت در حل مشکلات آن نیستند؛ آنگلا مرکل در نشست اتحادیه اروپا؛ بروکسل ۲۴ ژوئن ۲۰۱۸

مرکل هستند. فرانسه و اسپانیا نیز در تلاشند تا با هم یک طرح مشترک ارائه دهند. آنگلا مرکل بعد از نشست ۵ ساعته بروکسل در ۲۴ ژوئن دست خالی به برلین بازگشت. ناظران سیاسی بر این باورند که موضع آنگلا مرکل در برابر وزیر کشورش اینک ضعیف تر شده و برای وی تنها یک فرصت باقی مانده است: نشست از قبل برنامه ریزی شده سران اتحادیه اروپا در روزهای پنجشنبه و جمعه ۲۸ و ۲۹ ژوئن. دستور کار اصلی این نشست توافق بر سر یک طرح جامع در زمینه پناهندگی و مهاجرت است. برخی از کشورها برآند تا هر نوع راه ورود پناهجویان به اتحادیه اروپا را سد کرده و در کشورهای شمال آفریقا اردوگاههای بزرگ احداث کرده و پناهجویان را به آنجا برگردانند. برخی کشورهای دیگر برآند تا پناهجویان به کشورهای مبدأ اخراج شوند. برخی نیز قرارداد دویلین را ناکارآمد دانسته و خواستار لغو آن هستند. قرارداد دویلین مشخص می کند کدام کشور مسئولیت رسیدگی به درخواست پناهندگانی را که از کشور دیگر ویزا داشته یا پیش از آن در کشور دیگری بوده اند به

مرکل هستند. فرانسه و اسپانیا نیز در تلاشند تا با هم یک طرح مشترک ارائه دهند. آنگلا مرکل بعد از نشست ۵ ساعته بروکسل در ۲۴ ژوئن دست خالی به برلین بازگشت. ناظران سیاسی بر این باورند که موضع آنگلا مرکل در برابر وزیر کشورش اینک ضعیف تر شده و برای وی تنها یک فرصت باقی مانده است: نشست از قبل برنامه ریزی شده سران اتحادیه اروپا در روزهای پنجشنبه و جمعه ۲۸ و ۲۹ ژوئن. دستور کار اصلی این نشست توافق بر سر یک طرح جامع در زمینه پناهندگی و مهاجرت است. برخی از کشورها برآند تا هر نوع راه ورود پناهجویان به اتحادیه اروپا را سد کرده و در کشورهای شمال آفریقا اردوگاههای بزرگ احداث کرده و پناهجویان را به آنجا برگردانند. برخی کشورهای دیگر برآند تا پناهجویان به کشورهای مبدأ اخراج شوند. برخی نیز قرارداد دویلین را ناکارآمد دانسته و خواستار لغو آن هستند. قرارداد دویلین مشخص می کند کدام کشور مسئولیت رسیدگی به درخواست پناهندگانی را که از کشور دیگر ویزا داشته یا پیش از آن در کشور دیگری بوده اند به

حنیف حیدر نژاد - آیا دولت ائتلافی آلمان می تواند از هفته آینده کماکان به کار خودش ادامه دهد؟

این مهمترین سوالی است که در روزهای اخیر محافل سیاسی و رسانه ای و مردم کوچه و بازار را در آلمان به خود مشغول کرده است. موضوع چیست؟

هورست زهوفر، وزیر کشور آلمان که در عین حال رهبر حزب سوسیال مسیحی CDU در ایالت بایرن در جنوب آلمان نیز هست، چند هفته قبل از یک طرح جامع برای مهار ورود پناهجویان صحبت کرد. او قرار بود که روز ۱۱ ژوئن این طرح را در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام و جزئیات آن را توضیح دهد. دو حزب دیگر در ائتلاف دولت آلمان، یعنی حزب دمکرات مسیحی CDU به رهبری آنگلا مرکل و حزب سوسیال دمکرات SPD از جزئیات این طرح بطور دقیق با اطلاع نبودند. یکی از

مواد مهم این طرح مقرر می کند پناهجویانی که از مرزهای آلمان وارد شده و دستگیر می شوند، در صورتی که در یک کشور دیگر اتحادیه اروپا درخواست پناهندگی داده یا اثر انگشت آنها ثبت شده باشد، باید به همان کشور برگردانده شوند. آنگلا مرکل این طرح را مغایر با تعهدات اروپایی آلمان دانسته و تاکید می کند بجای بستن مرزها و اتخاذ راه حل های ملی توسط هر کشور، باید دنبال یک راه حل اروپایی برای حل مسئله پناهجویان بود. مرکل کنترل و بستن مرزهای زمینی آلمان را مغایر با روح و اهداف اتحادیه اروپا که رفت و آمد آزاد را تضمین می کند می دانند. در پی علنی شدن اختلاف آنگلا مرکل با وزیر کشورش، وزیر کشور کنفرانس مطبوعاتی خود برای اعلان طرح جامع را به عقب انداخت و برای آنگلا مرکل یک مهلت چند روزه مشخص کرد تا با طرح او موافقت کند. در پایان این مهلت و به دنبال مذاکرات پشت پرده، وزیر کشور به آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان یک فرصت دو هفته ای دیگر داد تا مرکل بتواند در گفتگو با سران کشورهای اتحادیه اروپا آن راه حل اروپایی که فکر می کند می تواند مسئله پناهجویان را حل کند، پیدا

آغاز نوسازی یک راکتور اتمی کره شمالی؛ ماهواره مچ کیم جونگ اون را گرفت

تازه ترین تصاویر ماهواره ای نشان می دهد کره شمالی سرگرم نوسازی تنها راکتور هسته ای قابل استفاده آن کشور است. این راکتور پلوتونیوم مورد نیاز برای سلاح هسته ای تولید می کند.

به نوشته روزنامه گاردین وبسایت «شمال ۳۸» که فعالیت های هسته ای کره شمالی را رصد می کند تصاویری را روز ۲۱ ژوئن از راکتور اتمی یونگ بون منتشر کرده و نوشته توسعه زیرساخت های این سایت با سرعت زیاد ادامه دارد. گفته می شود سیستم خنک کننده راکتور تولید پلوتونیوم، با تکنولوژی پیشرفته مجهز شده است.

کیم جونگ اون در ملاقات با دونالد ترامپ و مون چانه این رئیس جمهوری کره جنوبی برای خلع سلاح کامل شبه جزیره کره قول مردانه داد، اما جزئیات انجام این برنامه و زمان اجرای آن را مشخص نکرده بود. او قبلاً گفته بود توانایی هسته ای نظامی پهیونگ یانگ برای حمله به آمریکا کامل شده است. اما پیش از مذاکرات سنگاپور کیم تنها سایت آزمایش هسته ای کره شمالی را از شرایط عملیاتی خارج نمود. پیمان شکنی کره شمالی باعث شد

تازه ترین تصاویر ماهواره ای نشان می دهد کره شمالی سرگرم نوسازی تنها راکتور هسته ای قابل استفاده آن کشور است. این راکتور پلوتونیوم مورد نیاز برای سلاح هسته ای تولید می کند.

به نوشته روزنامه گاردین وبسایت «شمال ۳۸» که فعالیت های هسته ای کره شمالی را رصد می کند تصاویری را روز ۲۱ ژوئن از راکتور اتمی یونگ بون منتشر کرده و نوشته توسعه زیرساخت های این سایت با سرعت زیاد ادامه دارد. گفته می شود سیستم خنک کننده راکتور تولید پلوتونیوم، با تکنولوژی پیشرفته مجهز شده است.

کیم جونگ اون در ملاقات با دونالد ترامپ و مون چانه این رئیس جمهوری کره جنوبی برای خلع سلاح کامل شبه جزیره کره قول مردانه داد، اما جزئیات انجام این برنامه و زمان اجرای آن را مشخص نکرده بود. او قبلاً گفته بود توانایی هسته ای نظامی پهیونگ یانگ برای حمله به آمریکا کامل شده است. اما پیش از مذاکرات سنگاپور کیم تنها سایت آزمایش هسته ای کره شمالی را از شرایط عملیاتی خارج نمود. پیمان شکنی کره شمالی باعث شد

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسؤلیت دکتر ناصر رحیمی

(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk

Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

http://www.hanifhidamejad.com

بهبود بنیادی نماینده مجلس شورای اسلامی: روسیه و سوریه ما را قربانی می کنند

- بنیادی: آخرین خیانت روسیه را در اوپک و کنوانسیون خزر به چشم خود دیدیم.
- «چرا باید همیشه در بیم جنگ، تحریم و افکار ناگوار زندگی کنیم؟»
- متن نطق بهروز بنیادی در خبرگزاری فارس سانسور شده است.



بهروز بنیادی نماینده کاشمر

سیاست‌های کلان نظام به ویژه در مورد بده و بستان با مسکو و دمشق را تنظیم می کند و حکم می دهد. نطق بهروز بنیادی به نوعی ایستادن در مقابل جریان فکری غالب در نظام است که «رهبر» و سپاه پشت آن قرار دارند و کشور را با همین نگاه در آستانه‌ی سقوط تمام‌عیار قرار داده‌اند.

از سوی دیگر بهروز بنیادی نماینده استان خراسان رضوی است و مجمع نمایندگان خراسان تحت نفوذ ابراهیم ریسی تولیت آستان قدس است. نباید فراموش کرد این استان با مرکزیت شهر مشهد در اختیار خانواده احمد علم‌الهدی و ریسی است که زیر چتر حمایت‌های خامنه‌ای قرار دارند و پشت آنها به آستان قدس رضوی گرم است که پس از انقلاب به بنگاه عظیم اقتصادی-مذهبی تبدیل شده. این مجموعه در خراسان بطور ناگفته «خودمختاری» می کنند!

«خراسان ریسی» یادآور دوران ملوک‌الطوایفی در ایران است که پس از انقلاب مشروطه و روی کار آمدن سلسله پهلوی به تاریخ پیوست. به برکت سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی اما به ویژه در سال‌های اخیر بطور مستقل با تجار و بازرگانان روسیه و جمهوری تاتارستان و قفقاز‌های تحت حمایت مسکو ارتباط ویژه دارند و ساز خود را در برابر «دولت مرکزی» می زنند! این همه در حالیست که اختلاف در بدنه نظام به‌خصوص در سیاست‌های کلان بسیار بیش از گذشته شده و هر چه فشار داخلی (اعتراضات و اعتصابات) و خارجی (تحریم‌های اقتصادی و انزوای سیاسی) علیه جمهوری اسلامی بیشتر می شود، این اختلافات بیشتر علنی بروز می کند. متن نطق بنیادی در خبرگزاری فارس منتشر شده اما این بخش از سخنرانی وی سانسور شده است.

بیان این واقعیت در صحن علنی مجلس شورای اسلامی از این دیدگاه نیز مهم است که اساساً راهکار «نگاه به شرق» به خصوص به سوی روسیه و همینطور تئوری «در سوریه بجنگیم» که در تهران و کرمانشاه «جنگیم» هر دو متعلق به علی خامنه‌ای رهبر «روسوفیل» جمهوری اسلامی است. اوست که به همراه مشاورانش

بهبود بنیادی از نمایندگان استان خراسان رضوی طی سخنانی در مجلس گفته روسیه و سوریه، کشور ما را در راه منافع خود قربانی خواهند کرد. او روز چهارشنبه، ششم تیر، در نطق میان‌دستور تأکید کرد «روسیه برای ما دوستی مطمئن نبوده است. با تمام وقاحت اسد هم وزنه همنوایی خود با پوتین را سنگین‌تر کرده است.»

بنیادی با اشاره به حقیقتی که سال‌هاست از سوی شخصیت‌ها و رسانه‌های مدافع آزادی و امنیت و منافع ملی کشور از جمله در خود ایران و در لایه‌هایی از نظام نیز تکرار می شود، می گوید «آخرین خیانت روسیه را در اوپک و کنوانسیون بین‌المللی خزر به چشم خود دیدیم، دور نیست که این دو مهره سیاسی، ایران را در راه منافع خود و به زودی برای نتانیاهو و ترامپ قربانی کنند. ثروت ایران را در راه استراتژی‌های پرهزینه در داخل و خارج مصرف نکنیم. ایران به سالانه ۶۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد.»

او پرسیده «چرا باید به جای اولویت هزینه کردن در مسیر منافع ملی، ریشه‌کنی فقر و بیکاری، ثروت ملی را بدون کسب منافع اقتصادی ثانویه در سایر نقاط

شاهرخ دایی پور از فرماندهان سپاه کرمانشاه در سوریه کشته شد



دو تصویر از شاهرخ دایی پور

شاهرخ دایی پور از فرماندهان سپاه کرمانشاه و از مسئولان پیشین دانشکده فرماندهی و ستاد (دافوس) در جریان حمله هوایی ارتش اسرائیل به مقر حزب الله در سوریه کشته شد. منابع خبری داخل ایران از جمله وبسایت تابناک نزدیک به محسن رضایی خبر کشته شدن این سپاهی را جمعه، اول تیر، منتشر کردند و مدعی شدند «در جریان مقابله با باقیمانده نیروهای داعش در شهر البوکمال به شهادت رسیده است.»

وی مربیگری موشک تاو و ضدزره و فرماندهی یگان ضد زره و ادوات قرارگاه نجف در دوران دفاع مقدس، مربیگری ضدزره اعضای حزب الله لبنان در سال‌های گذشته، مربیگری غواصی در سطح بین‌الملل و نیز مستشاری ضدزره و فرماندهی صحنه نبرد در سوریه علیه تروریست‌های داعش را در پرونده خود داشته است. این سپاهی در سال‌های اخیر به

نیروهای حزب الله آموزش می داد و در سوریه علاوه بر اینکه به عنوان مستشار مسئول آموزش شلیک موشک‌های تاو و ضدزره بود فرماندهی چند یگان عملیاتی را نیز بر عهده داشت. در سه ماه گذشته ارتش اسرائیل بیش از ۱۲ بار به پایگاه‌ها و مراکز حساس سپاه قدس و حزب الله در خاک سوریه حمله کرده بطوری که بسیاری

رامین پرهام: ایران به دمکراسی تاجدار احتیاج دارد



ویدئو

«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

شاهزاده رضا پهلوی در گفتگوی دیگری با خبرگزاری آمریکایی بلومبرگ، از رده‌های پایین و بدنه‌ی سپاه و بسیج خواست که حساب خود را از فرماندهان فاسد جدا کرده و در کنار مردم قرار گیرند. احمد رأفت در رابطه با نظرات شاهزاده رضا پهلوی، با رامین پرهام نویسنده و پژوهشگر که این روزها برای حضور در چند کنفرانس در لس آنجلس بسر می برد، گفتگویی انجام داده است.

خود از فرماندهان فاسد چه اهمیتی دارد؟ شاهزاده رضا پهلوی در گفتگویی با صدای آمریکا که ۲۲ خرداد از این شبکه پخش شد، صحبت از نظامی می کند که در آن پادشاه هیچگونه نقش اجرایی نداشته باشد. این سخنان شاهزاده رضا پهلوی مورد انتقاد بخشی از هواداران پادشاهی قرار گرفت که خواهان نقشی اجرایی برای پادشاه هستند.

اگر مردم پس از گذار از جمهوری اسلامی سیستم پادشاهی را انتخاب کنند، پادشاه چه نقشی باید داشته باشد؟ در یک نظام دمکراتیک، آیا پادشاه می تواند نقش اجرایی داشته باشد؟ پیامدهای استفاده از خشونت در مبارزه علیه نظام جمهوری اسلامی چه می تواند باشد؟ دعوت از رده‌های پایین و بدنه‌ی سپاه و بسیج برای جدا کردن حساب

هنگامه شهیدی:

اصلاح‌طلبان در مقابل مردم قرار گرفته‌اند



ویدئو

«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

خود در قدرت در مقابل مردم قرار گرفته‌اند. هنگامه شهیدی می گوید نمی خواهد در مقابل مردم، بلکه در کنار آنها باشد، زیرا چنانکه در جریان خیزش دی‌ماه ۹۶ مردم در خیابان‌ها فریاد زدند «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا».

زندگی می کند و هر چند روز یک بار مجبور به تغییر محل سکونت است تا نتوانند او را دوباره بازداشت کنند. در گفتگو با احمد رأفت، هنگامه شهیدی از روند قضائی پرونده‌های خود در گذشته و حال می گوید. از اعتصاب غذاهایی صحبت می کند که بارها او را روانه بهداری و بیمارستان کرده. اصلاح‌طلبان را «بی‌اخلاق» خوانده و آنها را شریک بی‌عدالتی‌های قوه قضائیه می داند و می گوید امروز اصلاح‌طلبان به خاطر حفظ موقعیت

هنگامه شهیدی که در سال ۱۳۸۸ برای اولین بار بازداشت و به ۶ سال حبس محکوم شد، در سال ۱۳۹۵ بار دیگر بازداشت و به اتهام همکاری با «آمدنیوز» روانه زندان اوین شد. در جریان خیزش مردمی دی‌ماه ۹۶، حیدر مصلحی وزیر اطلاعات دولت محمود احمدی‌نژاد، این روزنامه‌نگار را به زنا، جاسوس برای دولت‌های بیگانه و شرکت در قتل ندا آقاسلطان متهم کرد.

قوه قضائیه در نظر دارد هنگامه شهیدی را به اتهام اهانت به صادق آملی لاریجانی محاکمه کند. این روزنامه‌نگار کارزاری را برای پاسخگویی رئیس قوه قضائیه نسبت به عملکرد ۹ ساله‌اش راه‌اندازی کرده است. اصلاح‌طلبان این روزنامه‌نگار منتقد دولت حسن روحانی را متهم به همسویی با محمود احمدی‌نژاد می کنند. هنگامه شهیدی روزنامه‌نگار و مشاور سابق مهدی کروبی در امور زنان، ساعتی پس از گفتگو با کیهان لندن، به دلیل عارضه قلبی در بخش سی‌سی‌یو یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شد. هنگامه شهیدی از ابتدای اردیبهشت که حکم بازداشت جدیدی برای او صادر شده، مخفیانه

پی نوشت؛ رهنمودهای داهیان‌ی «رهبر موقت» و مقامات «نظام مقدس» درباره اسراف و بیت‌المال



ویدئو

در اینجا اهمیت پی نوشت بیش از متن است

پی نوشت یا همان پ.ن. معروف، سری جدید گزارش‌های کوتاه و ویدیویی کیهان لندن است که زوایای دیگری از متن و رویدادها را به نمایش می گذارد. این بار: رهنمودهای داهیان‌ی «رهبر موقت» و مقامات «نظام مقدس» درباره اسراف و بیت‌المال

لندن؛ آنچه در کنفرانس «ایران در خطر است، باید‌ها و نباید‌ها» گذشت



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات) میزبان کنفرانسی در شهر لندن با عنوان «ایران در خطر است، باید‌ها و نباید‌ها» برگزار کرد. در این کنفرانس، شاهین فاطمی و حسن منصور دلایل بحران اقتصادی را بر شمرند، نامدار بقائی یزدی از بحران آب و خشکسالی گفت و هاید توکلی، رضا تقی‌زاده و امیر طاهری به ابعاد سیاسی وضعیت کنونی و نقش نیروهای مخالف اشاره کردند.

«ایران در خطر است، باید‌ها و نباید‌ها» عنوان کنفرانسی بود که شاخه بریتانیایی حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات) در شهر لندن برگزار کرد. در این کنفرانس دو کارشناس اقتصادی سرشناس، شاهین فاطمی و حسن منصور، دلایل بحرانی که اقتصاد ایران را فلج کرده است، بر شمرند.

بحران آب و خشکسالی موضوع سخنرانی نامدار بقائی یزدی استاد دانشگاه در لندن و کارشناس محیط زیست بود. ابعاد سیاسی بحران کنونی،

کاستی‌های نیروهای مخالف نظام و روند گذار از جمهوری اسلامی، موضوع سخنرانی هاید توکلی، رضا تقی‌زاده و امیر طاهری بود.

متاتاتر در «هنری پنجم» از لارنس اولیویه



رضا پرچی زاده - «هنری پنجم» یکی از نمایشنامه‌های تاریخی مشهور و محبوب ویلیام شکسپیر است. این نمایشنامه داستان هنری پنجم، مقتدرترین پادشاه انگلستان در اوایل قرن پانزدهم - اواخر قرن وسطا - را روایت می‌کند که با زنده کردن ادعاهای انگلیس در باب تعلق فرانسه به پادشاهی انگلستان، به فرانسه لشکر کشید و در برابر نیروهای بی‌شمار فرانسوی (۵ به ۱ به نفع فرانسه) و با وجود موقعیت نظامی برتر فرانسوی‌ها، آنها را در نبرد «آژین کور» (Agincourt) در ۲۵ اکتبر ۱۴۱۵ شکست سنگینی داد و حداقل برای مدتی ادعاهای انگلیس در قبال فرانسه را به کرسی نشاند.

این نمایشنامه میهنی بارها در طول تاریخ به اقتباس درآمد، اما اقتباس سینمایی لارنس اولیویه شاید مشهورترین آنها باشد. اولیویه که بی‌تردید بزرگترین شکسپیرین قرن بیستم بود، در اواخر جنگ جهانی دوم (۱۹۴۴) و با خرج وزارت جنگ انگلیس این نمایشنامه را به فیلم تبدیل کرد تا حین نبرد سنگین با آلمان هم میهن‌دوستی انگلیسی‌ها را تحریک کند و هم پیش‌درآمدی بسازد بر تهاجم فرانسه که قرار بود به زودی با هماهنگی نیروهای متفقین غربی در سواحل نورماندی فرانسه بر ضد اشغالگران نازی انجام شود. با این وجود، فیلم چنان هنرمندانه ساخته شده که کمتر اثری از «تبلیغات جنگی» در آن مشاهده می‌شود.

در این مقاله قصد دارم در باب جنبه‌ای از هنری پنجم اولیویه بنویسم که تا به حال کمتر مورد توجه قرار گرفته؛ جنبه‌ای که به توبه خود، جدا از ارزش متن نمایشنامه‌ی شکسپیر، مهم و ارزشمند است. آن جنبه، «فرانمایشی» بودن هنری پنجم است. اصطلاح فرانمایش (meta-theater) را لاینل ابل، نمایشنامه‌نویس و منتقد آمریکایی، در سال ۱۹۶۳ وضع کرد. «فرانمایشی» به معنای «فرا» است. فرانمایش پدیده‌ای است که یک اثر هنری - به خصوص اثر نمایشی - از طریق آن به «نمایشی» بودن خود اشاره و اعتراف می‌کند، و بدین ترتیب «واقعی» بودن خود را چالش می‌کشد. به عبارتی، با استفاده از ادوات فرانمایشی، نمایشنامه مرز میان «واقعیت» و «تخیل» را درمی‌نوردد و بدین وسیله تماشاچی را در جریان خود شرکت داده به بخشی از نمایش تبدیل می‌کند. ایل دون کیشوت را بزرگترین شخصیت فرانمایشی می‌دانند که مدام به نمایشی بودن موقعیت خویش اعتراف می‌کند.

پدیده‌ی فرانمایش بطور عمده با تئاتر مدرنیست و پسا مدرنیست به‌خصوص با برتولت برشت و ساموئل بکت شناخته می‌شود تا با کلاسیسیست‌هایی همچون اولیویه. با این وجود، به نظرم اولیویه در هنری پنجم یکی از بهترین نمونه‌های فرانمایش در طول تاریخ تئاتر را به تصویر کشیده است. جادوی اولیویه شاید در این باشد که بر خلاف امثال برشت و بکت، فرانمایش توی ذوق بیننده نمی‌زند و او را گیج و گنگ - و به اصطلاح برشت - «زخودبیگانه» (estranged) نمی‌کند. به عبارتی، بیننده می‌تواند هم با نمایش سرگرم شود و از آن لذت ببرد و هم چیز یاد بگیرد و آگاهانه بداند که «حقیقت» ممکن است متفاوت از محتوای نمایش بوده باشد.

هنری پنجم با نمایش پوستر تبلیغاتی نمایشنامه آغاز می‌شود که با باد در آسمان چرخ می‌خورد و می‌آید و به لنز دوربین می‌چسبد. روی پوستر نوشته «نمایشنامه‌ی هنری پنجم و نبرد او در آژین کور در فرانسه امروز اول ماه مه ۱۶۰۰ در نمایش‌خانه‌ی گلوب توسط گروه مردان لرد چمبرلین اجرا می‌شود.» گلوب (Globe) نمایش‌خانه‌ای بود که کمپانی هنری شکسپیر، «مردان

لرد چمبرلین»، در آن برنامه اجرا می‌کرد. این یعنی اینکه اولیویه قرار نیست نمایش را در سال ۱۹۴۴ در دوران معاصر خودش اجرا کند، بلکه در سال ۱۶۰۰، یعنی هنگامی که شکسپیر نمایشنامه را نوشته و برای اولین بار اجرا کرده. یعنی قرار است اولین اجرای نمایشنامه‌ی هنری پنجم را ببینیم. این آغاز خودش ما را دو مرحله در زمان جابجا می‌کند. بعد پوستر از روی لنز کنار می‌رود و یک نمای دور (long shot) از ماکت لندن اواخر عهد ملکه الیزابت مشخص می‌شود. دوربین در امتداد رود تمز به سمت چپ حرکت می‌کند تا به نمایش‌خانه‌ی گلوب برسد، و بعد از آنکه کمی روی آن بازی کرد، زوم می‌کند و به داخل می‌رود. داخل نمایش‌خانه، شیپورچی به نشانه‌ی آماده شدن برای آغاز نمایش شیپور می‌زند؛ گروه موسیقی سر صحنه که زیر سقف طبقه‌ی آخر نمایش‌خانه نشسته‌اند - و رهبرشان چشم به اعلام شیپورچی دارد - شروع به نواختن می‌کند؛ تماشاچیان دسته دسته وارد نمایش‌خانه می‌شوند؛ اعیان و آنهایی که دستشان به دهانشان می‌رسد روی سکوی مسقف (لژ) می‌نشینند و تنگدستان در وسط نمایش‌خانه زیر آسمان و جلوی صحنه می‌ایستند؛ دخترک میوه‌فروش وارد شده سبب به مردم تعارف می‌کند؛ و دوربین بدون مکث زیاد روی همه‌ی اینها می‌لغزد و حرکت می‌کند؛ اولیویه، با بهره‌ی کامل گرفتن از فیلمبرداری استادانه‌ی جک هیلبارد، در یک سکانس کوتاه نمایی گویا از نمایش‌خانه‌ی شکسپیری، طبقات اجتماعی الیزابتی و پوشاک آنها به تماشاچی ارائه می‌کند.

وقتی همه در جای خود مستقر شدند، شیپورچی شیپور دوم را به نشانه‌ی آغاز نمایشنامه می‌نوازد. پس‌پس‌پس پلاکارد به دست روی صحنه می‌آید و نام نمایش را اعلام می‌کند، تعظیم کرده و از صحنه خارج می‌شود. بعد «کر» (chorus) پرده بیرون آمده پرده‌ی جدید را جلو می‌کشد؛ تماشاچیان برایش کف می‌زنند؛ او تعظیم می‌کند و شروع می‌کند به معرفی نمایش. در همین حین، پشت صحنه‌ی شلوغ از می‌بینیم که هر کس در آن به کاری مشغول است.

اولیویه/ هنری پنجم را اولین بار اینجاست که می‌بینیم، و نه روی صحنه به عنوان پادشاه. او ناگهان از سمت چپ وارد قاب بسته‌ی دوربین می‌شود، و با وجودی که جامه‌ی سلطنتی به تن کرده و تاج بر سر دارد، با تردید می‌ایستد، از میان درنگاهی به صحنه می‌اندازد، سرفه‌ای کرده سینه صاف می‌کند، و سپس وارد صحنه می‌شود. دوربین با اولیویه روی صحنه نمی‌رود، بلکه می‌چرخد و از میان در باز او را دنبال می‌کند که به لبه‌ی صحنه می‌رود، و در حالی که تماشاچیان برایش کف می‌زنند، اولیویه/ هنری پنجم به تماشاچیان تعظیم می‌کند. نمایش درهم‌ریختگی نقش‌ها شاهکار است.

کمی بعد، هنگامی که هنری اسقف اعظم کانتربری را احضار می‌کند، دوربین از روی صحنه به سوی در صحنه می‌چرخد و ماموری که به دنبال اسقف فرستاده شده در دنبال

نزدیک به یک سال و نیم پیش فصلنامه‌ی «آوای تبعید» فعالیت خود را در گستره‌ی ادبیات و فرهنگ در برون‌مرز آغاز کرد. اکنون شماری ششم این نشریه که نه تنها در دنیای مجازی بلکه به شکل کتاب نیز منتشر می‌شود، پیش روی ما است. بیش از بیست و پنج شاعر، نویسنده، منتقد و هنرمند با این شماره همکاری داشته‌اند و آثار خود را در قالب شعر، داستان، نقد و بررسی ادبیات، همچنین تاریخ و اسلام‌شناسی ارائه داده‌اند. روی جلد شماره‌ی ششم، کار شهرام کریمی، هنرمند ساکن آلمان است. در صفحات داخلی فصلنامه نیز بیش از سی اثر از این هنرمند پرکار به چاپ رسیده است.

«بخش ویژه»، ابتکاری نو

مطلب این تازه‌ترین پرتال فرهنگی در برون‌مرز، که در هفت فصل خلاصه می‌شود، از تنوع خاصی برخوردار است و بخش‌های شعر، داستان، مصاحبه، نقد ادبی، تاریخ، نقاشی/ طرح و معرفی کتاب را در بر می‌گیرد. از دو شماره‌ی پیش، یک «بخش ویژه» به این تنوع افزوده شده که در چارچوب آن تا کنون موضوع‌های محوری «تئاتر» و آثار «نویسندگان و شاعران ایرانی ساکن کانادا» بررسی شده است.

شماره‌ی جدید، به معرفی «نویسندگان نسل دوم ایرانی در خارج از کشور» اختصاص دارد. فهیمه فرسای، نویسنده و مسئول این بخش، با اشاره به اینکه نسل دومی‌ها، آثار خود را به زبان کشوری که در آن به دنیا آمده‌اند یا در آن زندگی می‌کنند، می‌نویسند، «گسستگی زبانی» را عامل عدم طرح پیوسته‌ی موفقیت‌های آنان در رسانه‌های فارسی‌زبان می‌داند. او می‌نویسد: «این «گسستگی» سبب شده که نسل دومی‌ها در رسانه‌های داخل و خارج فاقد «لای» باشند و خبر انتشار آثار یا فعالیت‌های ادبی آنها کمتر به رسانه‌ها راه یابد.»

دور دست‌های شگرف پرواز کنند. پس اولیویه تماشاچیان را به سفری دور و دراز در «زمان» و «مکان» - به لندن و پاریس و کاله و آرفلر و آژین کور دو سده قبل، که با احتساب زمان کنونی حدود ششصد سال قبل می‌شود - می‌برد، و آنها را در ماجراهای شوخی‌ها و دل‌آوری‌های هنری و یارانش شریک می‌کند. آخرش هم رومانس و عروسی داریم، و اینجا - در انتهای نمایش - است که همه چیز دورتر به نمایش‌خانه‌ی کنار رود تمز و به میان تماشاچیان بازمی‌گردد.

چنین است که اولیویه آن سرنخ فرانمایشی شکسپیری الیزابتی - در قالب کر - را گسترش می‌دهد تا در دوران خودش - و بلکه ما - رئالیسم تلخ و فلج‌کننده را به چالش بکشد. چنانکه شکسپیر به خوبی می‌دانست، اولیویه هم خوب می‌داند که رئالیسم چارچوب تنگی دارد که روح ماجراجوی انسان جستجوگر را ارضاء نمی‌کند. دنیای رئالیست حقیقتاً دنیایی تیره و تار است، اگر کاملاً خطرناک نباشد. نقد و بررسی آثار بر تیرگی‌اش باید ذهن را از بندش آزاد کرد و به پرواز درآورد، کاری که اولیویه استادانه انجام می‌دهد.

هنری پنجم اولیویه به فارسی دوبله شده و اولین بار اوایل دهه‌ی هفتاد خورشیدی در برنامه‌ی تلویزیونی «هنر هفتم» به کارگردانی اکبر عالمی پخش شده است. دوبله‌ی این فیلم از دوبله‌های فاخر ادبی به زبان فارسی است. پرویز بهرام در نقش کر (لژی بَنکس) دکلمه‌ی موزون (در بَحر زَمَل و متقارب) می‌کند، و ایرج دوستدار در نقش اسقف اعظم کانتربری (فیلکس آیلمر) و ژرژ پاترسی به جای هنری (اولیویه) حرف می‌زنند.

«آوای تبعید» با نواهای نویسندگان نسل دوم ایرانی در برون‌مرز



«در کنار ساحل» از شهرام کریمی

با پدیده‌ها برخورد می‌کند و واکنش نشان می‌دهد که البته باید از منطق قابل قبولی برخوردار باشد. او برای اینکه علت این کنش‌ها و واکنش‌ها روشن شود و مونا هم شخصیتی باورپذیر جلوه کند، در طول رمان خصوصیات پیچیده‌ای پیدا کرده که من فاقد آنها هستم. مثلاً من سعی نمی‌کنم مسائل ناگوار را به دست فراموشی بسپارم؛ مونا ولی برای اینکه شخصیتی قابل قبول بشود، این ویژگی را پیدا کرده است.»

از دیگر موضوع‌هایی که در «بخش ویژه» این فصلنامه گنجانده شده، بررسی تاریخ معاصر انتشار آثار ادبی ایران در آلمان و فرانسه و نیز جایگاه آثار نسل دومی‌های ایرانی در متن ادبیات مهاجرتی هر یک از این کشورهاست. همکاران این بخش، علاوه بر مسئول آن، بهجت امید (آلمان)، سرور کسمایی (فرانسه) و بهروز رشید (سوئد) بوده‌اند.

قسمت‌های دیگر و ویژه‌نامه‌های آتی

بخش شعر این شماره‌ی فصلنامه یکی از پربرترین آنهاست. این جمع‌بندی البته بدون ارزیابی مضمونی و شکلی اشعاری است که منتشر شده‌اند. اسد سیف، پژوهشگر و مدیر «آوای تبعید» با اشاره به اینکه «ایرانیان خود را سرآمد شعر جهان می‌دانند» یادآور می‌شود: «بی‌آنکه قصد توهمین یا آزار کسی را در سر داشته باشیم، نمی‌پرسم که آیا می‌توان شعر را مرض ایرانیان نیز محسوب داشت؟ این پرسش نامتعارف از آنجا به ذهنم می‌رسد که شمار شاعران ایران را پانزده هزار نفر برآورد می‌کنند. و این در صورتی است که تیراژ کتاب‌های شعر به بیش از صد نسخه نمی‌رسد. به بیانی دیگر، شاعران خود شعر نمی‌خوانند!»

نعمت آرم، اسماعیل خوبی، رضا مقصدی، محمود فلکی، افشین بابازاده، اسماعیل نوری‌علاء، میرزا آقا عسگری و مجید نفیسی از جمله شاعرانی هستند که کارهایشان در این بخش منتشر شده است.

با بخش‌های داستان و نقد و بررسی این شماره همچنین، مرضیه ستوده، علی رستانی، پرویز احمدی‌نژاد، محسن حسام، شهرزاد رشید، س. سیفی، ابراهیم محجوبی، بهروز مطلب‌زاده و ابراهیم هرندی همکاری کرده‌اند. در قسمت «تاریخ، نقد و بررسی» اسد سیف، ب. بی‌نیاز و آرمین لنگرودی قلم زده‌اند.

در «پیش درآمد» این شماره از آن گذشته آمده است که شماره‌ی هفتم فصلنامه به بررسی آثار «شاعران زن ایرانی در خارج از کشور» اختصاص داده شده و «ترانه‌سرایی» موضوع محوری هشتمین شماره‌ی آن است. بر اساس این نویدها می‌توان امیدوار بود که نشر «آوای تبعید» دست کم تا دو شماره آتی ادامه دارد و در شش ماه آینده به سرنوشت نشریات ادبی - هنری که مانند دفتر انجمن قلم ایران در تبعید - هنوز اعلام فعالیت نکرده تعطیل می‌شوند، دچار نخواهد آمد.

مجموعه‌ای پر محتوا برای آغاز

در «بخش ویژه»ی این شماره، برای نخستین بار شش نویسنده‌ی ایرانی تبار که در کشورهای آلمان، فرانسه و سوئد زندگی می‌کنند، معرفی شده و آثارشان که اغلب کار اول آنهاست، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. شیدا بازیار، با رمان «تهران شب‌ها آرام است»، نوا ابراهیمی با کتاب «شانزده واژه» و مهرنوش زائری اصفهانی با رمان «سی و سه پل و یک چای‌خانه» از آلمان، نگار جوادلی با کار «شرق‌زده» و

مریم مجیدی با رمان «مارکس و عروسک» از فرانسه، همچنین گلناز هاشم‌زاده با کتاب «این ما بودیم» از سوئد از جمله‌ی این قلم‌به‌دستان هستند. این رمان‌ها که جوایز ادبی متعددی را در نصیب نویسندگان خود کرده‌اند، در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به بازار کتاب کشورهای یادشده راه یافته‌اند. موضوع محوری این آثار، زندگی ماجراجویانه‌ی حال و گذشته‌ی مهاجران و تبعیدی‌های ایرانی در بزنگاه‌های تاریخ معاصر این کشور از نگاه هستی‌شناسانه‌ی نسل دومی‌ها است که اغلب خود را ساکنان خانه‌ی یک فرهنگ جهانی می‌دانند.

نویسندگان زن در صف اول

این که تمامی این آثار به قلم «جنس دومی»های ایرانی تبار نگاشته شده، شاهده‌ی بر موفقیت‌های چشمگیر زنان ایرانی در برون‌مرز است. سرور کسمایی، نویسنده و پژوهشگر ادبی، این روند را حاصل رشد مدرنیته در جامعه می‌داند. او در مصاحبه‌ای با عنوان «کنکاشی در روایت‌های نویسندگان نسل دوم ایرانی - فرانسوی» که در این فصلنامه منتشر شده، می‌گوید: «تجربیه‌ی مهاجرت در چهار دهه‌ی اخیر نشان داده است که زن‌های ایرانی قابلیت و استعداد شگفت‌انگیزی برای تطبیق خود با شرایط جدید، محیط تازه و یادگیری زبان خارجی از خود نشان داده‌اند. من نمونه‌های بسیاری را می‌شناسم که زن خانواده خیلی زودتر از مرد به خود آمده و توانسته در اینجا خود را از آب بیرون بکشد. خب، اینها مادرهای همین نسل دومی‌ها هستند و نقش الگو و سرمشق را برای فرزندان‌شان داشته‌اند.»

پاره‌های ویژه‌نامه

«بخش ویژه»ی فصلنامه، تنها شامل معرفی، نقد و بررسی آثار نویسندگان یادشده نیست. خود این قلم‌به‌دستان نیز در مصاحبه‌هایی، دیدگاه‌ها و انگیزه‌هایشان را برای نگارش تجربیات خود در چارچوب ژانرهای ادبی گوناگون و شیوه‌های تحقیق و کالبدشکافی رویدادهای تاریخی ایران با خواننده در میان گذاشته‌اند. به عنوان مثال نوا ابراهیمی در رابطه با پیوند واقعیت و تخیل در رمان و شباهت خود با شخصیت اول داستان «مونا» می‌گوید: «بسیاری از احساساتی که در این رمان بازگو شده، واقعی و احساس من است، ولی رویدادهای و ماجراها ساختگی است. مونا در چارچوب این ماجراهای ساختگی

رابطه لرزان ترامپ با رهبر شایسته



رؤسای جمهوری آمریکا و کره شمالی؛ سنگاپور ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸

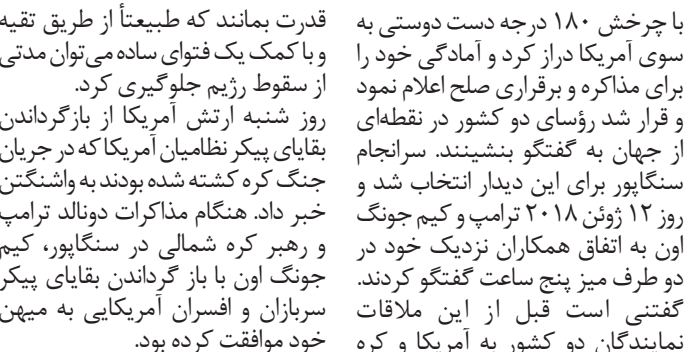
روید فرصت طلبان به ماجرا

ملاقات ترامپ و کیم جونگ اون و ادامه تماس‌های مسئولان دو کشور قبل و بعد از اجلاس سنگاپور کم کم رؤسای چین و روسیه را نیز به فکر دیدار و گفتگو با رهبر کره شمالی و احتمالاً گوشزد کردن برخی نکات به او انداخت و اگرچه در ظاهر شی جی‌پینگ و پوتین از عادی شدن روابط واشنگتن و پیونگ یانگ اظهار خرسندی نموده‌اند اما به احتمال زیاد نظرات و شاید هشدارهای خود را نیز درباره نزدیک شدن زیاد از حد پیونگ یانگ به واشنگتن به گوش رهبر جوان کره شمالی رساندند بطوری که کیم در طول یک ماه سه بار برای دیدار و گفتگو با رهبر چین به آن کشور رفت و قرار شده به دعوت ولادیمیر پوتین به زودی عازم مسکو شود.

در این میان فشار آید نیز خواستار دیدار با کیم شده است، بعید نیست ولی فقیه و رهبر جمهوری اسلامی هم در نامه‌ای کاملاً سری به همتای کره شمالی خود خطرات دوستی با آمریکا را به وی یادآور شده باشد.

انها که برای علی خامنه‌ای دلیل سیاسی چرخش ناگهانی کیم جونگ اون را تشریح کرده‌اند لاید به وی نصیحت نموده‌اند که برای چند سال ماندگاری بیشتر از قدرتی کاملاً مشابه کیم جونگ اون بهتر است از طریق رابط‌های رازنگهدار به وی پیشنهاد مذاکره بدهد چون در جهان کنونی سرنوشت رژیم‌های دیکتاتوری یک‌نفره در کشورهای غیر صنعتی و از نظر اقتصادی عقب‌مانده که مطلقاً پایگاه مردمی ندارند، کاملاً روشن و قابل پیش‌بینی است.

بنابراین با برقراری رابطه با آمریکا شاید ولی فقیه و رژیم او مدتی بیشتر در



رهبران چین و کره شمالی؛ پکن ۱۹ ژوئن ۲۰۱۸

قدرت بمانند که طبیعتاً از طریق تقیه و با کمک یک فتوای ساده می‌توان مدتی از سقوط رژیم جلوگیری کرد. روز شنبه ارتش آمریکا از بازگرداندن بقایای پیکر نظامیان آمریکا که در جریان جنگ کره کشته شده بودند به واشنگتن خبر داد. هنگام مذاکرات دونالد ترامپ و رهبر کره شمالی در سنگاپور، کیم جونگ اون با باز گرداندن بقایای پیکر سربازان و افسران آمریکایی به میهن خود موافقت کرده بود.

در همین حال روز یکشنبه کیم جونگ اون بعد از حضور در مراسم هفتادمین سال تاسیس ارتش مردمی کره شمالی و تماشای رژه این نیرو ضمن اعلام سوگندنامه جدید کشور طی سخنانی گفت: آنچه پدر و پدربزرگ من برای کشورمان انجام داده‌اند در حد دستاوردهای من نبوده است.

او گفت: سیاست و روش مدیریت من بر کشور برای مردم کره شمالی بهتر، موثرتر و پیشرفته‌تر از پیشینیانم است. وی در مراسمی دیگر از سوگندنامه ملی جدید آن کشور رونمایی کرد. احاد مردم کره شمالی باید این سوگندنامه را از بر داشته باشند و بخوانند.

سوگندنامه قبلی در سال ۱۹۷۰ هنگام ریاست کیم ایل سونگ بانی کره شمالی و پدربزرگ کیم جونگ اون تنظیم شده بود.

اقتصاد زیر فشار چکمه و باتوم: ولی «الحمدالله» همه چیز خوب است!

اقتصادی گفت در خبرگزاری فارس بطور کامل منتشر شد اما ایسنا بخش‌هایی را که نام ضراب و صدرهاشمی آورده شده سانسور کرد. بحران‌های موجود چنان کار را بر نظام سخت کرده که چند روزی است اغلب مقامات رژیم روی شعارهایی مثل «لزوم وحدت» و «همگرایی» و «اتحاد» مانور می‌دهند و هر کدام برای طرف دیگر در این زمینه موعظه می‌کنند اما همگی آنها یک حرف مشترک دارند و آن هم حفظ کشتی به شدت سوراخ نظام است.

در شرایط خاصی شبیه جنگ هستیم

از سوی دیگر، غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل گفته «در برهه‌ای که دشمن جنگ اقتصادی به راه انداخته ضروری است تا اصلاح‌طلبان و اصولگرایان روزه سیاسی گرفته و وحدت ملی را حفظ کنند.» او هشدار داده «اکنون در شرایط خاصی شبیه جنگ هستیم با این تفاوت که تنها ابزار و شیوه‌های جنگ تغییر کرده ولی دشمنی و کینه آمریکا هنوز ادامه دارد.»

جلالی تأکید کرده مردم در تحرکات اعتراضی باید مراقب باشند و اقدامات ضدانقلابی را از اعتراضات ساده تشخیص دهند. اسحاق جهانگیری معاون اول دولت نیز صبح یکشنبه طی جلسهای در مجلس اعترافات مهمی کرد: «...ا. ضربه زدن به حمل و نقل کشور در دستور کار دشمن است، اولین تحریم‌ها مربوط به هواپیمایی، حمل و نقل دریایی و بیمه‌های مرتبط با حمل و نقل دریایی است [...] اکنون فشار جدی وجود دارد که بخش صنعت و کارخانه‌ها تعطیلی کشنده شود.

ضربه زدن به حمل و نقل کشور در دستور کار دشمن است، اولین تحریم‌ها مربوط به هواپیمایی، حمل و نقل دریایی و بیمه‌های مرتبط با حمل و نقل دریایی است [...] همه درمقابل توطئه آمریکا متحد شوئند.» جهانگیری همان فردی است که در جریان مناظره‌های انتخاباتی ادعا کرد دولت سهام عدالت را واقعی می‌کند و قول داد که ۵۰ میلیون نفر سهامدار کارخانه‌ها می‌شوند و لذت سهامدار شدن را می‌چشند و همچنین وعده داد هیچ ایرانی نخواهد بود که نیازمند باشد!

در این گیر و دار علی مطهری نایب رئیس مجلس شورای اسلامی هم گفته «از خارج به دولت فشارهایی در حال وارد شدن است تا ایران زانو زده و پای میز مذاکره برود، اگر مردم ۶ ماه مقاومت کنند، وضعیت اقتصادی بهتر خواهد شد!»

او تأکید کرده دولت باید با زبان ساده با مردم صحبت کند و بگوید در چه شرایطی هستیم و ریشه گرانی‌ها در چیست و دست دولت چقدر باز است و خودش از خود خودش بگوید در این صورت، به ادعای علی مطهری، مردم نیز از دولت قبول می‌کنند.

فاطمه ذوالقدر از فراکسیون امید نیز گفته «شرایط اقتصادی حال حاکم کشور نشان می‌دهد که تیم اقتصادی دولت نتوانسته کارایی لازم را داشته باشد. کتمان واقعیت‌ها، سکوت و ندیدن جنگ اقتصادی صرفاً چاله را به چاه تبدیل می‌کند.»

بازار پایتخت قلب اقتصاد داخلی است که نبض آن تقریباً از ایستاده است. بازارهای می‌گویند ادامه این وضع ممکن نیست و دارند از هستی و نیستی ساقط می‌شوند. آنها راهی جز اعتصاب و اعتراض ندارند ولی این را هم می‌دانند که کاری از دست مسئولان و مسببان اصلی این این وضعیت بر نمی‌آید. بحران و بن‌بست ذاتی جمهوری اسلامی است و راهی برای برون‌رفت از آن وجود ندارد مگر آنکه از آن عبور کرد و گذشت. کسانی که مانند محمود صادقی به جای دیدن واقعیت از روحانی می‌خواهند «کاه چه کنم» در دست به جامعه امید مپاژ کنند، هنوز در نیافتن‌اند با اقتصاد که قانونمندی‌های خودش را دارد نمی‌توان شوخی کرد. مگر اینکه مانند علی لاریجانی خود را به «کوچه علی چپ» زد و گفت خدا به مردم صبر بدهد!



هزاران نفر از کسبه و فروشنده‌ها که اغلب آنها جوان هستند دو روز است به جای آنکه مثل کشورهای دیگر دنیا زیر سایه ثبات اقتصادی و سیاسی به فکر زندگی و آینده خود باشند باید برای امروز خود مبارزه کنند

عدم اجرای برنامه‌های اعلامی در زمان اخذ رای اعتماد از مجلس عدم تدبیر لازم در سازماندهی اقتصادی کشور عدم اجرای عادلانه نظام مالیاتی کشور به نحوی که بیشترین فشار مالیاتی به واحدهای تولیدی و اقشار کم درآمد وارد می‌شود عدم توجه به اقتصاد مقاومتی عدم تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب در حمایت از تولید داخلی

عدم توانایی در مردمی‌سازی اقتصاد و تقویت توان تولید ملی عدم توانایی در شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد کشور عدم توانایی در افزایش ثروت عمومی عدم مشارکت فعال در تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی، اقتصادی و مالی کشور عدم مدیریت مناسب بازار سرمایه، گمرک، مالیات، بیمه و خزانه‌داری کشور

عدم برنامه‌ریزی صحیح جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بی‌توجهی به آن چنین تصویری که مجموعه‌ی این مشکلات به شخص وزیر اقتصاد باز می‌گردد و نه به ساختار نظام و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی در عرصه‌ی داخلی و بین‌المللی، بیشتر بیانگر این نکته است که مسئولان نه به دنبال راه حل‌های بنیادین بلکه در پی مقصر دانستن یکدیگر و سیاست «از این ستون به آن ستون فرج است» هستند

بحران‌های اقتصادی که رژیم اسلامی ایران با آن دست به گریبان است از یک سو ریشه‌های قوی و عمیق در سوء مدیریت و بی‌کفایتی مزمین دارد که ۴۰ سال است به قوت خود باقی است و از سوی دیگر ریشه‌های سیاسی آن را می‌بایست در رأس نظام جست. اما زمامداران جمهوری اسلامی همواره ترجیح داده‌اند به جای حل مسئله، صورت آن را پاک کنند و اینطور وانمود کنند که «الحمدالله» مسئله‌ای وجود ندارد و همه چیز خوب است.

در یک نمونه‌ی کاملاً تازه، در تهران روز سه‌شنبه پنجم تیرماه همزمان با اعتصابات گسترده در بازار همایش سراسری قوه قضاییه برگزار شده که رؤسای سه قوه در آن حضور داشتند. روحانی در سخنانی کاملاً عجیب گفته «کمبود واقعی نداریم و اطمینان می‌دهیم مردم در نیازمندی‌های روزانه مشکلی نخواهند داشت» وی آنچه را در بازار تهران و دیگر شهرهای ایران می‌گذرد «سیاه‌نمایی» نامید و تأکید کرد «اگر امید و اعتماد در مردم زنده بماند، هر مشکلی قابل حل و فصل است!»

از این سخنرانی در تهران روز سه‌شنبه پنجم تیرماه همزمان با اعتصابات گسترده در بازار همایش سراسری قوه قضاییه برگزار شده که رؤسای سه قوه در آن حضور داشتند. روحانی در سخنانی کاملاً عجیب گفته «کمبود واقعی نداریم و اطمینان می‌دهیم مردم در نیازمندی‌های روزانه مشکلی نخواهند داشت» وی آنچه را در بازار تهران و دیگر شهرهای ایران می‌گذرد «سیاه‌نمایی» نامید و تأکید کرد «اگر امید و اعتماد در مردم زنده بماند، هر مشکلی قابل حل و فصل است!»

خوب است! در همین حال به دنبال یافتن یک مقصر که بتوان فلان کاسه و کوزه‌ها را بر سر وی شکست، علی‌اصغر یوسف‌نژاد عضو هیات ریسه مجلس خبر داده استیضاح وزیر اقتصاد با ۵۰ امضا تقدیم هیات ریسه شده است. در این طرح ۱۶ دلیل برای استیضاح کرباسیان ذکر شده: عدم توانایی در تدوین و اعمال سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور ناتوانی در اداره امور اقتصادی کشور عدم اعمال تکالیف قانونی در حوزه فعالیت‌های بانکی

سکه می‌خواهند بازار را ملتهب کنند و نیروهای اطلاعاتی باید تلاش کنند این افراد را شناسایی کنند.» آملی لاریجانی همچنین گفته «این اقدامات خیانت به مردم و خیانت به نظام است و ما به هیچ عنوان کوتاه نیامده و با این افراد برخورد می‌کنیم و هشدار می‌دهیم که این کار به عنوان اخلال در نظام اقتصادی کشور مجازات سنگینی دارد و اگر مصداق افساد فی الارض باشد اعدام برایشان در نظر می‌گیریم و هیچ کوتاهی هم در اجرای قانون نخواهیم داشت.» یک روز پیش از این سخنان، حسین شریعتمداری در کیهان چاپ تهران نیز عنوان کرده بود که راه حل مشکلات اقتصادی، اعدام و مصادره است!

در این میان، محمد کاظمی عضو کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی از روحانی انتقاد کرده که چرا با مردم سخن نمی‌گوید؟! تعدادی دیگر از نمایندگان نیز موعظه کرده‌اند که چرا روحانی تصمیم انقلابی نمی‌گیرد؟! **آمریکا راه‌های تنفس نظام مقدس را بسته**

محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز یکشنبه، سوم تیرماه، با فعالین اقتصادی در اتاق بازرگانی ایران دیدار کرد و به تشریح وضعیت جمهوری اسلامی پس از خروج آمریکا از برجام پرداخت. سخنان وی طولانی بود اما دو بخش آن بازتاب بسیار زیادی در شبکه‌های اجتماعی داشت و تا نیمه‌های شب در توییتر و گروه‌های تلگرامی شهروندان ایرانی داخل و خارج از کشور در باره‌ی آن صحبت می‌کردند.

ظریف در بخش از این سخنرانی گفت «آمریکایی‌ها مجاری تنفسی ما را شناسایی کردند، اگر به اندازه کافی شناسایی نکرده بودند با دستگیری رضا ضراب و پسر آقای صدرهاشمی اینها را شناسایی کردند.» آمریکا هر دوی این افراد را بازداشت کرد و شبکه‌های مالی را که از طریق آن رژیم تهران تحریم‌های آمریکا را دور می‌زد است لورفت.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی همچنین در بخش دیگری هشدار داد «ما در ایران از اصولگرا، اصلاح‌طلب، بی‌خط، مخالف جمهوری اسلامی، مخالف دولت همه در یک کشتی هستیم. هدف نه نظام است، نه دولت روحانی، بلکه هدف ایران است. این ایران است که برای بعضی اهداف و تمایلات، مانع است!»

ظریف مدعی شد «می‌خواهند ایران را نابود کنند، خیال نکنید اگر روحانی رفت، اصولگرا موفق می‌شود، بعضی‌ها خیال نکنند اگر جمهوری اسلامی رفت آنها سر کار می‌آیند، ایران، این وضعیت جغرافیایی و موجودیت عظیم پرافتخار تاریخی با این مردم، توانمندی، ذخایر، امکانات و آینده درخشان، هدف است، انشاءالله همه با هم هدف را ناکام می‌کنیم.» ظریف اما اصلاً به روی خودش نیورده که شرایط کنونی را نظام جمهوری اسلامی به وجود آورده است! حتی اگر کشورهایی به ادعای او «می‌خواهند ایران را نابود کنند» از برکت وجود بی‌کفایت و بی‌لیاقت و ویرانگر حکومت اسلامی در ایران است. این نکته‌ای است که مسئولان نظام هرگز به روی خود نمی‌آورند: مسبب هر فاجعه‌ای که از چهل سال گذشته برای ایران رخ داده و ممکن است رخ دهد، نظام جمهوری اسلامی و زمامداران آن هستند.

آنچه ظریف در دیدار با فعالین

عدم توانایی در تدوین و اعمال سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور ناتوانی در اداره امور اقتصادی کشور عدم اعمال تکالیف قانونی در حوزه فعالیت‌های بانکی

● مجلس برای پیدا کردن راه مقابله با اعتصاب‌ها جلسه غیرعلنی برگزار کرده، مجمع تشخیص مصلحت نظام با وزیر اقتصاد جلسه گذاشته و همزمان گروهی از نمایندگان طرح استیضاح همان وزیر را به دلیل بی‌کفایتی به جریبان انداخته‌اند!

● یک عده به حسن روحانی می‌گویند مشکلات را شفاف بیان کن و با مردم سخن بگو! او هم گفته کمبود واقعی نداریم و اطمینان می‌دهیم مردم در نیازمندی‌های روزانه مشکلی نخواهند داشت!

● در این گیر و دار رییس قوه قضاییه و کیهان تهران مدعی هستند که نظام در اوج اقتدار است و باید اخلاک‌گراان اقتصادی اعدام و اموالشان مصادره شود!

محمود صادقی نماینده اصلاح‌طلب مجلس شورای اسلامی در توییته نوشته «حسن روحانی باید به جامعه پالس توانایی آفتاب آمدن بر مشکلات را بدهد؛ ترمیم کابینه در جهت افزایش جسارت، انسجام بین بخشی و تقویت تیم اقتصادی راهکار مناسبی به نظر می‌رسد.»

او و خیلی دیگر از حامیان روحانی هنوز باور دارند باید به جامعه «مید» تزریق شود و گمان می‌کنند همچنان امیدوار بودن مردم و جابجایی چند وزیر، کلید حل بحران‌های پیچیده و روزافزون اقتصادی است!

با گسترش اعتصاب‌ها و اعتراض‌های دامنه‌دار در دو روز گذشته میان بازاریان و کسبه‌ی صنوف مختلف، داخل نظام پیشنهادات مختلفی ارائه می‌شود تا شاید دولت و فراتر از آن نظام بتواند با عمل به آنها خود را از محصره‌ای که گرفتارش شده و هر روز وخیم‌تر می‌شود نجات دهد، حتی اگر راه‌حل یک مسکن موقت باشد چنانکه علی مطهری نایب رییس مجلس شورای اسلامی از مردم مهلت خواست که شش ماه صبر کنند تا وضعیت بهتر شود ولی بر اساس کدام برنامه و چشم‌انداز؟ کسی خود را موظف به توضیح نمی‌داند.

با اجرای تحریم‌های ثانویه آمریکا از چند هفته‌ی دیگر انسداد نفتی جمهوری اسلامی نیز آغاز می‌شود. ولی اثر آن تحریم‌ها پیشاپیش بازار را به عنوان نبض اقتصاد داخلی به شدت ضعیف کرده و آن را کما فورو برده است. مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه، ۵ تیرماه ۹۷، برای اینکه فکری به حال اعتصابات بکند جلسه غیرعلنی تشکیل داده است. «هیأت‌عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام» نیز به ریاست محسن رضایی تشکیل جلسه داده و کرباسیان وزیر اقتصاد در این جلسه حضور داشته است اما بحران زمانی خود را بیشتر نشان می‌دهد که همزمان گروهی با وزیر اقتصاد جلسه می‌گذارند تا راهی برای فرار از مشکلات پیدا کنند و گروهی دیگر تقصیر وضعیت را به گردن کرباسیان می‌اندازند و در پی استیضاح و عزل وزیر اقتصاد هستند. وزیری که سه چهار روز پیش در پاسخ به خبرنگار صدا و سیما در جمهوری اسلامی در مورد وضعیت بازار گفت: الحمدالله خوب است!

در همین حال به دنبال یافتن یک مقصر که بتوان فلان کاسه و کوزه‌ها را بر سر وی شکست، علی‌اصغر یوسف‌نژاد عضو هیات ریسه مجلس خبر داده استیضاح وزیر اقتصاد با ۵۰ امضا تقدیم هیات ریسه شده است. در این طرح ۱۶ دلیل برای استیضاح کرباسیان ذکر شده: عدم توانایی در تدوین و اعمال سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور ناتوانی در اداره امور اقتصادی کشور عدم اعمال تکالیف قانونی در حوزه فعالیت‌های بانکی

تجمع مردم خرمشهر بادبدهای خالی از آب در نماز جمعه



مردم شعار می دهند: مسئول بی لیاقت نمی خوایم! مردم آبادان و خرمشهر با افزایش شوری آب، مجبورند با تانکر آب مورد نیاز خود را تامین کنند. مردم می گویند: مراکز فروش آب شیرین تعطیل هستند

مردم خرمشهر امروز در اعتراض به طولانی شدن جیره بندی آب در این استان، با بشکه های خالی آب در مقابل مسجد جامع خرمشهر تجمع کردند. معترضان علیه ولی الله حیاتی فرماندار خرمشهر شعار دادند.

جمعی از مردم خرمشهر امروز جمعه هشتم تیرماه در اعتراض به بحران کم آبی و طولانی شدن روند جیره بندی آب آشامیدنی در مقابل مسجد جامع خرمشهر تجمع کردند.

معترضان با خود بشکه های خالی ۲۰ لیتری به همراه داشتند و همزمان با نماز جمعه در مقابل مسجد جامع تجمع کردند. آنها که شعارهایی علیه ولی الله حیاتی فرماندار خرمشهر سر دادند و می گویند: «مسئول بی لیاقت، نمیخوایم نیمخوایم» نسبت به استمرار قطع شدن آب و شوری آب در ماه های اخیر در استان خوزستان معترض شدند. از شوری آب استان خوزستان بیش از یک ماه می گذرد و روند آن چنان شدت

گرفته که حتی برای مصارف بهداشتی چون شستشوی ظرف و لباس مناسب نیست. مردم مجبورند آب آشامیدنی و مورد نیاز خود را از تانکرهای آب، خریداری کنند و بازار سیاه آب در این استان شکل گرفته است. تانکرهای دولتی آب شیرین کن، کفاف نیاز مردم را نمی دهد و قیمت های بازار سیاه نیز برای مردم گران است.

با این حال، علیرضا خلیلی نیا رئیس امور آب و فاضلاب شهرستان آبادان گفته که در طرح آبرسانی «آب حیات» ۱۹۹ هزار و ۵۰۰ لیتر آب بسته بندی شده در آبادان و خرمشهر به صورت رایگان توزیع شده است. او گفته که ۱۵ تانکر آب هم به روستاهای این دو شهرستان ارسال شده است.

این در حالی است که مردم خوزستان می گویند روند آبرسانی کاهش یافته و حتی توزیع آب تانکری هم کاهش یافته است. یکی از اهالی خرمشهر به در آب فروشی ها آب با محدودیت به فروش می رسد. از فروشنده که دو دبه آب ۲۰ لیتری برای دو خانواده خواستم از دادن یکی امتناع کرد و در پاسخ گفت سهمیه بندی شده است. چند مرکز آب شیرین فروشی هم امروز تعطیل است.

برای برطرف کردن شوری آب آشامیدنی خرمشهر و آبادان، علاوه بر طرح احداث سد خاکی مار، اجرای مرحله دوم طرح آبرسانی غدیر و راه اندازی دستگاه آب شیرین کن در دست اجراست. مسئولان از فرماندار و استاندار درخواست می کنند تا ۱۵ تیر، طرح احداث سد خاکی مار، مرحله دوم طرح آبرسانی غدیر و راه اندازی دستگاه آب شیرین کن را اجرا کنند.

برای حسن روحانی چه خوابی دیده اند؟ از خودگذشتگی، استعفا، انتخابات زودرس؟!



روحانی، حجاریان، موسویان، محسن هاشمی رفسنجانی

روحانی استعفا دهد و اصلاح طلب ها ادعا می کردند رد پای درخواست استعفا روحانی در مشهد است و آن را به ابراهیم ریسی نسبت می دادند اما به تدریج از داخل جناح اصلاح طلب ساز استعفا روحانی کوک شد و سعید حجاریان از مهره های امنیتی نظام در گفتگویی با عنوان «برای روحانی چه خوابی دیده اند؟» در روزنامه اعتماد که مدیر مسئول آن الیاس حضرتی از فرماندهان پیشین سپاه است ززمه هایی در باره برگزاری انتخابات زودرس و روی کار آمدن دولت نظامی کرد و همزمان در خارج از ایران افرادی مثل هوشنگ امیراحمدی از مدافعان جمهوری اسلامی در واشنگتن در این شیپور دمید و در داخل بعضی روزنامه های اصلاح طلب از جمله شرق به تحقق این «خواب» پیوستند.

نکته اینجاست که در میان اصلاح طلبان، جریان هایی به سپاه نزدیک و نزدیک تر می شدند که رد پای کارگزارانی ها از جمله محسن هاشمی رفسنجانی، حسین مرعشی، سعید لیلای و محمد قوچانی در بین آنان به چشم می خورد. دم خروس این جریان زمانی پیدا شد که شرکت هواپیمایی ماهان تبدیل به یکی از بزرگترین بنگاه های اقتصادی کارگزارانی های سپاه در انتقال نیرو و مهمات به سوریه با هواپیماهای تجاری شد. این روند همچنان ادامه دارد و در این میان سر امثال مصطفی تاجزاده بی کلاه مانده و دائم نسبت به روی کار آمدن دولت نظامی هشدار می دهند. در واقع باید تاکید کرد که بخشی از اصلاح طلبان بودند که بر اساس منافع شخصی و گروهی خود، تنور «دولت با تفنگ» سپاه را داغ دیده و نان خود را فوری به آن چسباندند و به دامان امثال قاسم سلیمانی غلتیدند.

چرا حالا موسویان در گفتگو با روزنامه همشهری (پرتیراژترین روزنامه امروز ایران) از استعفا روحانی و انتخابات زودرس صحبت کرده؟ پاسخ چندان دشوار نیست. این روزنامه حدود یک سال است که به دست تیم کارگزارانی ها افتاده؛ همان هایی که طرح استعفا روحانی را مطرح می کنند.

در صورت تحقق چنین سناریویی آن وقت بی راه نیست اگر گفته شود روحانی مار در آستین پرورش داده و از همان هایی ضربه خواهد خورد که حتی تا همین امروز هم به ظاهر در کنارش هستند. ولی در چنین شرایطی راهکار روحانی چه خواهد بود؟ پاسخ روشن نیست، او هفته هاست سکوت کرده و آخرین خبرها حکایت از آن دارد که ظاهرا برای استراحت به همراه واعظی رییس دفترش به تله کابین توجال رفته اند!

حسن روحانی در تله کابین توجال با نسخه ای که کارگزارانی ها و سپاه نوشته اند و طرح برگزاری انتخابات زودرس احتمال روی کار آوردن یک دولت نظامی قوت گرفته است؛ البته نه در لباس یک سردار نظامی بلکه یک نظامی بی لباس که بتوان وی را در مسیر منافع خود حرکت داد؛ مثلا علی شمخانی دبیر فعلی شورای امنیت ملی یا کسی مثل محسن هاشمی رفسنجانی که در قضیه انتخاب شهردار تهران عملا دست در دست سپاه گذاشت.

● حسین موسویان با حرف رمز «از خودگذشتگی» پیشنهاد استعفا روحانی و برگزاری انتخابات زودرس را داده.

● امنیتی های سابق و بخشی از سپاه، آستین های خود را برای روی کار آوردن دولت نظامی بالا زده اند.

برزو فارسی - سیدحسین موسویان سفیر سابق جمهوری اسلامی در آلمان در زمان «ترور میکونوس» و عضو پیشین تیم مذاکره کننده هسته ای در گفتگو با روزنامه همشهری با موضوع سیاست های دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی گفته هدف نهایی او و نتوکان های آمریکا و همچنین اسرائیل و عربستان «براندازی حکومت و تجزیه ایران» است.

او در بخشی از این مصاحبه گفته «من تردید ندارم که عربستان و اسرائیل به دنبال کشاندن پای آمریکا به حمله نظامی به ایران هستند اما استراتژی فعلی ترامپ هم ورود به تقابل نظامی با ایران نیست.»

وی همچنین در پاسخ به این پرسش که «به نظر شما ایران هم اکنون چه رویکردی را باید در قبال ترامپ در پیش بگیرد؟ مدارا تا اتمام دوره یا اقدام فعالانه برای فعال کردن لابی های داخل آمریکا؟» توضیح داده «تجربه برجام نشان داد که کشور ما با این شرایط داخلی، ظرفیت تصمیمات بزرگ و بن بست شکن را ندارد. برجام تصمیمی بود که همه ارکان نظام آن را تصویب کردند با وجود این، از روز اول مذاکره کنندگان متهم به خیانت شدند تا جایی که در راهپیمایی روز قدس امسال، عده ای آقای دکتر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی را خائن خواندند.»

موسویان ادامه داده «صادقانه بگویم هر تصمیم مهم در مناسبات منطقه ای و جهانی، نیازمند یک وضع داخلی منسجم و هماهنگ است. در حالی که ایران با تهدیدات فوق العاده منطقه ای و بین المللی مواجه است، جناح های سیاسی در داخل سال هاست که مشغول بریدن سر یکدیگر هستند و هر جناحی هم با بدترین تهمت ها و توهین ها، گناه مشکلات کشور را گردن دیگری می اندازد.»

بخشی از این مصاحبه که در داخل ایران «جنجالی» شده به این توصیه ی موسویان بر می گردد که وی در ادامه گفته «برای ایجاد اجماع و وحدت داخلی نیاز به درک درست از شرایط داخلی و خارجی کشور، فداکاری و از خودگذشتگی است. با این وضع، مشکلات اقتصادی فعلی مردم و منافع کلان ملی کشور ۲ قربانی اصلی اختلافات فعلی جناح های سیاسی داخلی هستند. بزرگان نظام باید قبل از هر چیز در این مورد چاره اندیشی کنند؛ حتی به قیمت یک خانه تکانی اساسی در دولت یا حتی استعفا دولت فعلی و برگزاری انتخابات زودرس، زیرا استمرار وضع فعلی تا ۲ سال دیگر، ممکن است موجب لطمات غیرقابل جبران شود.»

به این ترتیب وی ظاهرا حسن روحانی و دولت اش را به عنوان «قربانی سوم» پیشنهاد می کند تا شاید نظام جمهوری اسلامی بتواند با گذشتن از روی نعل این دولت، خودش را

یک ماه و نیم پیش: اوضاع جمهوری اسلامی گل و بلبل است!

وی در بخشی از مقاله اش در رویترز ادعا کرد «زورگویی به ایران نتیجه معکوس خواهد داشت» و «این تصور ترامپ که می خواهد از راه اعمال فشار، جمهوری اسلامی را تسلیم خواسته های خود کند اشتباه است و نباید با این گمان باشد که ایران آسیب پذیر بوده و در تنگناست». موسویان برای اثبات دلیل خود حتی دست بر شاخص های اقتصادی هم گذاشت: «... علیرغم تصور برخی در واشنگتن، شاخصه های اقتصاد ایران قوی است. تولید سرانه ناخالص ملی ایران در سال گذشته ۱۱٪ بوده و قیمت فعلی نفت هم حدود ۷۰ دلار است. از نظر سیاسی هم مشارکت ۷۲٪ مردم ایران در انتخابات اخیر ریاست جمهوری نشانه مهمی است!»

حالا در یک ماه و نیم گذشته چه اتفاقی افتاده که موسویان به تقلید از رهبری یک پشتک ۱۸۰ درجه ای زده است؟! آیا فقط در همین مدت عرصه بر جمهوری اسلامی چنان تنگ شده که وی با توصیه به «خانه تکانی اساسی» و «استعفا دولت» و «برگزاری انتخابات زودرس»، به عنوان یکی از حامیان پر و پا قرص دولت روحانی فرش را از زیر پای حسن روحانی می کشد و به همان نقطه ای می رسد که پیش از او محمود احمدی نژاد و اسفندیار رحیم مشایی که امروز در زندان است پیش از وی رسیده بودند؟! با این تفاوت که احمدی نژاد التزامش به خامنه ای را ظاهرا به فراموشی سپرده اما جماعت اصلاح طلب همچنان خود را زیر سایه و عبا می بینند.

در سوم اسفند ۱۳۹۶، احمدی نژاد در نامه ای خطاب به علی خامنه ای نوشت «برگزاری فوری و آزاد انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، البته بدون مهندسی شورای نگهبان و دخالت نهادهای نظامی و امنیتی و آزاد گذاردن مردم برای انتخاب، یک ضرورت فوری است» و اصلاح طلبان او را متهم به توهین به رهبر جمهوری اسلامی و تشویق اذهان عمومی کردند و خواستار برخورد نهادهای امنیتی و قضایی با وی شدند.

نقشه برای حسن روحانی احمدی نژادی ها اصرار می کردند

استقبال گسترده از یک خبر نامعتبر: اخراج و مصادره ی اموال آقازاده ها در آمریکا!



آتش زدن پرچم آمریکا توسط نمایندگان در مجلس شورای اسلامی

● همزمان با بالاگرفتن موج انتقاد از علی اکبر ولایتی به خاطر سکونت در خانه مصادره ای، وبسایت نزدیک به او خبری نامعتبر از اخراج آقازاده ها از آمریکا را منتشر کرد و کمی بعد آن را حذف کرد.

● چند هفته ای است دو کمپین برای اخراج آقازاده ها از آمریکا و کانادا فعال شده اند.

● در شبکه های اجتماعی و حتی بین مردم کوچه و خیابان اخراج فرزندان مقام ها و مسئولان جمهوری اسلامی از آمریکا با استقبال فوق العاده ای مواجه شده.

● استقرار این آقازاده ها در خارج کشور برای جمهوری اسلامی اهمیت استراتژیک دارد.

خبرگزاری ایسکانیوز وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی پنجشنبه شب خبری مشکوک منتشر کرد با این مضمون که بیش از پنج هزار نفر از فرزندان مقام ها و مسئولان ارشد جمهوری اسلامی در آمریکا ساکن اند و رییس خزانه داری آمریکا آپستی که وجود خارجی ندارد اعلام کرده قصد دیپورت شان را دارد.

این خبر به سرعت در شبکه های اجتماعی پیچید و حتی چند وبسایت داخلی هم آن را به نقل از ایسکانیوز منتشر کردند اما دقایقی بعد اصل خبر از این خبرگزاری حذف شد اگرچه موجی که به راه انداخت بطور فراگیر ادامه پیدا کرد.

هیچ رسانه ی خارجی این خبر را منتشر نکرده بود اما ناشران آن سعی کرده بودند با تزریق چند آمار از جمله تعداد آقازاده های دانشجوی و همچنین میزان سرمایه های که آنها در بانک های آمریکایی دارند خبر را دقیق و حساب شده جلوه دهند.

به هر روی، با وجود اینکه خبر از اساس تکذیب شد اما واکنش های زیادی بین مردم و در شبکه های اجتماعی داشت و کمتر کسی از شنیدن یا خواندن این شایعه خوشحال نشد. خود همین واکنش یک نظرسنجی غیرمستقیم

درباره نظر مردم نسبت به حکومت و وابستگی آن به شمار می رود! البته باید یادآوری کرد در هفته های گذشته کمپین هایی با عنوان اخراج آقازاده های جمهوری اسلامی از آمریکا و کانادا آغاز به فعالیت کرد که امضا جمع کرده و از مراجع قانونی در ایالات متحده خواسته اند که وضعیت این آقازاده ها را بررسی کنند که مشغول چه کاری هستند و خرج و مخارج شان از کجا تامین می شود و تحت چه شرایطی در آمریکا اقامت دارند، با گرین کارت و یا تابعیت دوگانه و ...

از جمله در کمپین اخراج فرزندان مسئولان جمهوری اسلامی از آمریکا خطاب به دونالد ترامپ آمده «ما امضاکنندگان این کمپین از شما می خواهیم ترتیبی بدهید که فرزندان مقامات جمهوری اسلامی که تحت عنوانی مختلف وارد آمریکا شده اند، از کشور اخراج شوند. فرزندان افرادی که پرچم استراتژیک برای جمهوری می زنند و روزانه شعار مرگ بر آمریکا سر می دهند، شایستگی زندگی در آمریکا و بهره مندی از امکانات و آزادی های این کشور را ندارند.»

حضور آقازاده ها در کنار بعضی دوتابعیتی های خارج از ایران یک فرصت استراتژیک برای جمهوری اسلامی ایجاد می کند. این موضوع را چندی پیش محمد باقر نوبخت سخنگوی دولت در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاسخ به پرسشی در مورد برخورد نهادهای امنیتی با دو تابعیتی ها و بازداشت آنها بطور «سریسته» مطرح کرد که «بزارهامون رو سوزوندیم، همین هایی که وقتی شما تحریم می شید، چی کار باید بکنید؟ مسیر رسمی که بهتون

جواب نمیده، اون وقت حالا دیگه... بقیه ای که موندن من نسوزونم».

گزارش های رسمی از نقش کلیدی آقازاده های مستقر در خارج از ایران برای پیاده کردن سیاست های تهران در حوزه های مختلف وجود ندارد اما از حرف های سر بسته نوبخت می شود برداشت کرد که برخی از آنها به فعالیت برای دور زدن تحریم ها مشغول بوده و هستند و اتفاقا رد پای امپراتوری این آقازاده ها در این موضوع کم دیده نمی شود.

فیلم ها و ویدئوهای زیادی در شبکه های اجتماعی به اشتراک گذاشته می شود منسوب به آقازاده ها که خارج از ایران در حال عیش و نوش و ماشین بازی و رقص و شادی هستند و از همان ها که در این عکس ها و فیلم ها سرخوش اند و در احوالات دیگری هستند عکس های یادگاری در کنار دیپلمات های ارشد جمهوری اسلامی بیرون آمده که نه قابل تایید است و نه تکذیب. با این وجود حضور گسترده آقازاده ها در لندن، پاریس، ژنو و همچنین در شهرهای مختلف آمریکا و کانادا و زندگی مرفه آنها قابل انکار نیست. این وابستگی به عنوان دانشجو با انواع و اقسام بورس ها و فرصت های مطالعاتی یا مشغول تحصیل هستند و این ابوالوقت اند و زیر سایه مال و اموالی که پدر و مادرشان از «سفره انقلاب» به جیب و سینه های دولت در یک کنفرانس مطبوعاتی در پاسخ به پرسشی در مورد برخورد نهادهای امنیتی با دو تابعیتی ها و بازداشت آنها بطور «سریسته» مطرح کرد که «بزارهامون رو سوزوندیم، همین هایی که وقتی شما تحریم می شید، چی کار باید بکنید؟ مسیر رسمی که بهتون

زنان شاخص

هنگامه شهیدی (۱۳۵۴ - مشهد)



هنگامه شهیدی روزنامه‌نگار، عضو حزب اعتماد ملی و مشاور مهدی کروبی در امور زنان، فعال حقوق زنان و حقوق مطبوعات، خبرنگار سیاسی و نویسنده زن ایرانی است. وی در یازدهمین جشنواره مطبوعات تهران، رتبه اول روزنامه‌نگاری را به خاطر پوشش خبری از افغانستان و عراق کسب کرده‌است. هنگامه شهیدی در سال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه شد و در سال ۱۳۷۶ در رشته روزنامه‌نگاری فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۷۷ در مقطع کارشناسی ارشد ارتباطات پذیرفته شد که در پی آن در سال ۱۳۷۹ با کسب درجه عالی از این رشته فارغ‌التحصیل شد و هم‌اکنون در رشته مقطع دکترا در رشته حقوق بشر در کشور بریتانیا است. هنگامه شهیدی از سال ۱۳۷۹ عضو شبکه مدافعین کمیسیون حقوق بشر اسلامی است و در زمینه حقوق مطبوعات و حقوق زنان فعالیت دارد. هنگامه شهیدی در ۵ تیر ماه ۱۳۹۷ در حالی که در تحت تعقیب

شنا یک راه تقریباً ایده آل برای ماندن در فرم مناسب است. اگر تا به حال شنا نکرده اید، برای شروع هنوز خیلی دیر نیست. و اگر شما دوست ندارید شنا کنید، طیف گسترده ای از تمرین های دیگری که می توانید در آب انجام دهید وجود دارد. در این مقاله، برخی از مزایای شنا کردن ذکر شده است.

۱- سلامت قلب

اگر به دنبال تمرینی هستید که ظرفیت قلب و ریه را بهبود بخشیده اما برای مفاصل شما ملایم باشد، شنا یک انتخاب عالی است. درست مثل سایر ورزش های هوازی مانند راه رفتن، شنا کردن نیز، در صورتی که آن را با سرعت انجام دهید، می تواند آمادگی قلبی عروقی و همچنین سطح کلسترول را بهبود بخشد. هدف شما باید این باشد که ۲۰ تا ۴۰ دقیقه با سرعت شنا کنید، که در این صورت ضربان قلب شما

هوازی را فراهم کند مفید است، بلکه همچنین به این خاطر که به دلیل مقاومت در برابر آب، عضله می سازد و آن هم به نوبه خود به کنترل قند خون کمک می کند. برخی تحقیقات دیگر نشان داده اند که شنا کردن و سایر ورزش های آبی می تواند به کاهش فشار خون کمک کند.

۲- کاهش چربی بدن

مطالعات در مورد اثرات شنا بر وزن دارای نتایج متناقضی است. در حالی که شنا گر های حرفه ای، مقدار زیادی کالری می سوزانند، (حدود ۶۰۰ کالری در یک ساعت، به طور متوسط، بسته به حرکت و شدت آن دارد)، شنا گران تفریحی تمایل دارند تا نسبت به سایر فعالیت های هوازی، به طور مثال ورزش هایی مانند دویدن، دوچرخه سواری و یا پیاده روی سریع، وزن کمتری را از دست بدهند. این ممکن است به این دلیل باشد که آب سرد باعث می شود



تا گرمای بسیار بیشتری از بدن خارج شود تا هوایی با همان دما. شواهدی وجود دارد که نشان می دهد در ساعات اولیه پس از شنا، اشتهای فرد افزایش پیدا می کند. شما زمانی که حرکات پروانه یا کرال سریع را انجام می دهید، کالری بیشتری خواهید سوزاند؛ بعد حرکات سینه و پشت (به طور مثال در پروانه) و سپس شنای کرال پهلو به ترتیب دارای بیشترین میزان سوختن کالری در شناگران است. خوب است که چند حرکت مختلف برای یک تمرین تعادل خوب انجام دهید. حتی اگر شنا کردن به شما کمک نمی کند تا وزن خود را کاهش دهید، به دلیل این که تمام عضلات اصلی (بازو ها، شانه ها، باسن، پا) را تکان می دهد، می تواند به کاهش چربی بدن و دور کمر شما کمک کند. شنا همچنین یک راه خوب برای دوندگی ها و دوچرخه سواران است تا آموزش متقابل داشته باشند، چون از عضلات مختلف در آن استفاده می کنند.

۲- کنترل بهتر قند خون و فشار خون

مطالعات متعدد نشان داده است که شنا کردن می تواند اندازه گیری های مختلف کنترل قند خون مانند حساسیت به انسولین را بهبود ببخشد. حتی اگر شناگران تمایل به داشتن وزن بیشتر و چربی بیشتری به طور مثال نسبت به دوندگی ها یا دوچرخه سواران داشته باشند، این مسئله درست و یک حقیقت است. شنا کردن در این زمینه نه تنها به این دلیل که می تواند یک تمرین



باروغن گیاهی پوست نوزاد را ماساژ ندهید

نوزاد بدن ظریف و نحیفی دارد و اگر مراقبت های لازم از آن صورت نگیرد مشکلاتش با بالا رفتن سنش بیشتر میشود و بروز میکند. این مراقبت ها باید از همان پوست شروع شده تا آخرین جزء بدنش. برخی از والدین نوزادشان را با روغن گیاهی ماساژ میدهند و فکر میکنند کار درستی است، اما واقعا اینگونه است؟ پزشکان معتقدند پوست نوزادان را نباید با روغن های گیاهی ماساژ داد، زیرا موجب آسیب طولانی مدت به پوست می شود. به گفته پزشکان والدین با ماساژ دادن پوست نوزاد خود با روغن زیتون و آفتاب گردان آنان را در معرض ابتلا به آگزما و دیگر مشکلات پوستی قرار می دهند، زیرا تصور می کنند این محصولات طبیعی به پوست آسیبی وارد نمی کند. اغلب والدین به لحاظ تاثیرات عاطفی، بدن نوزاد خود را ماساژ می دهند. همچنین معتقدند این کار به تقویت سیستم گوارشی نوزاد و رشد مغز او کمک می کند. هر چند محققان دانشگاه منچستر انگلیس دریافته اند حتی روغن های طبیعی می تواند موانع حفاظتی در پوست نوزاد را از بین ببرد. در حال حاضر از بین هر سه نوزاد یک نفر دچار آگزمای پوستی می شود که این رقم در دهه ۱۹۴۰ به ازای هر ۲۰ نفر یک مورد بوده است. به اعتقاد کارشناسان فاکتورهای محیطی همچون تمایل والدین به استفاده از محصولات مختلف برای کودکان، رقم ابتلا به بیماری های پوستی را افزایش داده است. به گفته پزشکان این روغن ها روی پوست به اسیدهای چرب تبدیل شده و به ساختار پوست آسیب می زنند. همچنین به مواد حساسیت زا اجازه می دهند به پوست نفوذ کنند و آب زیادی از پوست دفع شود.

۳- تسکین آرتروز

اغلب مطالعات، شنا کردن و تمرینات درون آب را برای افرادی که مبتلا به آرتروز یا سایر مشکلات اسکلتی عضلانی هستند، مخصوصا اگر آنها دارای اضافه وزن باشند، مفید تشخیص داده اند. ورزش کردن در آب گرم، به ویژه می تواند سفتی و درد مفصلی را کاهش و انعطاف پذیری را افزایش دهد. حرکت در اطراف آب آسان تر است و آب با کاهش بار بر روی زانو و سایر مفاصل، امداد رسانی می کند.

۴- کاهش دهنده درد پشت

بسیاری از انواع ورزش های ملایم

برای درد پشت مناسب هستند، اما تمرینات آبی یکی از بهترین ها است. یک مطالعه از ترکیه در سال ۲۰۰۹، نشان داد که ورزش های آبی بهتر از یک برنامه بر پایه حرکات زمینی کمک می کند تا درد مزمن پشتی کاهش یابد. همچنین در سال ۲۰۰۹، یک مقاله بررسی شده در بلژیک در توانبخشی بالینی، شواهد کافی برای نتیجه گیری در مورد این که ورزش های آبی یک راه امن و موثر برای از بین بردن کمر درد مزمن است، به دست آورد.

و یک مطالعه سوئدی در سال ۲۰۰۶ نشان داد که تمرینات آبی باعث کاهش کمر درد در زنان باردار می شود. کار در آب باعث کاهش استرس در ستون فقرات، تسکین آرامش عضلات و بهبود انعطاف پذیری مفصل می شود. نقطه ضعف آن، این است که شنا و ورزش های آبی، تمرینات تحمل وزن ندارند و در نتیجه، بر خلاف دویدن و تمرینات قدرتی، استخوان ها را به میزان اندکی تقویت می کنند.



زن روز



پروین اعتصامی

بادی وزید و لانه خردی خراب کرد بشکست بامکی و فرو ریخت بر سری لرزید پیکری و تبه گشت فرصتی افتاد مرغکی وز خون سرخ شد پری از ظلم رهزنی، ز رهی ماند رهروی از دستبرد حادثه‌ای، بسته شد دری از هم گسست رشته عهد و مودتی نابود گشت نام و نشانی ز دفتری فریاد شوق دیگر از آن لانه برنخاست و آن خار و خس فکنده شد آخر در آذری ناچیز گشت آرزوی چند ساله‌ای دور افتاد کودک خردی ز مادری

رژیم غذایی یوگا چیست؟

ناهار

پاستا پاستو
سالاد سبزیجات

بیسکویت با توت فرمز و آویشن و لیمو

شام

ترتیبای مرغ
سالسا انبه و گشنیز
چای گیاهی

توصیه های ورزشی در رژیم غذایی یوگا

واضح است که یوگا، روش توصیه شده ورزش است و رژیم غذایی یوگا به همراه دستورالعمل هایی برای انجام این ورزش در ابعاد بزرگ می باشد. شما در هر هفته، تدریجا بر طول و شدت تمرینات یوگای خود می افزایید. به گونه ای که در هفته چهارم، شما سه بار در روز، قادر به انجام تمرینات

رژیم غذایی و همچنین یادگیری نحوه مفید و موثر خرید، تمرکز می کند.

در هفته سوم، تمرین یوگا شما شدیدتر می شود. افرادی که رژیم یوگا می گیرند، با مفهوم وعده های غذایی کوچکتر شام و ناهار آشنا می روزانه محسوب می گردند. این امر باعث بهبود هضم و افزایش توانایی شما برای سوختن چربی ها می شود.

هفته چهارم تمرین یوگا، بسیار سخت تر است. شما اندازه شام خود را کم می کنید و خیلی زودتر نیز آن را میل می کنید. در این رژیم، به بهبود کیفیت الگوی خواب شما نیز توجه می شود.

پس از اتمام برنامه یوگا ۴ هفته ای، به مرحله تثبیت وارد می شوید، که در هفته چهارم، شما سه بار در روز، قادر به انجام تمرینات



خواهید بود.

غذاهای توصیه شده در رژیم غذایی یوگا

- میوه
- سبزیجات
- جوانه گندم
- رشته فرنگی برنج
- آجیل
- دانه
- نخود فرنگی
- شیر سویا
- مرغ
- تن
- تیلاپیا
- میگو
- تخم مرغ
- ماست کم چرب
- پنیر بز
- روغن زیتون
- آوکاдо
- نمونه ای از برنامه هفتگی این رژیم
- صبحانه
- گرانول خانگی با شیر سویا
- چای گیاهی

مضرات این رژیم غذایی

برخی از افرادی که از این نوع رژیم غذایی پیروی می کنند، به جای سه وعده غذایی بزرگ (چون همانطور که ذکر شد، در این رژیم توصیه می شود سه وعده اصلی، غذا بخورید)، با میان وعده و یا وعده های مکرر غذایی، عملکرد بهتری دارند.

تشویق به مصرف ماهی های پر جیوه

این نوع رژیم به افرادی که از یوگا لذتی نمی برند، پیشنهاد نمی شود.

نکته آخر

رژیم غذایی یوگا به افرادی که علاقمند به برنامه های تمرینی یوگا هستند، کمک می کند تا آگاهی خود را درباره روش های خوردن غذا و غذاهای سالم، افزایش دهند، همچنین به مدیریت استرس نیز کمک می کند.

وداع آبرومند تیم ایران از جام جهانی در شب ویدئوچک‌ها



علیرضا بیرانوند ضربه پنالتی کریستیانو رونالدو را مهار می‌کند

تیم ملی فوتبال ایران برای اولین بار در تاریخ خود با چهار امتیاز جام جهانی را ترک کرد.

تیم فوتبال ایران در آخرین بازی خود در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه با تساوی مقابل پرتغال با چهار امتیاز به کار خود پایان داد. ایران پس از برد در مقابل مراکش و یک باخت در برابر اسپانیا در بازی سوم خود در حالی به دیدار پرتغال رفت که برای صعود از «گروه مرگ» نیاز به پیروزی داشت و پرتغالی‌ها اگر این بازی را می‌باختند امکان حذفشان زیاد بود.

ترکیب ایران: بیرانوند، رامین رضاییان، پورعلی گنجی، سید مجید حسینی، حاج صفی، سعید عزت‌الهی، امید ابراهیمی، طارمی، امیری، سردار آزمون و جهانپخش

ترکیب پرتغال: پاتریسیو، سوارس، فونته، پو، گوئررو، ژائو ماریو، آندرین سیلوا، کوارشما، آندر سلیوا و رونالدو داوور: انریکه کاسرس (پاراگوئه)

در نیمه نخست بازیکنان تیم ایران کاملاً دفاع کردند اما در آخرین دقایق این نیمه روی یک حرکت ترکیبی از جناح چپ خط دفاع ایران توپ به کوارشما رسید و او با پای چپ روی یک شلیک کاتدار از پشت ۱۸ قدم دروازه ایران را باز کرد. بیرانوند روی این توپ شیرجه رفت اما ضربه آتقدر قاطع بود که مهار آن ممکن نشد.

ملی‌پوشان ایران امیدوار بودند بتوانند در نیمه دوم نتیجه را تغییر دهند و حملاتی را روزی دروازه

پرتغال طراحی کردند اما در دقیقه ۵۳ داور برخورد سعید عزت‌الهی و رونالدو در محوطه جریمه را با کمک سیستم ویدئوچک (VAR) پنالتی اعلام کرد. اعتراض کارلوس کیروش سرمربی تیم ایران و بازیکنان به تصمیم داور برای دقایقی فضای بازی را به هم ریخت. رونالدو در یک سال گذشته تمام پنالتی‌های خود را به

شانس یار ایران بود و داور بعد از بازبینی صحنه به سود ایران پنالتی گرفت و کریم انصاری‌فر توپ را محکم به طاق دروازه پرتغال کوبید. در واپسین دقایق بازی توپ زیر پای مهدی طارمی افتاد و او با دروازه‌بان حریف تک به تک شد اما سرعت توپ بالا بود و زاویه تنگ شد و طارمی ضربه را با بی‌دقتی به کنار دروازه



امید ابراهیمی هافبک جنگنده تیم ایران

گل تبدیل کرده بود اما در این پنالتی مغلوب علیرضا بیرانوند شد. بعد از این ضربه بازی تا حدودی به دست تیم ایران افتاد و بازیکنان پرتغال برای حفظ نتیجه عقب کشیدند و با پاس‌های کوتاه بازی را کنترل کردند اما ایران توانست سه چهار موقعیت خوب ایجاد کند تا اینکه در دقیقه ۹۲ روی یک سانتر و ضربه سردار آزمون توپ به دست مدافع پرتغال برخورد کرد و بازی متوقف شد و داور دوباره به سراغ ویدئوچک رفت.

لحظات پر استرسی شروع شد اما گل تبدیل کرده بود اما در این پنالتی مغلوب علیرضا بیرانوند شد. بعد از این ضربه بازی تا حدودی به دست تیم ایران افتاد و بازیکنان پرتغال برای حفظ نتیجه عقب کشیدند و با پاس‌های کوتاه بازی را کنترل کردند اما ایران توانست سه چهار موقعیت خوب ایجاد کند تا اینکه در دقیقه ۹۲ روی یک سانتر و ضربه سردار آزمون توپ به دست مدافع پرتغال برخورد کرد و بازی متوقف شد و داور دوباره به سراغ ویدئوچک رفت.

استقلال دست به دامان هواداران:

پول نرسد پروانه حرفه‌ای باطل است



باشگاه استقلال تهران (تاج) که پیش از انقلاب بعد از زلال مادرید ثروتمندترین باشگاه جهان محسوب می‌شد زیر سایه بی‌کفایتی و ناکارآمدی مدیریتی طی چهار دهه گذشته کارش به آنجا رسیده که «پروانه حرفه‌ای» آن به خاطر بدهی مالی در آستانه باطل شدن قرار گرفته و برای دریافت کمک دست به دامان هواداران خود شده است.

در بیانیه این باشگاه ضمن اعلام شماره حساب بانکی آمده «با توجه به نیاز مبرم باشگاه به منابع مالی بیشتر در این برهه از زمان جهت تقویت تیم و جلوگیری از لغو مجوز حرفه‌ای گری توسط AFC» نیاز به کمک هواداران است.

همچنین تاکید شده هواداران خارج از کشور نیز می‌توانند از طریق صرافی‌های مجاز، کمک‌های خود را به شماره حساب اعلام شده ارسال کنند و توضیح داده شده «بدیهی است کلیه کمک‌ها مستقیماً از طریق خزانه‌داری کل کشور به حساب باشگاه استقلال در بانک مرکزی واریز خواهد شد».

در هفته‌های اخیر زرمه‌هایی از حذف دو تیم استقلال و پرسپولیس از رقابت‌های آسیایی به خاطر بدهکاری‌های مالی مطرح شده است. فرید موسوی سخنگوی فراکسیون ورزش مجلس با اشاره به آخرین وضعیت تحقیق و تفحص از دو باشگاه استقلال و پرسپولیس، گفته آجر به آجر این دو باشگاه دچار مشکل است

که تحقیق و تفحص از آنها را کلید زدیم، وی در گفتگو با تسنیم با بیان اینکه هیئت مدیره این دو باشگاه هیچ کجا ثبت نشده است، ادامه داد: «در سال‌های گذشته هر هیئت مدیره‌ای که برای این دو تیم انتخاب شدند خود را موظف نکردند، مشکلات هیئت مدیره قبلی را حل و فصل کنند و از روز اول بدهی ایجاد کردند. هر کدام از دو تیم امروز حداقل ۱۵۰ میلیارد تومان بدهی دارند».

سخنگوی فراکسیون ورزش مجلس توضیح داده بازیکن، مربی، سازمان لیگ، هتل، رستوران، شرکت هواپیمایی، سازمان مالیاتی و ... از این تیم طلبکار هستند. موسوی با بیان اینکه باید حدود ۳۰۰ میلیارد تومان از جیب مردم برداریم و خرج این دو تیم کنیم تا فقط بدهی‌هایشان را پرداخت کنند،

باخت فدرر و جاکوویچ در فینال مسابقات هاله و کوئینز کلاب لندن



نواک جاکوویچ

راجر فدرر و نواک جاکوویچ دو تن از بهترین تنیس‌بازان تاریخ این ورزش، این هفته در مرحله نهایی مسابقات هاله و کوئینز کلاب لندن که از تورنمنت‌های روی چمن و دست‌گرمی گراند اسلم ویمبلدون است، از حریفان خود شکست خوردند. فدرر که پیش از این ۷ بار قهرمان تورنمنت هاله شده بود روز یکشنبه ۷ بر ۶ و ۶ بر ۳ و ۶ بر ۲ به کوریچ تنیس‌باز ۲۱ ساله اهل کرواسی باخت و نتوانست نود و نهمین قهرمانی خود را در یک تورنمنت جشن بگیرد. فدرر ۲۰ بار برنده مسابقات گراند اسلم شده است.

نواک جاکوویچ ۱۲ گراند اسلم را در کارنامه خود دارد و سال‌ها در صدر رده‌بندی مردان دنیا قرار داشت. جاکوویچ روز یکشنبه در مرحله نهایی مسابقات کوئینز کلاب لندن به مارین چلیچ تنیس‌باز ۲۹ ساله کرواسی و برنده پیشین بازی‌های

شده بود. لازم به یاد آوری است که فدرر تا پیش از باخت در فینال مسابقات هاله نفر اول رده‌بندی مردان جهان بود ولی بعد از باخت جای خود را به رافائل نادال تنیس‌باز اسپانیایی داد.

گراند اسلم اوین آمریکا ۵ بر ۷، ۷ بر ۶ و ۶ بر ۳ باخت. این دیدار طولانی‌ترین بازی در تاریخ مسابقات کوئینز کلاب بود که سه ساعت ادامه داشت. چلیچ در سال ۲۰۱۲ نیز قهرمان این بازی‌ها

رکورد هشتاد ساله در کابوس هشت‌دقیقه‌ای: حذف آلمان در نخستین مرحله جام جهانی



بازیکنان و تماشاگران کره‌ای بعد از پایان بازی سر از پا نمی‌شناختند

یوآخیم لوو سرمربی تیم ملی فوتبال المان پس از پایان بازی در گفتگویی با تلویزیون آلمان به شدت ابراز تأسف کرد و از دوستان آلمانی فوتبال بپوش خواست و گفت ما تمام این بازی‌ها را تجزیه و تحلیل خواهیم کرد اما مسئولیت این شکست را من به عنوان سرمربی تیم می‌پذیرم و از صمیم قلب از این شکست ناراحت هستم.

فدراسیون فوتبال آلمان: قرارداد یوآخیم لوو که قبل از این بازی‌ها تا سال ۲۰۲۲ تمدید شده معتبر است و هیچ کس در این فدراسیون نیست که تردیدی درباره توانایی‌های وی و یا قصد بازننگری در این قرارداد داشته باشد.

کوبید و آه از نهاد کیروش و میلیون‌ها ایرانی بلند شد. بازی قابل قبول بازیکنان تیم ایران مقابل ستاره‌های پرتغال تماشاگران را راضی کرد و آنها در پایان بازی تیم ملی ایران را تشویق کردند. به این ترتیب اسپانیا و پرتغال با ۵ امتیاز از گروه B صعود کردند و ایران با چهار امتیاز سوم شد. بازی مراکش و اسپانیا نیز همزمان انجام شد و مراکش با یک امتیازی که در مقابل اسپانیا کسب کرد در یک بازی مساوی ۲ به ۲ چهارمین تیم این گروه شد.

تیم فوتبال کره جنوبی با دو گل تیم آلمان، قهرمان جهان را از گردونه‌ی رقابت‌های جام جهانی حذف کرد بدون آنکه خودشان با سه امتیاز هیچ شانس برای صعود داشته باشند. سوئد و مکزیک هر کدام با شش امتیاز راهی مرحله دوم شدند.

هر دو گل کره‌ای‌ها در هشت دقیقه وقت‌های تلف شده به ثمر رسید. در گل اول، ویدئو چک به کمک داور آمد و گل کره را تایید کرد. بعد از دریافت این گل تمام بازیکنان تیم آلمان حتی نویر دروازه‌بان این تیم به نیمه زمین کره آمدند تا تک‌گل

مارادونا در بیمارستان: حالم خوب است

دیه‌گو آرماندو مارادونا اسطوره فوتبال آرژانتین پس از پیروزی تیم ملی کشورش مقابل نیجریه و صعود به دور بعد از شدت هیجان راهی بیمارستان شد.

تیم آرژانتین در رقابت‌های جام جهانی روسیه ضعیف‌تر از حد انتظار ظاهر شده و کار صعود برای آن‌ها بسیار سخت شده و احتمال حذف آنها می‌رفت. از این رو باید در مسابقه با نیجریه پیروز از میدان خارج می‌شد اما تا واپسین لحظات نتیجه‌ی بازی مساوی بود. مارادونا در جریان بازی رفتار عجیب و غریبی از خود نشان می‌داد و آرام و قرار نداشت به قول معروف در حال خودش نبود. گل اول آرژانتین را در دقیقه ۱۴ مسی زد اما داور در دقیقه ۵۰ ضربه پنالتی به سود نیجریه اعلام کرد و آنها موفق به زدن گل شدند و بازی مساوی شد.

پیش آلمان را قهرمان کردند در این دوره از رقابت‌ها به جوانترها می‌داد. وی با این حال گفت لو ماندگار است. قرارداد یوآخیم لو به عنوان سرمربی تیم ملی آلمان پیش از بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ تمدید شده بود. وی پس از پایان بازی در گفتگویی با تلویزیون آلمان به شدت ابراز تأسف کرد و از دوستان آلمانی فوتبال بپوش خواست و گفت ما تمام این بازی‌ها را تجزیه و تحلیل خواهیم کرد اما مسئولیت این شکست را من به عنوان سرمربی تیم می‌پذیرم و از صمیم قلب از این شکست ناراحت هستم. وی درباره آینده گفت فعلاً باید اول پیامدهای این شکست را هضم کرد و در جای خود به آینده فکر کرد. فدراسیون فوتبال آلمان بلافاصله اعلام کرد قرارداد یوآخیم لوو معتبر است و هیچ کس در این فدراسیون نیست که تردیدی درباره توانایی‌های وی و یا قصد بازننگری در این قرارداد داشته باشد.



درد زیادی گرفت و دچار مشکل شده بودم. دکتر مرا معاینه کرد و گفت که بهتر است پیش از پایان نیمه دوم بروم ولی من می‌خواستم بمانم زیرا ما با تمام وجود بازی می‌کردیم، چطور ورزشگاه را ترک کنم؟ از همه به خاطر حمایت هایشان ممنونم. مارادونا در جریان بازی، هم شادی می‌کرد و هیجان نشان می‌داد و هم چرت می‌زد. آرژانتین در دور بعد رقابت‌ها به مصاف فرانسه خواهد رفت.

در نهایت آرژانتین با گل دقایق پایانی روخو با نتیجه ۲ بر یک از سد نیجریه گذشت تا با ۴ امتیاز به عنوان تیم دوم راهی مرحله بعدی شود. تیم ملی کرواسی در این گروه با ۹ امتیاز در صدر قرار دارد. خبرنگاران در بیمارستان سراغ مارادونا رفتند تا پیگیر سلامتی او باشند که گفته حالش خوب است. او گفت، می‌خواهم به همه بگویم که حالم خوب است، بستری شده‌ام ولی خوب هستم. در بین دو نیمه، گردنم

استقبال پر شور از بازیکنان تیم ملی در فرودگاه



● دژاگه: حق تیم ملی بود که صعود کند، اما لحظه آخر با ماندنیم و حسرت خوردیم.
● کیروش: کادر متعهد تیم ملی فداکارهای بسیار زیادی انجام داد و مطمئناً باید در این شرایط از آنها تشکر کنیم.

بازیکنان و کادر فنی تیم ملی فوتبال ایران ساعت ۳:۳۰ بامداد چهارشنبه، ششم تیر، به تهران بازگشتند.

همزمان با ورود ملی پوشان، ده ها نفر از هواداران پر شور فوتبال برای تقدیر از عملکرد خوب آنها در جام جهانی روسیه ۲۰۱۸ به فرودگاه رفتند تا از بازیکنان استقبال کنند. شمار زیادی عکاس و خبرنگار هم برای تهیه گزارش و عکس در فرودگاه حضور داشتند.

اشکان دژاگه به خبرنگاران گفت که تیم عملکرد خیلی خوبی داشت و همه نفرات حاضر در تیم ملی خوب کار کردند و توانستیم در «گروه مرگ» بازی های خوبی را به نمایش بگذاریم. این بازیکن افزود: «به هر حال در این دوره از مسابقات ما با قهرمان اروپا و جهان همگروه بودیم و توانستیم در گروه مرگ ۴ امتیاز بگیریم و که این ۴ امتیاز نشان از عملکرد خوب تیم ملی

در این دوره از مسابقات دارد.» دژاگه که مصدومیتش او را در رقابت های جام جهانی نیمکت نشین کرد می گوید، حق تیم ملی بود که صعود کند، اما لحظه آخر با ماندنیم و حسرت خوردیم. به هر حال مسابقات جام جهانی خیلی سخت و فشرده است و خدا را شکر می کنم که توانستیم دل مردم را شاد کنیم و مردم استقبال خوبی از تیم ملی کردند. کارلوس کیروش سرمربی موفق تیم ملی هم که این روزها خیلی بیشتر از گذشته محبوب شده گفت من خیلی خوشحال هستم به خاطر موفقیت هایی که توانستیم کسب کنیم و جا دارد از تمام بازیکنان و مربیانی که از ما حمایت کردند تشکر خود را آماده رقابت های آسیایی کنند.

انتقاد شدید کیروش از برانکو:

شما در آماده ساختن تیم ملی اخلال کردید



شادی بازیکنان تیم ملی ایران پس از بازی با مراکش

کارلوس کیروش سرمربی تیم ملی فوتبال ایران ساعاتی بعد از بازگشت به همراه بازیکنان به ایران آنچه را که پیش از سفر به روسیه در دل نگه داشته بود به زبان آورد. او برانکو را یکی از مسببان عدم آمادگی تیم ملی خواند. وی که با برنامه ۲۰۱۸ صحبت می کرد گفت: اکنون زمان آن رسیده که رو در رو با کسانی که برای آمادگی تیم ملی مشکل به وجود آوردند حرف بزنیم.

کارلوس کیروش؛ پس از بازی با مراکش؛ جام جهانی ۲۰۱۸؛ ۱۵ ژوئن کیروش ادامه داد مشکلات ما از زمانی شروع شد که اردوی تیم ملی را در امارات لغو کردند. او یادآور شد اشاره اش به برانکو و دیگرانی است که از وی حمایت نکردند. آنها اختلافاتی در امور تیم ملی ایجاد کردند و اینگونه سبب ما را آقای پرفسور به تیم ملی تزیق کرد. بطوری که بازیکنانی مانند روزبه چشمی، مجید حسینی، وحید امیری، علیرضا بیرانوند و پژمان منتظری فقط یک روز یا یک روز و نیم در اختیار تیم ملی بودند.

کیروش با کنایه گفت: آقایان فراموش کردند بگویند رضائیان و مهدی طارمی هم برای تیم ملی بازی کردند، بازیکنانی که آنها را

حمایت رئیس فدراسیون فوتبال از کیروش:

اجازه فضا سازی علیه تیم ملی را به هیچکس نمی دهیم



مهدی تاج و کارلوس کیروش

مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال ایران که چند هفته پیش هنگام دیدار دوستانه تیم های ایران و ترکیه در استانبول دچار ناراحتی قلبی شد و در بیمارستان بستری گردید، پس از بازگشت تیم ملی به تهران در پیامی از خانواده بزرگ فوتبال به خاطر همراهی با تیم ملی تقدیر کرده و خطاب به سرمربیان باشگاه ها یادآور شده فدراسیون فوتبال در راه حمایت از تیم ملی هرگز اجازه اخلال در برنامه ریزی های تعیین و ابلاغ شده را نخواهد داد. او ضمن تبریک دستاوردهای تیم ایران در بازی های جام جهانی نوشته: از آقای کارلوس کیروش و تیم شکوهمند او، بازیکنان زحمتکش و تلاشگر تشکر می کنم. تاج از هوادار دو تمشه ای که با تومبیل خود از اندیشک به شهر قازان روسیه رفته بود نیز سپاسگزاری کرده است. استقبال از تیم ملی ایران در تهران مهدی تاج اضافه کرده از همه

اعضای خانواده بزرگ فوتبال انتظار دارم و تاکید مودک من به همه آنها این است که به برنامه آماده سازی تیم برای جام ملت های آسیا به عنوان اولویت و سند راهبردی قطعی و خدشه ناپذیر برای حمایت از فوتبال

محل نشستن خانواده ها در ورزشگاه صد هزار نفری از جایگاه مجردها جدا شد



فرماندار تهران با استفاده از تجربه خوب حضور خانمها در ورزشگاه صد هزار نفری در روز بازی ایران و اسپانیا که بدون هیچگونه مشکلی بر گزار شد، تصمیم به جداسازی جایگاه خانواده ها از افراد مجرد در این استادیوم گرفته است.

عبدالعظیم رضائی معاون فرمانداری تهران گفت: در ضمن سرویس های بهداشتی و نمازخانه ویژه بانوان ایجاد شد و استقرار سرویس های بهداشتی سیار نیز پیش بینی شده است.

رضائی افزود پیش از شروع مسابقه و در فاصله دو نیمه بازی برنامه های سرگرم کننده برای حاضران پیش بینی شده است. او اضافه کرد وزارت کشور و استانداری تهران کاملاً طرفدار حضور خانمها در ورزشگاه صد هزار نفری هستند. شرکت مترو تهران هم آمادگی خود را برای نقل و انتقال

او تاکید کرد کادر متعهد من فداکارهای بسیار زیادی انجام داد و مطمئناً باید در این شرایط از آنها تشکر کنیم. بدون زحمات کادر فنی در محوطه فرودگاه «امام خمینی» طرفداران می توانستند بازگشت بازیکنان و کادر فنی تیم ملی را از لحظه ورود هواپیما به فرودگاه بر صفحه ی دو مونیتور بزرگ تماشا کنند.

همچنین سکویی در محوطه فرودگاه در نظر گرفته شد تا اعضای تیم ملی روی آن حضور پیدا کرده و به ابراز احساسات دستداران فوتبال پاسخ بدهند و با آنها همراهی کنند. حالا بازیکنان تیم ملی کم کم باید خود را آماده رقابت های آسیایی کنند.

زنان دوباره در آزادی نشستند



درهای ورزشگاه آزادی برای دومین بار در سال های اخیر به روی زنان ورزش دوست باز شد و این بار آنها دیدار ایران و پرتغال را روی پرده بزرگ تماشا کردند.

معصومه ابتکار معاون حسن روحانی گفت: درهای استادیوم صد هزار نفری سه شنبه شب نیز به دستور رئیس جمهوری بر روی خانمها گشوده شد. او گفت نه کسی به بانوان چپ نگاه کرد نه کسی به آنها فحش داد و نه کسی بی ادبی کرد و نه اینکه به خاطر نشستن آنان روی سکوی ورزشگاه، فساد به وجود آمد. بازی ایران و پرتغال بسیار پرهیجان و تماشایی بود و خانواده ها به خبرنگاران گفتند از دیدن این مسابقه خیلی لذت بردند. به خصوص آنکه ایران در این بازی مانند مقابل مراکش گل هم زد.

دختران و مادران در استادیوم در گفتگو با خبرنگاران اظهار امیدواری کردند که دستگاه های انتظامی و امنیتی با توجه به اینکه هیچگونه

حادثه و حاشیه ای در ورزشگاه صد هزار نفری با حضور زنان رخ نداد، درهای ورزشگاه دوباره به روی آنها بسته نشود و آنها مانند پیش از آنکه این ممنوعیت برای آنها به وجود بیاید بتوانند مسابقات زنده را در ورزشگاه های کشور تماشا کنند.

البته ادعای معصومه ابتکار درباره «دستور رئیس جمهوری» در حال است که وبسایت فرارو نوشته

دادستان کل کشور حضور زنان در ورزشگاه «آزادی» را اجرای سیاست های شیطنی خواند!



در ورزشگاه آزادی؛ بازی ایران و اسپانیا

مسابقات جهانی جام جهانی فوتبال روسیه ۲۰۱۸ در استادیوم «آزادی» بر صفحه ی مونیتور تماشا کنند و همین داد دادستان کل جمهوری اسلامی را در آورده است!

وی همچنین از صدور مجوز شکار برای شکارچیان آمریکایی انتقاد کرده و ضمن تقدیر از دادستانی کاشمر در پیگیری این موضوع گفته است: «خودم به این موضوع ورود کردم گفتند چون در خارج از کشور هستند و دلار بیشتر می دهند اجازه دادیم به شکارگاه بروند.»

این مقارشد قوه قضاییه شکارچیان آمریکایی را «جاسوس» خوانده و گفته است: «ما با مردم آمریکا مشکل نداریم اما اینکه آمریکا عناصری را به عنوان شکارچی به ایران بفرستد و جاسوسی کنند، همانند اینکه تعدادی به عنوان فعال محیط زیست به ایران بفرستند و جاسوسی کنند که خوشبختانه این افراد شناسایی شدند، برای ما قابل قبول نیست.»

او مدیرانی را خطاب قرار داده که به گفته خودش «پشت صحنه در دفتر کارشان نشستند و مورد اعتراض قرار گرفته اند و می گویند باید برای هدف خود گام به گام جلو برویم» و اضافه کرد: «گام به گام یعنی به بهانه فوتبال ایران اسپانیا کارهایی شود که شرم می کنم بگویم!»

دادستان کل کشور سیاست های این مدیران را «شیطنی» خوانده و خطاب به آنها گفته است: «هم در دنیا و هم در آخرت دچار عذاب الهی می شوید و نهایت این گام به گام شما سقوط در عذاب الهی و سقوط در منجلابی است که دشمن برای شما در نظر گرفته است!»

منتظری گفته که آنان در برخی مراکز مدیریت «لانه» کردند و «دارند» به این انقلاب و خون شهدا خیانت می کنند، این درد را انسان به کجا ببرد! بعد از ۳۷ سال ممنوعیت، زنان توانستند بازی ایران- اسپانیا در

● دادستان کل کشور: برخی مدیران با سیاست های شیطنی در مراکز مدیریت لانه کردند و «دارند» به این انقلاب و خون شهدا خیانت می کنند، این درد را انسان به کجا ببرد!

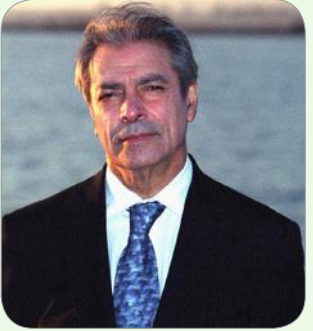
● به گفته ی این دادستان، آمریکا شکارچیان را برای جاسوسی به ایران می فرستد!

دادستان کل کشور از حضور زنان در ورزشگاه «آزادی» برای تماشای بازی ایران- اسپانیا انتقاد کرده و آن را بهانه ای برای «برداشتن روسری، آواز خواندن و رقاصی» خوانده است. او اجرای این برنامه را «سیاست های شیطنی» برخی مدیران دانسته است.

محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور حضور زنان در استادیوم «آزادی» را بهانه ای برای ضربه زدن به نظام خوانده که «تحت عنوان اینکه یک فضای شاد باز کنیم و خانواده ها صحنه فوتبال را ببینند» اتفاق افتاده است.

او با بیان اینکه «ما مخالف شادی نیستیم»، اضافه کرده است برخی روزنامه ها تیتز زدند که «آزادی آزاد شد!»

منتظری دادستان کل کشور گفته «تحت همین عنوان زن و مرد و جوان و کودک و دختر و پسر را در استادیوم جمع کنند. عده ای زن به این بهانه روسری خود را بردارند شروع به آواز و رقاصی کنند!»



داربوش همایون
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به بازنشر گلچینی از آثار داربوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیمهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشبو کیمهان لندن خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از

داربوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌ای نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۷۵)

نارزش

(کیمهان لندن شماره ۱۲۵۶)

احمد احرار

کرده و با مادرش و عیالش روبرو و عیدیدندی کرده، به اطاق خود رفته در پشت میز تحریر خود نامه مفصلی نوشته و سر پاکت را مهر و لاک کرده با میوزر یک تیر به شقیقه خود خالی کرده رخت از دیار نیستی بسته به سرای جاویدان با یک نام عالی و پر افتخار می‌شتابد. بعد از ظهر همان روز که من با مسیو زومر رئیس خود (شارژ دافر آلمان) برای رجال و بزرگان کارت تبریک می‌گذاریم، در خیابان عین‌الدوله سر کوچه متعمداً الممالک‌راد پیاده شدیم که کارت‌های خودمان را در منزل کلنل فضل‌الله خان بگذاریم. ازدحام زیاد به چشم خورد. به محض این که علت ازدحام را پرسیدم گفتند کلنل فضل‌الله خان خودکشی کرد. زانوهای من یک دفعه تا شد و گوشه کوچکی روی زمین نشستیم. مسیو زومر شارژ دافر آلمان و پیشخدمت سفارت که پهلوی سورچی نشسته بود من را از روی زمین بلند کرده به درون درشکه بردند و به تاخت به سفارت رفته در آنجا دواهای چندی به من خوراندند و از همان روز یک نوع مرض روحی به من دست داد که مدت‌ها طول کشید... روز دوم فروردین تشییع جنازه بسیار مفصل و باشکوهی به عمل آمد و جنازه را تا بیرون دروازه حضرت عبدالعظیم پیاده تشییع کردند. تمام افراد ژاندارم و افسران عالی‌رتبه بودند. مستشاران انگلیسی که با ژنرال

در خانه‌اش با رولور کمری انتخاب کرد. نامه وی خطاب به وزیر جنگ، که در آن علل خودکشی‌اش را ذکر کرده بود، هرگز انتشار نیافت ولی محارم وزارت جنگ که متن نامه افسر فقید را خوانده بودند بعدها تأکید کردند که تصمیم کمیسیون مشترک نظامی، و از آن بدتر ناسپاسی و نوکرمندی وزیر جنگ، که به جای تقدیر از افسری چنین غیور و برانزده، او را مورد توهین و بازخواست قرار داده بود که چرا به دلخواه انگلیسی‌ها در آن کمیسیون رأی نداده است، به مرگ و فناء آن مرحوم انجامیده است. وی با این اعتراض مردانه که به قیمت جانش تمام شد هموطنان خود را متوجه ساخت که انگلیسی‌ها در زیر سروپوش قرارداد، چه سرنوشت خفت‌باری برای ایران تهیه دیده‌اند...»

ابوالقاسم کحل زاده که با کلنل فضل‌الله خان آشنایی نزدیک داشته است در خاطرات خود (دیده‌ها و شنیده‌ها) می‌نویسد «واقعه مهم دیگری که پیش آمد و ارکان قرارداد ۱۹۱۹ را متزلزل کرد موضوع انتحار کلنل فضل‌الله خان آق‌اولی بود. آقای کلنل فضل‌الله خان، پسر دکتر امان‌الله خان در اصفهان متولد شد و نوه دختری دکتر باقرخان سیاح سپانلو طبیب مظفرالدین شاه بود. من با کلنل فضل‌الله خان آشنایی کامل داشتم زیرا از جهتی با من منسوب بود ولی چون در زمان جنگ منشی سفارت آلمان بودم و ایشان هم از افسران ژاندارم طرفدار آلمانها بودند،

ضربه نهائی را بر قرارداد ۱۹۱۹ خودکشی یک افسر ژاندارم، کلنل فضل‌الله خان آق‌اولی، وارد ساخت. در ماده سوم قرارداد آمده بود: «دولت انگلیس به خرج دولت ایران افسران و ذخائر و مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوای متحدالشکل نظامی، که دولت ایران ایجاد آن را برای حفظ نظم در داخله و سرحدات در نظر دارد، تهیه خواهد کرد. عده و مقدار ضرورت افسران و ذخائر و مهمات مزبور به توسط کمیسیونی که از متخصصین انگلیسی و ایرانی تشکیل خواهد شد و احتیاجات دولت را برای تشکیل قوه مزبوره تشخیص خواهند داد، تعیین خواهد شد.»

بر اساس این ماده از قرارداد، آیین‌نامه‌ای تدوین شد که می‌بایستی در یک کمیسیون مشترک، مرکب از هفت افسر انگلیسی و هفت افسر ایرانی، بررسی و تصویب شود. دکتر محمدجواد شیخ‌الاسلامی در «سیمی‌ای احمدشاه قاجار» می‌نویسد: «ماده ۲۳۰ آئین‌نامه تنظیم شده، رتبه‌های ارشد نظامی (سرهنگی، سرتیپی، سرلشکری) را که ظاهراً برای ۲۵ درصد افسران ارتش جدید ایران در نظر گرفته شده بود، تنها به کسانی اختصاص می‌داد که مخصوصاً توسط ژنرال فرمانده ناحیه توصیه و سفارش شده باشند. اما به موجب پیشینه‌ای که در هندوستان و مصر ایجاد شده بود تقریباً مسلم بود که همه این فرماندهان نظامی (که توصیه آنها همه در سرنوشت



کلنل فضل‌الله خان آق‌اولی



سردار منصور رشتی

هر وقت یکدیگر را ملاقات می‌کردیم چند دقیقه‌ای دور از چشم اقوام و بچه‌ها، از سیاست روز صحبت می‌کردیم. اواخر جنگ ایشان بیشتر مأمور خارج از تهران بودند و مدتی هم رئیس ژاندارمری قم و خلیجستان و کاشان و اطراف آنها بودند. افسری بود بسیار امین و درستکار و نظر به احاطه کاملی که به زبان انگلیسی و فرانسه داشت، فوق‌العاده مورد توجه افسران سوئدی و مستشاران ژاندارمری بود. ایشان در آوریل ۱۹۰۲ میلادی از ایران به اروپا عزیمت کرد و یک دوره تحصیلات عالی در انگلستان دیده و به ایران مراجعت کردند. افسری بود بسیار خوش‌اندام و بلندبالا، صورت سبزه و از جوانی عینک می‌زد. در کمیسیونی که در کاخ ایبض برای تشکیل قوای ایران زیر نظر ژنرال دیکسن تشکیل شد، عضویت داشت. از طرف قزاقخانه هم آقای امیرموقت پسر محمدباقرخان امیرتومان داماد علاءالدوله عضو دیگر این کمیسیون بود. پس از آن که صورت مجلس این کمیسیون تهیه و تنظیم شد کلنل فضل‌الله خان از امضای آن خودداری کرد. می‌گویند وزیر جنگ از این عمل کلنل فضل‌الله خان ناراحت شده و استیضاح کرده بوده است. در هر حال، صبح روز اول حمل ۱۲۹۹ مطابق با ۲۱ مارس ۱۹۲۰ کلنل بدو لباس سلام خود را در بر

دیکسن بودند پیاده تشییع کردند و بیرون دروازه ژنرال دیکسن شخصاً عده را به خط کرده و سه تیر تفنگ دسته‌جمعی خالی کردند و جنازه را به این‌بابویه برده به خاک سپردند...» و این هم روایت عبدالله مستوفی در «تاریخ اداری و اجتماعی دوره قاجاریه» از خودکشی کلنل فضل‌الله خان: «... بعد از آن که شوستر آمریکایی رفت و ژاندارمری مالمه سرنگرفت، عده‌ای را که مازور انگلیسی جمع‌آوری کرده بود تحویل کلنل یالمارسن رئیس ژاندارمری مملکتی دادند. فضل‌الله خان افسر رشید فهمیده‌ای از کار درآمده بود. نمی‌دانم مهاجرت کرد یا نه، در هر حال همه او را دوست می‌داشتند و آینده خوبی برایش پیش‌بینی می‌کردند. در کابینه وثوق‌الدوله اکثر نقشه‌های توسعه امنیه به‌توسط او انجام می‌شد. گذشته از مزایای اخلاقی و معنوی، از حیث قامت و قواره هم مرد برانزده‌ای بود. خودکشی این افسر آرام باوقار متین، که باید همه‌گونه امیدواری به آینده و زندگی کس را به‌حیرت انداخته باشد، و بعدها معلوم شد که این انتحار به‌سبب اطلاع یافتن از چگونگی تشکیلات قشونی آینده کشور بوده که افسر نجیب وطن‌پرست نتوانسته است خود را به آن راضی کند.»

افسر ایرانی تأثیر داشت) از میان صاحبمنصبان عالی‌رتبه انگلیسی برگزیده خواهند شد. موقعی که مواد آئین‌نامه در کمیسیون مختلط نظامی خوانده شد دو تن از اعضای ایرانی کمیسیون، از آنجا که هر دو افسرانی غیور و تحصیلکرده بودند و احساس می‌کردند که رأی موافق دادن به چنین ماده‌ای خیانت محض به ایران و مغایر با شئون و شخصیت ایرانی است، حاضر نشدند و پای گزارش کمیسیون را امضاء کنند ولی بقیه هم‌قطاران نظامی آنها امضاء کردند. یکی از این دو افسر «مرحوم سرهنگ فضل‌الله خان آق‌اولی» بود که تحصیلات نظامی خود را در انگلستان تمام کرده بود. به همین جرم که شئون و مصالح مملکت خود را بر منافع بریتانیا ترجیح داده است مورد بازخواست شدید وزیر جنگ کابینه وثوق «سردار منصور رشتی» قرار گرفت و از شدت تأثر خاطر، موقعی که برایش مسلم شد که وزرای آتی ایران (مثل همین سردار منصور) هر تصمیمی را که انگلیسی‌ها بگیرند، ولو مضر و مغایر با شئون ملی باشد، کورکورانه قبول و بر هموطنان خود تحمیل خواهند کرد، مرگ را بر زندگی در چنین کشوری که در آن خارجی می‌رفت فعال مایه‌اش گردد، ترجیح داد و در روز اول فروردین ۱۲۹۹ شمسی از شدت غم و اندوه

حکومت تاراج و یارانه

کیمهان لندن شماره ۱۱۳۰ - ۱۱ آبان ماه ۱۳۸۵



بیبی‌زبان یا مستضعفان اعلام کرد. در یک نظام سالم چنین خدمتی از راه آموزش و اشتغال انجام می‌گیرد. ولی آموزش مردم با موجودیت حکومت مذهبی بازی می‌کند و اشتغال، بستگی به فضای اطمینان بخش برای سرمایه‌گذاری دارد که نظام سیاسی دیگری جز آنچه کرکسان عمده بسر در نظر داشتند و می‌توانستند می‌خواهد. حکومت انقلابی با نگاهی به درآمدهای نفت، راه حل آسان‌تری برگزید. آنچه از تاراج خانواده‌های مافیائی و ریخت و پاش یک دستگاه حکومتی باد کرده و ناکارآمد دربارهای شخصی آخوندها زیاد می‌آمد به صورت یارانه به مردم از پولدار و بی پول برگشت. آخوندها امیدوار بودند بدین ترتیب وفاداری مردم را خواهند داشت. در دوره «سردار سازندگی» اقتصاد تاراج و یارانه به اوجی رسید که گمان می‌رفت بیشتر از آن از توانائی مردم و سرزمین ایران بیرون باشد. اکنون گنج باداورد نفت ابعاد تازه‌ای به این هر دو داده است که می‌باید هر ایرانی را به هراس اندازد. در نخستین ماه‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری سخن از گریز دو میلیارد دلار به دبی می‌رفت که هزاران شرکت ایرانی در آن همه کار می‌کنند. ولی به نظر آگاهان این ارقام تنها نوک کوه یخ است. هنگامی که از یک شعبه بانک صادرات چند صد میلیون دلار اختلاس می‌کنند و شش میلیارد دلار در وزارت نفت ناپدید می‌شود دو میلیارد چیزی نیست. حکومت سپاه و بسیج و مهدیه همراه و در رقابت با ائتلاف حوزه و حجره دست بر هر منبع درآمدی انداخته است (هفت میلیارد دلار طرح‌های لوله کشی نفت و گاز به فرماندهان سپاه بخشیده‌اند که آنها به پیمانکاران دیگر بفروشد) کارخانه‌ها را با واردات بی‌حساب به تعطیل می‌کشاند (واردات ایران اکنون به پنجاه میلیارد دلار رسیده است) و بجای ایران در اندونزی و ونزوئلا پالایشگاه می‌سازد زیرا در واردات بنزین سودهایی است که در تولید داخلی به دست نمی‌آید. (یارانه بنزین اکنون به هفت میلیارد دلار در سال رسیده است.) اعلام برکناری رئیس یک بانک خصوصی از سوی کسی نه کمتر از خود ریاست جمهوری که زنگ پایان فعالیت خصوصی بالاتر از موسسات کوچک در ایران است، و انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که واپسین نشانه‌های انتظام در هزینه‌های دولتی را از میان می‌برد همه در سویه یک سیاست اقتصادی است که در آن هر که زورش برسد هر چه خواهد می‌کند. یک ناشایسته سالاری که بی‌لیاقتی خود را به چالش فسادش فرستاده عرابه شکسته اقتصاد ایران را به سرعتی که می‌تواند به پرتگاهی می‌راند که از هم اکنون با سیر نزولی درآمد نفت می‌توان دید.

اقتصاد زورگویی که نه برنامه می‌شناسد نه الگوی روشنی، تصمیم‌های آتی و فردی در هر سطح نقش اصلی دارد، بسته به آنکه زور چه کسی یا گروهی بچربد. اقتصاد فرماندهی قدرت تولیدی جامعه را در دست گروه فرمانروا تمرکز می‌دهد، اقتصاد زورگویی نمونه جمهوری اسلامی کاری به قدرت تولیدی ندارد.

آنچه در برابر چشمان ما می‌گذرد تکامل فرایند ایدئولوژیک شدن اقتصاد ایران در دست رئیس جمهوری تازه و گرگان گرسنه‌ای است که به اندازه همان گرگان از اقتصاد سررشته دارند. انقلاب اسلام ناب محمدی، حسینی، امام زمانی - که بهتر است آن را همان به صفت رهبران و شعارهای بنامیم شده و مصادره شده اصرار نوزیم - به گفته رهبرش انقلاب ارزش‌ها بود و اقتصاد را مال دراز گوش می‌شمرد و برای خربزه روی نداده بود. رهبران انقلاب برنامه‌ای برای اسلامی کردن جامعه ایرانی داشتند نه رساندن ایران به کشورهای توسعه یافته. درآمد نفت نیز البته بود و اجازه می‌داد اقتصاد را در ساده‌ترین صورتش بینگارند - خرید و فروش و دلالی و تقسیم غنائم؛ همان اندازه که در متن مقدس و رساله‌های مراجع مذهبی آمده است. اگر تا این سال‌های آخر گردونه به گل نشسته توسعه اقتصادی هنوز حرکتی می‌داشت بازمانده شش هفت دهه‌ای بود که سراسر جامعه برای توسعه و تولید بسیج شده بود.

جمهوری اسلامی در این تازه ترین مرحله تکامل خود می‌خواهد اقتصاد را نیز مانند فرهنگ، سراسر در پارگین ایدئولوژی خود فرورد و به همان خلوص نظام سیاسی سراسر هرج و مرج و تباهی و سرکوبگری برساند. پس از نزدیک سه دهه از هم پاشیدن نهادهای یک تمدن امروزی - فراآمد دوران پس از انقلاب مشروطه - اکنون دوران پیروزی «ارزش‌ها» است. مردانی در پایین ترین پایگاه فرهنگی، با «اخلاقیات ماران» به قول انگلیس‌ها، که دیگر به ارتباط با چاه جمکران نیز خرسند نیستند و مستقیماً با خود خدا در گفتگوی همیشگی‌اند، دست هر چه گشاده‌تری می‌بایند که جامعه ایرانی را بر تصویر ذهنی خود جامله بگردانند. چشم درآمد نفت که تا بنشکته‌ای ۷۸ دلار هم رسید، موقتا به آنان امکان داده است که سیاست اقتصادی سه دهه گذشته را به بالا‌هایی برسانند که در فرو افتادن ناگزیر خود، شکستن سخت تراستخوان‌ها را به دنبال خواهد داشت. این سیاست را در دو واژه تاراج و یارانه می‌توان خلاصه کرد. حکومت آخوندی که با انقلاب طبقه متوسط روی کار آمده بود (طبقه متوسط ما هم ویژه خودمان است) وظیفه خود را خدمت به

یکی از نخستین قربانیان نظام‌های ایدئولوژیک، اقتصاد است - صرفنظر از آنکه ایدئولوژی چه باشد. تولید و مصرف و عرضه و تقاضا را نمی‌توان در قالب‌های ریخت - حتی در قالب «سه فر» یا اقتصاد بی بند و بار (بنیادگرایی بازارهم گفته اند) که بنا بر تعریف از هر محدودیتی آزاد است. اقتصاد بیش از هر امر اجتماعی، موضوع آزمون و خطا و میدان عملگرایی است و در نتیجه مراقبت همیشگی می‌خواهد. بیپه‌ده نیست که سهم ریاضیات (و روانشناسی) در بررسی‌های اقتصادی رو به افزایش است.

اسلام با همه ادعاهای دین حکومت است سخنی در کشورداری، بویژه اداره اقتصاد ندارد. هنگامی که رژیم اسلامی برقرار شد میانمابگانی که راه را برای خمینی هموار کرده بودند زیر نام اقتصاد توحیدی، نمونه اقتصاد فرماندهی سوسیالیستی را گرفتند که تشب و رشکستگیش همانگاه از بام افتاده بود. میراث آن سیاست اقتصادی، پیدایش و نیرو گرفتن گروه‌های پر قدرتی بود که منابع عمده درآمد ملی را به انحصار خود درآوردند و با گذشت زمان بر قدرت سیاسی - مالی خود افزودند. در سال‌های «سازندگی»، گشایشی در نظام اقتصادی راه یافت و آخوندها به نمونه چین روی آوردند، که سختگیری سیاسی را با باز کردن دست حجره درهم می‌آمیخت - از یک سو آدمکشی‌های زنجیره‌ای و بستن‌ها و شکستن‌ها، از سوی دیگر ریختن درآمد نفت در بساز و بفروشی و واردات. بهره اقتصاد ایران از آن نمونه، فساد بیکرانه ماند، منهای رشد بنیه تولیدی کشور. این سیاست در بیشتر دوران «اصلاحات» نیز دنبال شد و سهمی که بسیاری از تازه رسیدگان به قدرت از غنائم گرفتند تأثیر خود را در بی‌توانی جنبش اصلاحات گذاشت. اکنون با روی کار آمدن گروه تازه سپاهی و بسیجی و جمکرانی، اقتصاد اسلامی وارد مرحله تازه‌ای از تاراج و هرج و مرج می‌شود که تنها با درآمدهای استثنائی نفت می‌تواند چندگاهی دوام بیاورد.

در همه این دوره‌ها طبیعت مافیائی اقتصاد، عنصر ثابت و مسلط آن بوده است. ائتلافی از حجره و حوزه از همان آغاز تقریباً همه موسسات بزرگ اقتصادی را مصادره کرد، و دست بر نفت و واردات انداخت. سهم بخش خصوصی مستقل در اداره اقتصاد رو به کاهش نهاد و بخش هر چه بزرگتری از درآمد نفت در اختیار افراد و نهادهای مستقل از هر کنترل عمومی قرار گرفت. انحصارهای وارداتی در هر رشته، از سوئی سرازیر شدن درآمد‌های سراسر را به خانواده‌های مافیائی تضمین کرد و از سوئی بخش غیر دولتی و غیر مافیائی را از صحنه راند. با اینهمه تا برآمدن گروه فرمانروای «پادگانی» در یک ساله گذشته، هنوز می‌شد نشانه‌هایی از نظام اقتصادی پیش از انقلاب و نظارت‌ها و برنامه ریزی‌های آن را در اینجا و آنجا دید و تک و توکی موسسات بزرگ خصوصی (با مقیاس‌های ایران) می‌توانستند به زندگی ادامه دهند. گروه تازه که با شعار «از این پس نوبت ماست» به قدرت رسید یک نمونه اقتصادی را در نظر دارد که در آن اقتصاد فرماندهی جایش را به اقتصاد زورگویی می‌دهد و حوزه و حجره با نهادهای نظامی و حکومتی در کشاکش می‌افتد. در اقتصاد فرماندهی با همه ناکارائی آن برنامه‌ریزی و الگوی روشنی برای تخصیص منابع هست. در

چهارشنبه، ۲۷ دی ۱۳۵۷
(۱۷ ژانویه ۱۹۷۹)

... امروز هم تظاهراتی بوده است، ولی آرام انجام شده. تقریباً تمام مجسمه‌های شاه در خیابان‌های تهران پایین کشیده شده. آقای صادق وزیری از وزارت دادگستری استعفا نموده ... شب گذشته آقای افشار، وزیر خارجه سابق، برای خداحافظی تلفن کرد. به تدریج همه می‌روند، چون وضع روشن نیست و نگرانی زیاد است. آقای شبستری زاده به اتفاق آقای خامنه‌ای آمدند.

عدم رضایت آقای شریعتمداری و سایر آیات قم از این که آقای خمینی با آن‌ها مشورت نمی‌کند و آن‌ها را به حساب نمی‌آورد کم‌کم علنی می‌شود. همین اختلاف بین دانشجویان و استادان چپ و مذهبی‌ها آشکار گردیده و دامنه اختلافات در روزهای بعد قطعاً شدیدتر می‌شود. آقای پولادی هم آمد و قرار شد ساعتی برای ملاقات من با آقای طالقانی درست کند ...

ساعت سه بعد از ظهر عده‌ای از خانم‌ها و آقایان اعضای هیئت مدیره آسایشگاه کهریزک آمدند و در حضور آقای دکتر حکیم‌زاده که استعفا کرده بود بحث مختصری شد. صورت مجلسی تنظیم شد و استعفا ایشان رد شد و قرار شد مدت شش ماه خانم دکتر نوشیروانی که تخصص در روانکاری دارد، موقتاً وظایف ایشان را انجام دهد ...

پنجشنبه، ۲۸ دی ۱۳۵۷
(۱۸ ژانویه ۱۹۷۹)

ساعت هفت و نیم آقای پولادی آمد و قرار ملاقاتی را با آقای طالقانی گذاشتم که ایشان را قبل از حرکت به اروپا ببینم. دکتر شجاعی آمد و آقای برقعی برای حفظ نظم و آرامشی که در راهپیمایی فردا (جمعه، اربعین حسینی) در نظر دارند مذاکراتی کرد و نظر داشت من با رئیس ستاد، آقای ارتشید قرباغی، صحبت کنم. بعداً آقای سعید (حسن)، پسر مرحوم حاج عبدالله سعید، در همین زمینه صحبت کرد؛ بالاخره آقای فلسفی واعظ. با آقای ارتشید قرباغی به تفصیل صحبت کردم. بعد از مذاکرات مفصل و اطمینان از این که حتی‌المقدور از برخورد قشون با تظاهرکنندگان اجتناب شود، اظهار نمود که بعد از ظهر جلسه شورای امنیت با نخست‌وزیر دارند و تصمیم لازم را خواهند گرفت. با آقای نخست‌وزیر (شاپور بختیار) هم صحبت کردم. او هم با نظر من موافق بود و قرار شد پیامی هم بدهد خطاب به مردم که رعایت نظم را بکنند. ساعت چهار بعد از ظهر آقای قرباغی تلفن کرد که در شورا نظر آقای نخست‌وزیر هم در زمینه نظر من بوده و امیدوارم که فردا راهپیمایی آرام انجام گردد. ضمناً اطلاع پیدا کردم آقای سید جلال تهرانی به پاریس رفته است که با آقای خمینی ملاقات کند و ایشان را متوجه وضع این جا بنماید. از حال انتظام پرسیدم. تب دارد و خوابیده است ...

جمعه، ۲۹ دی ۱۳۵۷
(۱۹ ژانویه ۱۹۷۹)

... ساعت ۷ صبح منزل آقای صدر «احمد صدر حاج سیدجوادی» رفتم. در حدود ساعت هفت و نیم آقای طالقانی آمد. بعد از مدت‌ها که ایشان در حبس و بعداً آزاد شدند ایشان را ندیده بودم. البته فرسوده شده ولی خوب است. دچار قند و فشار خون است. بیش از یک ساعت صحبت کردیم. طرز فکر آقایان با حقیقت سیاسی و اقتصادی تفاوت زیاد دارد و متأسفانه امکان این که یک راه حل مثبتی بتوان به دست آورد آسان نیست. به هر حال مذاکرات بد نبود ...

شنبه، ۳۰ دی ۱۳۵۷
(۲۰ ژانویه ۱۹۷۹)

... دیشب با آقای فلسفی واعظ صحبت کردم. از این که راهپیمایی اربعین خوب انجام شد راضی بود و دعا می‌کرد ... با آقای دکتر بهشتی تلفنی صحبت کردم و خداحافظی کردم. تقاضا داشت سه هفته‌ای دیرتر بروم چون وجودم را در تهران ضروری می‌داند. ساعت ۱۱ آقای سالیوان، سفیر کبیر آمریکا را ملاقات کردم و ساعتی با ایشان در مورد

شاه رفت ... خمینی آمد!

خمینی از جبهه ملی خواست که انحلال خودشان را اعلام کنند جاه‌طلب‌ها مثل سنجابی به دیوانگی افتاده‌اند و به دنبال استفاده از قدرت خمینی با دکتر بختیار مخالفت می‌کنند



یادداشت‌های خصوصی دکتر امینی از روزهای بحران (بخش پایانی)

ولی آقا مصمم به رفتن هستند. آقای دکتر مبشری هم راجع به سرسختی اطرافیان ایشان که به قصد نتیجه‌گیری و به هر قیمت ایشان را می‌خواهند حرکت دهند، معتقد بود که اصراری نکنم و بگذارم بروند و نتیجه آن را هر چه هست بگیرند ...

چهارشنبه، ۴ بهمن ۱۳۵۷
(۲۴ ژانویه ۱۹۷۹) (پاریس)
... تلفنی با سهولت تهران را گرفتم



محمد رضا شاه و علیاحضرت فرح لحظاتی پیش از ترک ایران

و با آقای بختیار صحبت کردم، گفت: آقای علی‌قلی بیانی را با نام‌های فرستاده که آقای خمینی را ملاقات کند و ظاهراً در نامه از ایشان خواسته است که در مراجعت عجله نکنند. توصیه کرد که آقای دکتر مبشری هم دنبال کار را بگیرد. مطلب را به دکتر مبشری اطلاع دادم، خوشحال شد. آقای نزیه هم تلفن کرد و در زمینه پیشنهادهای دکتر مبشری صحبت کرد. جریان را به او گفتم. در ملاقاتی که دیروز با آقای خمینی کرده او را خسته دیده بود و در اخبار هم گفته شد که دکتر آقای خمینی توصیه کرده است که با برنامه سنگینی که ایشان در پیش دارند بهتر است در حرکت عجله نکنند. اظهارات آقای مهندس بازرگان را در مورد حکومت اسلامی در روزنامه لوموند و هرالد تریبون خواندم. تعجب کردم که ایشان طرز حکومت را مدل زمان پیغمبر (ص) در مدینه توضیح داده‌اند. روی توصیه آقای شاپور بختیار به آقای سید جلال تهرانی تلفن کردم. ایشان آنچه در تلویزیون و روزنامه‌ها در خصوص استعفایش نوشته بودند و گفته بودند تکذیب کرد. گفتم چرا شما این کار را (تکذیب) نکردید؟ گفت: شرحی به روزنامه‌ها نوشتم! من که ندیدم، دیگران هم ندیدند ...

پنجشنبه، ۱۲ بهمن ۱۳۵۷
(۱ فوریه ۱۹۷۹) (پاریس)
... ساعت ۷ اخبار را شنیدم. آقای

دوشنبه، ۲ بهمن ۱۳۵۷
(۲۲ ژانویه ۱۹۷۹)
... مقدمات کار سفر را فراهم کردم ... تلفنی با آقای دکتر بختیار صحبت کردم، گفت: «دیشب شورای سلطنت با شرکت آقایان اعضا منهای آقای سید جلال تهرانی که در پاریس است، تشکیل شد. دیشب هم در تلویزیون گفتم که من حکومت قانونی هستم

که از منسوبان ایشان است نگران بود ...

وضع روز صحبت کردم. من را خیلی خوش‌بین می‌داند. انتظار داشتم که بعد از برگذاری اربعین وضع دکتر بختیار بهتر خواهد شد. او، یعنی سفیر آمریکا، نگران تشکیل حکومت موقت از طرف آقای خمینی و دو دستگی در داخله و برخورد با ارتش است. ولی فعالیت زیادی می‌شود که چنین وضعی پیش نیاید. اختلاف نظر بین آقای خمینی و جبهه ملی زیادتر شده و آقای خمینی از جبهه ملی خواسته است که انحلال



خمینی پس از ۱۵ سال تبعید به ایران بر می‌گردد

خودشان را اعلام کنند تا سنجابی بتواند وارد شورای انقلاب شود. به این شکل وضع سنجابی بدتر شده است و مذاکرات داریوش فروهر هم در پاریس به این شکل دچار بن‌بست شده است ...

یکشنبه، ۱ بهمن ۱۳۵۷
(۲۱ ژانویه ۱۹۷۹)
... آخرین روزی است که تهران هستم و امیدوارم فردا حرکت کنم. اول وقت خبر دادند که به گفته رادیو مونت کارلو و سوئیس آقای خمینی تصمیم گرفته‌اند روز جمعه به تهران بیایند. مسیر حرکت را هم تعیین کرده‌اند که از فرودگاه و عبور از خیابان آیزنهاور بروند بهشت‌زهره و نماز را در مسجد شاه که اخیراً اسم آن را عوض کرده و مسجد خمینی نام گذاشته‌اند بخوانند. نگران شدم که این اقدام بدون مطالعه ممکن است منجر به خونریزی در تهران شود. با آقای میتاجی تماس گرفتم. ایشان هم ناراحت بود. همچنین با آقای دکتر سنجابی، ایشان هم همین‌طور. بالاخره با آقای دکتر بهشتی مدتی صحبت کردم و ایشان گفتند جلسه مشورتی عصر داریم و شاید آقا را منصرف کنم. ظاهراً آقای آیت‌الله طالقانی هم به ایشان تلفن کرده‌اند ولی معلوم نیست نتیجه‌ای حاصل شود. آقای محمدحسین حائری آمد و مدتی در اطراف ملاقات احتمالی من با آقای خمینی و بالاخره احتمال آمدن ایشان صحبت شد. آقای حائری

و چنانچه آقای خمینی هم بیایند و بخواهند برخلاف قانون عمل بکنند مختار هستند و نتایج سوء آن دامن‌گیر خودشان خواهد شد. «خداحافظی با ایشان کردم. با آقای مانیان هم صحبت کردم. راجع به باز شدن بازار نظری داشت که چون فرصت بحث نبود گذاشتم به بعد. آقای فلسفی واعظ هم مطلبی را شب گذشته راجع به بردن یک هواپیمای هما به پاریس برای آوردن خانواده آقای خمینی گفته بود که جوابش را دادم ...

سه‌شنبه، ۳ بهمن ۱۳۵۷
(۲۳ ژانویه ۱۹۷۹) (پاریس)
اولین روز اقامت در پاریس را با بی‌بیار شدن چهار صبح آغاز کردم. قهوه را خوردم و بعد از نماز و گرفتن حمام، ساعت هشت و ربع با تاکسی به منزل آقای دکتر مبشری «اسدالله» که خانهای متعلق به آقای افشار، وکیل دادگستری، می‌باشد، رفتم. از دیدن دکتر مبشری خوشحال شدم و تا ساعت ۱۲ با ایشان در اطراف اوضاع و نظریات آقای خمینی صحبت داشتیم. از منزل ایشان به بنی‌صدر «ابوالحسن» تلفن کردم و نظر خودم را مبنی بر این که کمیسیون مرکب از خود بنی‌صدر و چند نفر دیگر قبل از آقای خمینی بروند و وضع را ببینند، و وقتی وضع را دیدند مقدمات رفتن ایشان فراهم شود، دادم. نظر من را خود او هم داشت و گفت: چند روز پیش به آقای خمینی پیشنهاد داده است،

خمینی به سلامتی وارد فرودگاه مهرآباد شده است. به گفته نماینده مخصوص «راديو» فرانس انتر که همراه آقای خمینی بوده، ایشان تمام مدت مسافرت خواب بودند و صبح بدون این که حالت اضطراب داشته باشند بیدار شدند. در کنار طیاره اتومبیل مرسدس سبز رنگی با تعدادی پلیس آماده بودند که ایشان را از پیست فرودگاه به خارج ببرند. جمعیت زیادی در خیابان‌ها انتظار ایشان را دارد. به گفته خبرنگار دیگر که در تهران است در حدود دو میلیون نفر در بهشت زهرا از دیشب خوابیده‌اند و انتظار ورود آقای خمینی را دارند. قرار است ایشان نطق سیاسی ایراد کنند و تشکیل جمهوری اسلامی را اعلام نمایند. گفته شد اسلحه بین مردم تقسیم شده، ولی دستور درگیری داده نشده است. آیت‌الله در نطق مختصری همه را دعوت به وحدت کرده است. مطلب این جاست که اگر ایشان توفیق به ایجاد آرامش نکنند و زد و خوردی درگیرد دخالت ارتش حتمی است. فعلاً دولت سه روز برای ابراز احساسات مردم اجازه تظاهرات را داده است. باید ساعت‌های آینده انتظار نطق آقای خمینی و تشریح برنامه سیاسی ایشان را داشت ...

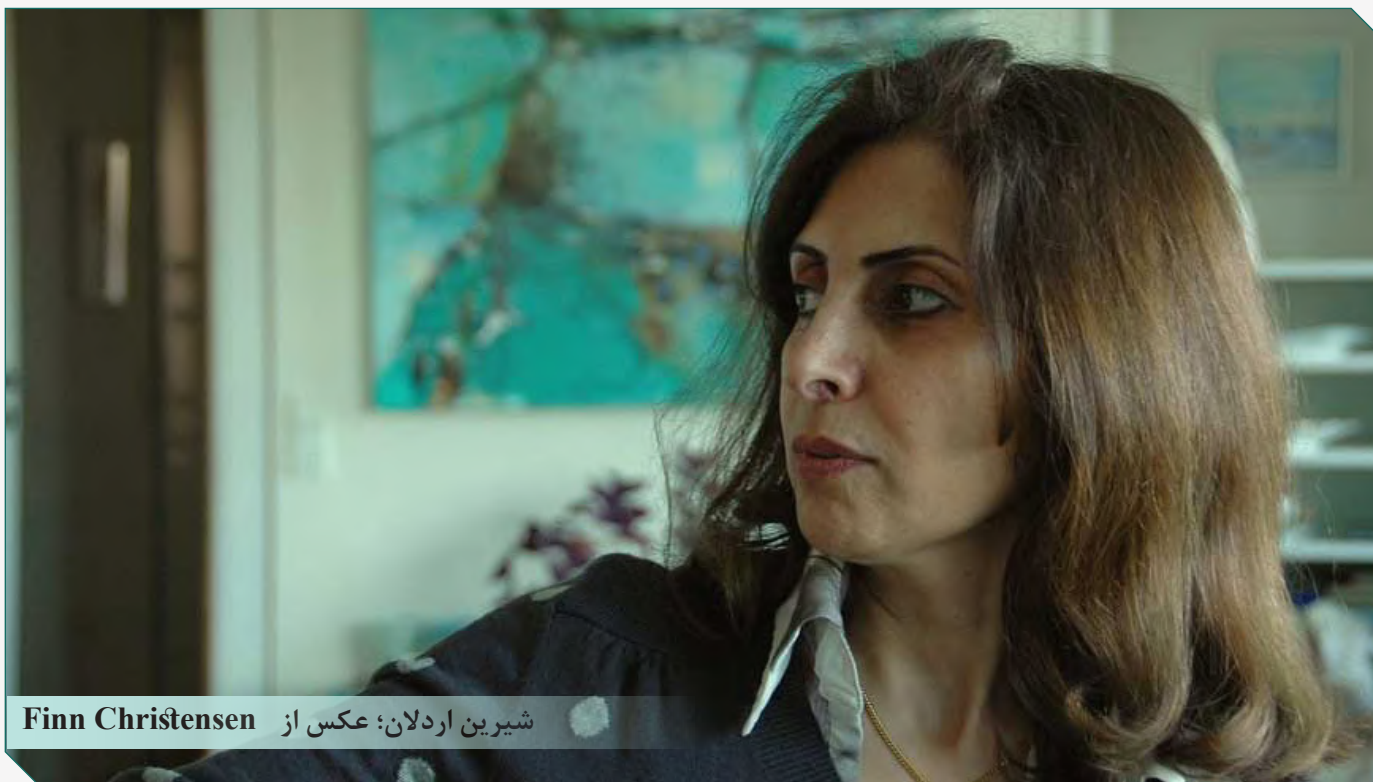
جمعه، ۱۳ بهمن ۱۳۵۷
(۲ فوریه ۱۹۷۹) (پاریس)
... صبح زود برای شنیدن اخبار بیدار شدم ... آقایان دکتر منتصری، احمد بنی‌احمد و مهندس رحمت‌الله مقدم مهمان شام بودند. به اتفاق، ورود آقای خمینی و رفتن ایشان را به بهشت زهرا و مراجعت با هلیکوپتر به شهر و جمعیت زیادی که با فریاد و جست و خیز روی اتومبیل و کامیون و غیره اظهار شغف می‌کردند، «در تلویزیون» نگاه کردیم. نطق آقای خمینی در بهشت زهرا حمله به شاه، دولت و مجلسین و غیرقانونی بودن همه این‌ها بود ... بنی‌احمد و مقدم به ایران مراجعت می‌کنند، ولی منتصری خواهد ماند. اخبار صبح را که شنیدم و تفسیر آقای سالبلیه در فرانس انتر خیلی خوش‌بینانه نبود. فعلاً آقای شاپور بختیار که قصد استعفا ندارد، قشون هم پشت سر دولت است و حافظ قانون اساسی. برگشتن شاه مقدر نیست و به تدریج فراموش می‌شود. شب را به گفته رادیو و تلویزیون، آقای خمینی در منزل یکی از دوستانش خواهد بود که محل آن را مخفی نگاه داشته‌اند. در ظرف دو روز آینده روشن می‌شود که آقای خمینی چه خواهد کرد و دولت بختیار چه عکس‌العملی نشان خواهد داد ...

شنبه، ۱۴ بهمن ۱۳۵۷
(۳ فوریه ۱۹۷۹) (پاریس)
... روزنامه‌های امروز اخبارشان بعد از مصاحبه مطبوعاتی آقای خمینی مساعدتر است. چون آقای خمینی در اعلان افراد کمیته انقلاب و دولت موقت چیزی نگفته و فشارش روی استعفای بختیار است و او هم محکم ایستاده و اطمینان به پشتیبانی قشون دارد. در عین حال مذاکراتی بین طرفداران خمینی و قشون وجود دارد که آیت‌الله در انتظار نتیجه آن است. تهدید به جهاد می‌کند، ولی تصور می‌کنم رفقای او در تهران تن به چنین عملی ندهند و از خونریزی تا حد امکان جلوگیری خواهند کرد. پشت پرده هم قطعاً آمریکایی‌ها اقداماتی می‌کنند که در عین پشتیبانی ضمنی از خمینی نگذارند برخوردی بین قشون و مردم بشود و تا حد امکان از کادر قانون اساسی خارج نشود. متأسفانه جاه‌طلب‌ها مثل سنجابی به جای این که رل اساسی در حفظ تمامیت کشور بازی کنند به دیوانگی افتاده‌اند و با این که در روزنامه‌ها صراحت دارد که دو ساعت او را پشت در نگاه داشته و راه نداده‌اند، به دنبال استفاده از قدرت آقای خمینی با بختیار مخالفت می‌کند.

فسوس از این که در کشور ما شخصیت وجود ندارد و افرادی مثل سنجابی با تمام تجربیات تلخ گذشته و اشتباهات، باز هم همان رویه را دنبال می‌کنند و احتمالاً کشور و خودشان را از بین خواهند برد، چنانچه همین کار را در اثر ندانم کاری با دکتر مصدق کردند. به هر حال امیدوارم که تندروی نشود و راه حل عادلانه‌ای در پیش بگیرند ...

ادامه در صفحه ۱۷

گفتگو با شیرین اردلان در مورد کمپین یک میلیون امضا؛ جوانه می‌زنم به روی زخم بر تنم



شیرین اردلان؛ عکس از Finn Christensen

کار به سوئد رفتیم. در این فاصله یکی دو بار برای دیدن بچه‌هایم به ایران رفتم که در سال ۹۰ هنگام ورود در فرودگاه، جلوی مرا گرفتند. یکی دو ساعت تمام وسایلم را گشتند، یک برگه دادند و گفتند: «هفته دیگه به ساختمان وزارت اطلاعات در پاسداران بیا». نزدیک دو سه ماه سفر من به سوئد با وقفه انجام شد چون در کش و قوس بازجویی بودم.»

سرود تغییر برای برابری

از او در مورد پشت صحنه شکل‌گیری سرود «تغییر برای برابری»، آخرین سرود کمپین جنبش زنان و شرایط اجرای آن در ایران می‌پرسم. می‌گوید: «هر بار که تظاهرات یا گردهمایی برگزار می‌شد یا سرود «بار دبستانی» را می‌خواندیم یا «ای ایران»، بچه‌های مرکز فرهنگی زنان هم سرود دیگری خوانده بودند اما این زمان نیازمند سرود جدیدی بودیم که یک حرکت و انگیزه‌ای ایجاد کند. از اردیبهشت ماه ۱۳۸۶ شروع کردیم برای پیدا کردن یک سرود تازه به مناسبت سالگرد تظاهرات ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ در این روز اولین تظاهرات زنان برگزار شد، ابتدا مجوز داشت ولی بعد مجوز آن را لغو کردند. برای اولین بار شاهد حضور پلیس‌های زن در آن تظاهرات بودیم که در میدان هفت تیر با پوشش به تظاهرکنندگان از اسب‌ری قفل و باتوم استفاده کردند. تصمیم گرفته بودیم که سالگرد آن روز دوباره به خیابان‌ها برویم و می‌دانستیم که مجوزی هم صادر نخواهد شد، این فکر پروین بود که سرودی برای آن روز داشته باشیم که وقتی به خیابان‌ها می‌رویم با هم بخوانیم.»

شعر را مازیار سمیعی سرود، پیانو هم توسط ثمنین بانچه‌بان اجرا شد. به دلیل ممنوع بودن تک‌خوانی زنان، قرار شد من و آزاده فرامرزها آن را بخوانیم که اگر پخش شد به تک‌خوانی صدای زن ایراد گرفته نشود. من و آزاده چند بار سرود را تمرین کردیم، روز ضبط، قرار شد به یک استودیو ضبط برویم، هر کدام از ما یک بخش از نشانی استودیو را دنبال کردیم، من کوچه، آزاده شماره و آن دیگری خیابانش را می‌دانست به این دلیل که حتی پای تلفن هم نمی‌توانستیم در این مورد حرف بزنیم. همه مکالمات ما شنود بود، ممکن بود اجازه ندهند این سرود به مرحله ضبط برسد.

مسئول ضبط گفته بود «بیا بید ببینم چه می‌خواهید ضبط کنید». مبلغی را هم به عنوان دستمزد خواسته بود، مثل گروه‌های پارتی‌زانی سه نفری یک‌دگرپا پست به پست دیدیم و از نشانی اولیه به خیابان دوم و از خیابان به کوچه و از کوچه به پلاک و بالاخره به طبقه دوم رفتیم. در آنجا مسئول استودیو ضبط گفت «چند خطاش رو بخونید ببینم چیه» من و آزاده دو خط از شعر را خواندیم. آن آقا پرسید: «این شعر برای چه گروهیه؟» گفتیم «برای زنان برابریخواه و هواداران کمپین یک میلیون امضا.»

همانوقت گفت: «صبر کنید صبر کنید» یک دفعه بلند شد، آنموقع، هوا هم گرم بود رفت و پنجره‌ها را بست و پرده‌ها را هم کشید و گفت: «حالا دوباره از اول بخونید.» وقتی خواندیم گفت: «باشه من این رو براتون ضبط می‌کنم. بعد از دوسه بار تمرین در استودیو سرود را ضبط کردیم، ساعت هشت شب، سرود حاضر بود، به ما یک سی دی داد. او قرار بود به ما یک فاکتور بدهد. پول نقد هم پرداختیم تا مشکل‌ساز نشود. یادم هست تخفیف زیادی به ما داد، شاید نصف قیمتی که از روز اول گفته بود، گفت: «این هم هدیه من به کمپین شما» خودش هم فریم کمپین یک میلیون امضا را امضا کرد. آن شب وقتی به آپارتمان ۴۰ متری پروین در میدان هفت تیر رفتیم بچه‌ها در آنجا جمع و در حال خواندن این سرود بودند، یک پیروزی بزرگ به دست آورده بودیم، سرود به سرعت برای همه جذابیت پیدا کرده بود. آن روز، این سرود در وبسایت «تغییر برای برابری» در سطح وسیعی بازپخش شد و میزان بازدیدکنندگان آن به سرعت بالا رفت.»

قبول کردم. قرار شد متن سخنرانی پروین ضبط شود و نسخه ضبط شده را به محل مراسم ببرم. پروین با خبرنگاران سوئدی تماس گرفت. به هتل آنها رفتیم. به دلیل مخالفت متصدی هتل برای رفتن به اتاق خبرنگارها مجبور شدیم در لابی هتل فیلمبرداری را انجام دهیم. اگر فیلم سخنرانی را در یوتیوب ببینید، متوجه صداهای اطراف و مثلا زنگ تلفن هتل می‌شوید.

دو روز بعد از ممنوع شدن خروج پروین از کشور، این بار با پرواز ایران‌ایر به استکهلم آمدم. وقتی به سوئد رسیدم سی دی فیلم سخنرانی پروین بلافاصله به دو زبان انگلیسی و سوئدی زیرنویس شد. سال قبل (۲۰۰۶) کوفی عنان جایزه اولاف پالمه را گرفته بود. به من گفتند که آن سال فقط ۱۰-۱۵ نفر در سالن حضور داشتند اما در راه ورود به سالن در خیابان‌های اطراف، ایرانیان و شهروندان سوئدی زیادی را دیدم که مشتاقانه این مراسم را دنبال می‌کردند.

آن روز همه فعالان حقوق زن، جرات و حرکتی تازه پیدا کردند، همان فیلم سخنرانی، صدای زنان ایران را به گوش تمام دنیا رساند. همه فهمیدند که زنان ایرانی چه می‌خواهند، شاید اگر دریافت آن جایزه به روال عادی به پروین داده می‌شد کمپین یکی میلیون امضا تا این حد در دنیا معرفی نمی‌شد. آن شب بود که کمپین یک میلیون امضا جهانی شد.»

بازجویی و اخراج از کار

شیرین اردلان پس از بازگشت به ایران از کارش اخراج شد. وی ادامه می‌دهد: «در بازجویی‌های پروین، عکس او را در کنار همسر اولاف پالمه نشان دادند و گفته بودند: «خودت نرفتی خواهرت رو فرستادی. حالا با جایزه‌ات چکار کردی؟» من آن زمان جایزه نقدی را نگرفتم. فقط لوح یادبود مراسم را گرفتم. به او گفته بودند: «به موقع به حساب خواهرت هم می‌رسیم.»

پیش از اینکه به ایران برگردم برایم ترک کار زده بودند، وقتی به دنبال بیمه‌ام رفتم گفتند: «می‌توانی اختیاری خودت را بیمه کنی ولی هیچ حقی نداری»، بعد از یک سال اینجا نیست، نیا ما خودمون باهات تماس می‌گیریم». آن زمان دوره دوم انتخابات حجت‌الاسلام محمد خاتمی بود، چند خبرنگار از تلویزیون سوئد برای تهیه گزارش از حال و هوای انتخابات به ایران آمده بودند، در این فاصله از طرف بنیاد پالمه با پروین تماس گرفته و گفتند اگر نیایی مجبور به لغو این برنامه هستیم و یا می‌توانی فرد دیگری را برای دریافت جایزه معرفی کنی. پروین گفت کمی زمان بدهید و مراسم را لغو نکنید شاید فکر دیگری کردیم. پروین از من خواست و من هم

او به اسفندماه ۱۳۸۶ و دشواری‌های حضور در مراسم جایزه اولاف پالمه نیز اشاره می‌کند: «به پروین گفته بودند که می‌تواند با یک همراه برود. از من خواست و قبول کردم. سفارت سوئد برای ما بلیت پرواز ایرفرانس گرفت، روی صندلی هواپیما نشستیم بودیم و کمربندها را بسته بودیم که یک دفعه صدایمان کردند، مامور امنیتی اجازه ورود به هواپیما نداشت و ما این موضوع را نمی‌دانستیم، بلند شدیم برویم که خلبان فرانسوی ایرفرانس جلو آمد و علت را پرسید. پروین توضیح داد که ژورنالیست است و برای دریافت جایزه بنیاد اولاف پالمه که امسال به خاطر فعالیت‌های فمینیستی‌اش به او تعلق گرفته به سوئد دعوت شده‌ایم. خلبان گفت: «بروید بنشینید». مامور امنیت پرواز همراه با دو مامور امنیتی دم در هواپیما ایستاده بودند. آنها به خلبان گفتند: «این خانم ممنوع‌الخروجه باید بیاید. خلبان پرسید چرا؟» گفتند: «پاسپورتش جعلیه!» خلبان پاسپورت پروین را گرفت، ورق زد و به مامور گیت پرواز که آنجا بود نشان داد. او گفت: «پاسپورت ایرادی ندارد، امضا و مهر ویزا دارد.» پاسپورت را گرفت و به پروین داد. با این وجود ماموران امنیتی می‌گفتند «ما حکم داریم». خلبان هم گفت: «بروید و حکم‌تان را بیاورید.» خدمه پرواز که خلبان را می‌شناختند به ما گفتند: «این خلبان اگر ۲۴ ساعت هم طول بکشد تا مشکل حل نشود هواپیما را از باند بلند نمی‌کند.» آنها به ما گفتند: «شما الان در خاک فرانسه هستید همینجا می‌توانید درخواست پناهندگی بدهید و می‌توانم ماموران نمی‌توانند شما را از پرواز بیرون کنند.» با این وجود پروین گفت: «من که کاری نکردم، اگر نمی‌گذارند نمی‌روم.» با پای خودش از هواپیما بیرون آمد، از خلبان تشکر کرد و از مسافران هم بابت تأخیر عذرخواهی کرد. با وجود اینکه مشکلی برای رفتن من وجود نداشت من هم همراه با پروین از هواپیما بیرون آمدم. آن روز، پاسپورت پروین را گرفتند برگره‌ای به او دادند و گفتند: «سه روز دیگه بیا و پاسپورتت را تحویل بگیر.» پیش از پایان سه روز به او زنگ زدند و گفتند: «پاس شما اینجا نیست، نیا ما خودمون باهات تماس می‌گیریم.» آن زمان دوره دوم انتخابات حجت‌الاسلام محمد خاتمی بود، چند خبرنگار از تلویزیون سوئد برای تهیه گزارش از حال و هوای انتخابات به ایران آمده بودند، در این فاصله از طرف بنیاد پالمه با پروین تماس گرفته و گفتند اگر نیایی مجبور به لغو این برنامه هستیم و یا می‌توانی فرد دیگری را برای دریافت جایزه معرفی کنی. پروین گفت کمی زمان بدهید و مراسم را لغو نکنید شاید فکر دیگری کردیم. پروین از من خواست و من هم

مهمانی، عروسی، هر جا که فکرش را بکنید اگر سه چهار تا خانم را دور هم می‌دیدیم می‌رفتیم و سر حرف را باز می‌کردیم: «راستی اینو شنیدی؟ از این کمپین خبر دارید؟ می‌خواهید یکی از یک میلیون امضاکننده این کمپین باشید که به مجلس میره؟» پس از پایان جنگ ایران و عراق، زنان بسیاری شهروندان را در جنگ از دست داده بودند و در شهرهای کوچک بر روی زمین‌های کشاورزی کار می‌کردند. ولی چون شوهر مرده بود برادر یا پدرشوهر یا حتی پسرانشان آنها را بیرون کرده بودند، آن زمان حتی از روی زمین هم به زن ارثی نمی‌رسید. یکی از قوانین مندرج در کتابچه هم قانون ارث و دیه و شهادت زنان بود که تأکید زیادی بر آن داشتیم. این بود که چرا زن نباید از شوهرش ارث ببرد؟ آن زمان این قانون در مجلس اصلاح شد و این مسئله موفقیت بزرگی در آن زمان برای ما محسوب می‌شد.»

«حجاب اجباری» و «حق انتخاب پوشش»

او با اشاره به اینکه در کتابچه‌های مورد نظر بحث «حق انتخاب پوشش» عنوان شده بود اما مشخصا به منع «حجاب اجباری» اشاره‌ای نشده بود توضیح می‌دهد: «یک سری از دوستان آن زمان ایراد گرفتند که چرا در این دفترچه‌ها به «حجاب» اشاره‌ای نکرده‌اید. آن زمان به «انتخاب پوشش» تأکید می‌کردیم. الان تعداد کسانی که به حجاب چادر اعتقاد دارند خیلی کمتر از آن زمان است، آن زمان نمی‌توانستیم به راحتی در مجلسی که ۱۰ نفرشان چادری هستند یا در مترو و دانشگاه برویم بگوییم «بیا این را امضا کن که از فردا روسری و چادر را از سر برداریم!» یادم هست با خاتمی در این مورد حرف زدم گفت: «من با برادرم راحت نیستم که پام بی‌جوراب باشه حالا بیام تو خیابون روسری رو بردارم!» آن زمان شرایط خیلی سخت بود؛ حالا به همت نسل جدید یک مقدار حرف زدن راجع به این موضوع آسانتر شده است.»

دستگیری فعالان حقوق زنان و جایزه اولاف پالمه

در جریان جمع‌آوری امضا برای کمپین یک میلیون امضا تعداد زیادی از فعالان جنبش زنان بازداشت و روانه زندان شدند. شیرین اردلان در این مورد می‌گوید: «بچه‌های ما بارها موقع اطلاع‌رسانی در جاهایی مثل مترو یا دانشگاه بازداشت شدند. تعدادی از آنها هم در تظاهرات دستگیر شدند، حاکمیت، آن زمان شایع کرده بود که اینان خواستار بی بند و باری و آزادی‌های دوره گذشته هستند. وقتی به خانه خواهر من حمله کرده بودند به همسایه‌ها گفته بودند اینجا مرکز گلدکوئیست است، کسانی که نمی‌دانستند هم باور می‌کردند.»

خود نیز برای جمع‌آوری امضا کمک می‌کردند.»

او به گفتگوهای رودرو با گروه‌های مختلف زنان و شهروندان برای آگاه کردن آنها با تبعیض‌های قانونی اشاره می‌کند: «یادم هست خاتمی بود که حجاب سفت و سختی داشت، از او پرسیدیم: «تو می‌خواهی این حجاب را داشته باشی؟» می‌گفت: «آره انتخاب خودمه، دوست دارم.» وقتی از او پرسیدیم: «دوست داری شوهرت یک زن دیگه بگیره؟» گفت: «نه» گفتیم: «در این دفترچه هم همین‌ها نوشته شده. آن را بخوان و اگر با ازدواج مجدد مردان مخالفی، اگر نمی‌خواهی بعد از طلاق فرزندت را از تو بگیرند، اگر می‌خواهی تو هم به اندازه برادر، شوهر و مردان خانواده‌ات حق نظر و انتخاب داشته باشی، اگر می‌خواهی ارثت با برادرت یکی باشه، اگر می‌خواهی بعد از طلاق بچه‌ات را نزد خودت نگه داری بیا این برگه را امضا کن.»

البته که میزان سواد و تحصیلات زنان در پیشبرد کار ما بی‌تأثیر نبود اما من زن بی‌سواد نانوائی را دیدم که در کنار تنور نانوائی به سخنان ما گوش داد و پس از چند پرسش کوتاه فرم را امضا کرد و گفت نمی‌خواهم دخترانم هم به سرنوشت من دچار شوند. گاهی پیش می‌آمد که در یک جمع ۵ نفره قوانین را توضیح می‌دادیم شاید یک نفر از آنها امضا می‌کرد ولی ۵ نفر را آگاه کرده بودیم و این مهم بود. هرچند هیچوقت نتوانستیم به آن حد نصایب که می‌خواستیم برسیم.

البته بسیاری از زنان باسواد هم بودند که امضا نمی‌کردند. من با زنی صحبت کردم که باسواد بود وقتی قوانین را برایش توضیح دادم گفت: «قانون خداست، شوهر من خونه داره، ماشین داره، خب بره یک زن دیگه هم بگیره چه اشکالی داره!»

از شیرین اردلان می‌پرسم آیا آمار مشخصی از تعداد امضاهای جمع‌آوری در دست است؟ می‌گوید: «نتوانستیم یک آمار مشخص و دقیقی از امضاکنندگان جمع‌آوری کنیم چون بخش بزرگی از برگه‌های امضا شده در یورش‌هایی که به خانه‌های ما شد از بین رفت، خودمان هم بعد از آمارگیری بخشی از این برگه‌ها را نابود کردیم که به دست کسی نیافتند. بنابراین آمار میانگینی از تعداد امضاهای جمع‌آوری شده در دست نداریم. ولی برای خیلی‌ها توضیح دادیم، بسیاری از زنان آشنا شدند شاید بتوان گفت حدود ۶۰۰ هزار امضا جمع کردیم. اما اطلاع‌رسانی بالای یک میلیون امضا بود.»

می‌پرسم این اطلاع‌رسانی‌ها چگونه رودرو انجام می‌شد؟ می‌خندد و ادامه می‌دهد: «کوچه به کوچه، کوه به کوه، همه در کیف‌هایمان دفترچه فرم‌ها را داشتیم، در اتوبوس، پارک،

«نتوانستیم

آمار مشخص و دقیقی از امضاکنندگان جمع‌آوری کنیم چون بخش بزرگی از برگه‌های امضا شده در یورش‌هایی که به خانه‌های ما شد از بین رفت و خودمان هم بعد از آمارگیری بخشی از این برگه‌ها را نابود کردیم که به دست کسی نیافتند.»

«بچه‌های ما بارها موقع اطلاع‌رسانی در جاهایی مثل مترو یا دانشگاه بازداشت شدند. تعدادی از آنها هم در تظاهرات دستگیر شدند. حاکمیت آن زمان شایع کرده بود که اینان خواستار بی‌بند و باری و آزادی‌های دوره گذشته هستند.»

فیروزه رمضان‌زاده - شیرین اردلان یکی از فعالین «کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان» در ایران بوده است. او از تلاش‌های خود و خواهرش پروین اردلان برای جنبش برابری‌خواهانه و دستیابی به مطالبات زنان می‌گوید. او فعالیت خود را از زمان شکل‌گیری مرکز فرهنگی زنان و آشنایی با دیگر فعالان جنبش زنان آغاز و با انتشار مطالب و چند داستان کوتاه در بولتن داخلی مرکز فرهنگی زنان و بعدها در وبسایت «تغییر برای برابری» ادامه داد.

با تشکیل کمپین یک میلیون امضا برای آگاه‌سازی زنان در مورد قوانین تبعیض‌آمیز در تهران و دیگر شهرهای ایران از اعضای فعال کمپین بود. او همچنین در کنار آزاده فرامرز، سرود «تغییر برای برابری» آخرین سرود کمپین یک میلیون امضا را در تهران اجرا کرد.

شیرین اردلان برای شرکت در مراسم دریافت جایزه بنیاد اولاف پالمه در سال ۲۰۰۸ بجای خواهرش پروین که هنگام سفر در فرودگاه توسط نیروهای امنیتی ایران از سفر بازمانده بود به سوئد رفت. وی پس از بازگشت به ایران کار خود را پس از ۱۲ سال سابقه در حوزه طراحی داخلی ساختمان از دست داد. سه سال بعد در سال ۲۰۱۱ با ویزای کار به سوئد رفت. شیرین اردلان در این کشور با تمرکز بر حوزه مشکلات زنان مهاجر و پناهجویان به ویژه پناهجویان افغان در ساخت چند فیلم مستند با موضوع مهاجران مشارکت داشته است.

آشنایی با قوانین تبعیض‌آمیز و گفتگوی رو در رو با زنان

شیرین اردلان از تجربیاتش در حوزه جنبش زنان و فعالیت در کمپین یک میلیون امضا به کیهان لندن می‌گوید: «وقتی با کمپین یک میلیون امضا آشنا شدم و کتابچه آشنایی با قوانین تبعیض‌آمیز را خواندم، فرم درخواست تغییر قوانین را امضا کردم. شیوه کار به این صورت بود که از علاقمند می‌شدی می‌توانستی بلافاصله چند کتابچه و فرم امضا را بگیری و تو نیز جمع‌آوری امضا را شروع کنی. هر کس علاوه بر اینکه مواد مندرج در کتابچه را می‌خواند و فرم را امضا می‌کرد خودش هم می‌توانست به آگاهی‌دهی و تبلیغ و جمع‌آوری امضا بپردازد. یکی از بزرگترین موفقیت‌های کمپین نه جمع‌آوری امضا بلکه آگاهی دادن در مورد قوانین بود. معمولا از علاقمندان می‌خواستیم که ابتدا جمع‌آوری امضا را از خانه و اعضای خانواده خود شروع کنند. برای این کار هم فقط به تهران و شهرهای بزرگ اکتفا نکردیم، به برخی از شهرهای کوچک کردنشین مثل مریوان و قروه رفتیم. خیلی از آنها با کمپین آشنا بودند. همینطور در شهرهای بزرگتر مانند کرج، رشت، گرگان، زنجان، اصفهان، سنجند و ... گروه‌های بسیار فعالی داشتیم که به جمع‌آوری امضا مشغول بودند. هر جا می‌رفتیم کسی را می‌دیدیم که از کمپین یک میلیون امضا چیزی شنیده و یا حتی قبلا فرم آن را دیده و امضا کرده بود. بسیاری از امضاکنندگان

● **گرانی و رکود جان بازاری ها و کسبه و فروشندگان جزء را نیز به لب رسانده است.**
● **آغاز اعتراضات در بازار که تا کنون صبوری می کرده اند حاکی از حد شدن شرایط اقتصادی است.**

● **بازاریان بطور دائم تاکید می کنند که اهل تخریب و توهین نیستند، نباید به اموال کسی آسیب وارد شود و به یکدیگر توصیه می کنند مراقب عناصر مشکوک و نفوذی از هر قماش باشند.**

صدها نفر از کسبه و حجره داران بازار بزرگ تهران در اعتراض به گرانی، کساد بازار، رکود و قیمت سرسام آور دلار صبح روز دوشنبه، چهارم تیر، کرکرها را پایین کشیده و مغازه ها و پاساژها را بستند و دست به اعتراض زدند.

تظاهرات گسترده بازار تهران چهارم تیر در این تظاهرات از طلا فروش ها و راسته کفاشان تا بازار پارچه فروشان و پوشاک شرکت دارند. کسبه پانچران و چهارسوق سلطانی، سرای ملی، سبزه میدان و گلوبندک حتی کارگران و چرخ های هم به این اعتراض پیوسته و با شعار «بازاری با غیرت، حمایت حمایت» از بقیه می خواهند که به تظاهرات بپیوندند. چند افسر و سرباز نیروی انتظامی که از صبح در کوچه های بازار گشت می زدند تلاش کردند اوضاع را آرام کنند و مانع از تجمع شوند اما تعداد بازاریان معترض آنقدر زیاد است که آنها کنار زده شدند. معترضان شعار می دادند «نیروی انتظامی حمایت شده اند».

حوالی ساعت ۱۰:۳۰ صبح به وقت تهران گزارش شد لباس شخصی ها و بسیجی ها بی سیم به دست حول و حوش بازار مستقر شده اند.

پیوستن بازاری ها به اعتراضات از یک سو عمق بحران در اقتصاد و ناتوانی جمهوری اسلامی در مدیریت اوضاع را اثبات می کند و از سوی دیگر بازتاب خستگی مردم از شرایط دشواری است که به دلیل سیاست های ناکارآمد و ضد اقتصادی جمهوری اسلامی در آن گرفتار آمده و می بینند به جای افزایش درآمد و سود و رفاه و امنیت، سرمایه های حتی اندکشان نیز بر باد می رود.

در پی نوسان شدید و بی ثبات بازار ارز و اعتراضات روزهای اخیر، ظاهرا بازاری ها عزم خود را جزم کرده اند تا صدای نارضایتی عمیق خود را به گوش مسئولان نظام برسانند. آنها در شرایطی بسر می برند که باز و بسته بودن مغازه ها و محل کسب و کارشان دیگر فرقی برای آنها ندارد. معترضان در بازار همچنین شعار می دهند «ترسید نترسید، ما همه با هم هستیم».

در کانال ها و گروه های تلگرامی صنفی از جمله گروه «اعتراض مدنی بازار» که کسبه و فعالین بازاری از مدت ها پیش راه انداخته اند، اعتصاب و اعتراض و حتی شعارها خودجوش هماهنگ می شود. آنها در این گروه ها نظرات خود را اعلام می کنند و پس از رسیدن به جمع بندی، همان را پیاده می کنند، بدون آنکه از جایی خط بگیرند یا کسی آنها را رهبری کند. درک عمومی و درد مشترک سبب و منافع آنها مهمترین عامل هماهنگی آنها در اعتراضات است.

گروهی از جمعیت در نقاط مختلف گرد آمده و پلیس ضد شورش از خیابان ری، بوذرجمهری تا شوش مستقر شده اما بافت محلی بازار هنوز اجازه نداده آنها وارد عمل شوند.

بازاریان بطور دائم تاکید می کنند اهل تخریب و توهین نیستند، نباید به اموال کسی آسیب وارد شود و به یکدیگر توصیه می کنند مراقب عناصر مشکوک و نفوذی از هر قماش باشند. حوالی ساعت ۱۲:۳۰ گزارش شد که بسیجی ها و حزب اللهی ها در ناصر خسرو کسبه معترض را مورد ضرب و جرح قرار داده اند. همچنین خبر رسید که فروشندگان لوازم برقی لاله زار و بلور فروش های میدان شوش نیز به تظاهرات بازاریان پیوسته اند.

● **دومین روز اعتصاب در بازار تهران: بازاریان دیگر شهرها به اعتراض ها می پیوندند**

● **در حالی که حزب اللهی ها ادعا می کنند همه چیز آرام است و اصلاح طلبان**

اعتصاب و تظاهرات گسترده در بازار بزرگ تهران: حمله حزب اللهی ها و پلیس به مردم



بدامچیان نایب رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی خطاب به حسن روحانی گفته تا قبل از اینکه دیر شود فکری نکند! همه اینها در حالیست که نهادهای به اصطلاح «انتخابی» در جمهوری اسلامی حتی اگر هم بخواهند، اختیار و قدرت و امکانات لازم را برای حل مشکلات انباشته شده ندارند به ویژه در شرایطی که مردم بیش از پیش از نظام و همه ی خط و جناح های آن فاصله می گیرند. آخرین گزارش ها از تهران حاکی از آن است که کسبه در لاله زار، چراغ برق،

کشدین ترمز اعتصابات دست به دامان دروغ پردازی شده و در گزارشی میدانی خبر داده است که بازار تهران دوباره به جریان افتاده اما تصویری از زمستان را در کنار این خبر منتشر کرده که مردم با کاپشن و پالتو در حال رفت و آمد در محدوده بازار دیده می شوند. این عکس به سوز کاربران در فضای مجازی تبدیل شده است.

همزمان حسن روحانی در همایش سراسری قوه قضاییه با اشاره به اینکه عده ای درباره نظام سیاه نمایی می کنند تا مردم را از آینده ناامید کنند گفته «هیچ



تا ظهر دوشنبه تقریباً تمام بازار تعطیل شد

بدمچیان نایب رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی خطاب به حسن روحانی گفته تا قبل از اینکه دیر شود فکری نکند! همه اینها در حالیست که نهادهای به اصطلاح «انتخابی» در جمهوری اسلامی حتی اگر هم بخواهند، اختیار و قدرت و امکانات لازم را برای حل مشکلات انباشته شده ندارند به ویژه در شرایطی که مردم بیش از پیش از نظام و همه ی خط و جناح های آن فاصله می گیرند. آخرین گزارش ها از تهران حاکی از آن است که کسبه در لاله زار، چراغ برق،

کمیود ملموس فیزیکی در زمینه کالاها یا ارز و ریال نداریم و اطمینان می دهیم مردم در نیامندی های روزانه مشکلی نخواهند داشت (...). متأسفانه عده ای افراد ناآگاه همراه دشمن شده و چند درصد نگرانی جزئی را به یک نگرانی کلی و گاه حتی صد در صدی تبدیل می کنند». این سطح از انکار واقعیت از سوی رئیس قوه مجریه و رئیس «شورای عالی امنیت ملی» بسیار عجیب به نظر می رسد.

کریمی اصفهانی دبیر کل جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار روز گذشته مدعی شد که از نیروی انتظامی جلوگیری کنند. مردم شعارهای مختلف سر می دهند از جمله «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران»، «ایران شده فلسطین مردم چرا نشستین»، «سوریه رو رها کنید فکری به حال ما کنید» و «نیروی انتظامی حمایت حمایت». در بعضی محله ها گزارش هایی از درگیری پراکنده بین مردم و نیروی انتظامی می رسد.

همه انگلی برای اعتصابات امروز از دیشب صورت گرفت و در گروه های تلگرامی که گروهی از بازاری ها امین آنها هستند اعلام شد که کسبه مغازه ها را باز نمی کنند. از بازار کفاش ها و طلا فروشان گرفته تا سرای ملی، بازار بین الحرمین، گذر لوطی صالح و بازار مروی همه اعتصاب کرده اند و از تعدادی هم که کرکرها را نیمه باز گذاشته بودند، خواسته شد مغازه ها را تعطیل کنند. واکنش حکومتی ها به تظاهرات دیروز و امروز دو محور دارد. اصولگرایان و دلوایسان چنین القا می کنند که همه چیز عادی و آرام و شرایط تحت کنترل است و طبق معمول ادعا می شود گروهی اندک وابسته به ضد انقلاب در بازار اخلاص کرده و بازداشت شده اند. اصلاح طلبان و فعالین ملی- مذهبی و اغلب روزنامه نگاران و فعالین سیاسی نزدیک به این جناح ادعا می کنند که این اعتراضات، پیش درآمد کودتای سپاه برای پایین کشیدن دولت حسن روحانی و استقرار یک دولت نظامی است. خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه برای

بدمچیان نایب رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی خطاب به حسن روحانی گفته تا قبل از اینکه دیر شود فکری نکند! همه اینها در حالیست که نهادهای به اصطلاح «انتخابی» در جمهوری اسلامی حتی اگر هم بخواهند، اختیار و قدرت و امکانات لازم را برای حل مشکلات انباشته شده ندارند به ویژه در شرایطی که مردم بیش از پیش از نظام و همه ی خط و جناح های آن فاصله می گیرند. آخرین گزارش ها از تهران حاکی از آن است که کسبه در لاله زار، چراغ برق،

کمیود ملموس فیزیکی در زمینه کالاها یا ارز و ریال نداریم و اطمینان می دهیم مردم در نیامندی های روزانه مشکلی نخواهند داشت (...). متأسفانه عده ای افراد ناآگاه همراه دشمن شده و چند درصد نگرانی جزئی را به یک نگرانی کلی و گاه حتی صد در صدی تبدیل می کنند». این سطح از انکار واقعیت از سوی رئیس قوه مجریه و رئیس «شورای عالی امنیت ملی» بسیار عجیب به نظر می رسد.

کریمی اصفهانی دبیر کل جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار روز گذشته مدعی شد که از نیروی انتظامی جلوگیری کنند. مردم شعارهای مختلف سر می دهند از جمله «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران»، «ایران شده فلسطین مردم چرا نشستین»، «سوریه رو رها کنید فکری به حال ما کنید» و «نیروی انتظامی حمایت حمایت». در بعضی محله ها گزارش هایی از درگیری پراکنده بین مردم و نیروی انتظامی می رسد.

همه انگلی برای اعتصابات امروز از دیشب صورت گرفت و در گروه های تلگرامی که گروهی از بازاری ها امین آنها هستند اعلام شد که کسبه مغازه ها را باز نمی کنند. از بازار کفاش ها و طلا فروشان گرفته تا سرای ملی، بازار بین الحرمین، گذر لوطی صالح و بازار مروی همه اعتصاب کرده اند و از تعدادی هم که کرکرها را نیمه باز گذاشته بودند، خواسته شد مغازه ها را تعطیل کنند. واکنش حکومتی ها به تظاهرات دیروز و امروز دو محور دارد. اصولگرایان و دلوایسان چنین القا می کنند که همه چیز عادی و آرام و شرایط تحت کنترل است و طبق معمول ادعا می شود گروهی اندک وابسته به ضد انقلاب در بازار اخلاص کرده و بازداشت شده اند. اصلاح طلبان و فعالین ملی- مذهبی و اغلب روزنامه نگاران و فعالین سیاسی نزدیک به این جناح ادعا می کنند که این اعتراضات، پیش درآمد کودتای سپاه برای پایین کشیدن دولت حسن روحانی و استقرار یک دولت نظامی است. خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه برای

بدمچیان نایب رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی خطاب به حسن روحانی گفته تا قبل از اینکه دیر شود فکری نکند! همه اینها در حالیست که نهادهای به اصطلاح «انتخابی» در جمهوری اسلامی حتی اگر هم بخواهند، اختیار و قدرت و امکانات لازم را برای حل مشکلات انباشته شده ندارند به ویژه در شرایطی که مردم بیش از پیش از نظام و همه ی خط و جناح های آن فاصله می گیرند. آخرین گزارش ها از تهران حاکی از آن است که کسبه در لاله زار، چراغ برق،

کمیود ملموس فیزیکی در زمینه کالاها یا ارز و ریال نداریم و اطمینان می دهیم مردم در نیامندی های روزانه مشکلی نخواهند داشت (...). متأسفانه عده ای افراد ناآگاه همراه دشمن شده و چند درصد نگرانی جزئی را به یک نگرانی کلی و گاه حتی صد در صدی تبدیل می کنند». این سطح از انکار واقعیت از سوی رئیس قوه مجریه و رئیس «شورای عالی امنیت ملی» بسیار عجیب به نظر می رسد.

کریمی اصفهانی دبیر کل جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار روز گذشته مدعی شد که از نیروی انتظامی جلوگیری کنند. مردم شعارهای مختلف سر می دهند از جمله «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران»، «ایران شده فلسطین مردم چرا نشستین»، «سوریه رو رها کنید فکری به حال ما کنید» و «نیروی انتظامی حمایت حمایت». در بعضی محله ها گزارش هایی از درگیری پراکنده بین مردم و نیروی انتظامی می رسد.

همه انگلی برای اعتصابات امروز از دیشب صورت گرفت و در گروه های تلگرامی که گروهی از بازاری ها امین آنها هستند اعلام شد که کسبه مغازه ها را باز نمی کنند. از بازار کفاش ها و طلا فروشان گرفته تا سرای ملی، بازار بین الحرمین، گذر لوطی صالح و بازار مروی همه اعتصاب کرده اند و از تعدادی هم که کرکرها را نیمه باز گذاشته بودند، خواسته شد مغازه ها را تعطیل کنند. واکنش حکومتی ها به تظاهرات دیروز و امروز دو محور دارد. اصولگرایان و دلوایسان چنین القا می کنند که همه چیز عادی و آرام و شرایط تحت کنترل است و طبق معمول ادعا می شود گروهی اندک وابسته به ضد انقلاب در بازار اخلاص کرده و بازداشت شده اند. اصلاح طلبان و فعالین ملی- مذهبی و اغلب روزنامه نگاران و فعالین سیاسی نزدیک به این جناح ادعا می کنند که این اعتراضات، پیش درآمد کودتای سپاه برای پایین کشیدن دولت حسن روحانی و استقرار یک دولت نظامی است. خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه برای

بدمچیان نایب رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی خطاب به حسن روحانی گفته تا قبل از اینکه دیر شود فکری نکند! همه اینها در حالیست که نهادهای به اصطلاح «انتخابی» در جمهوری اسلامی حتی اگر هم بخواهند، اختیار و قدرت و امکانات لازم را برای حل مشکلات انباشته شده ندارند به ویژه در شرایطی که مردم بیش از پیش از نظام و همه ی خط و جناح های آن فاصله می گیرند. آخرین گزارش ها از تهران حاکی از آن است که کسبه در لاله زار، چراغ برق،

کمیود ملموس فیزیکی در زمینه کالاها یا ارز و ریال نداریم و اطمینان می دهیم مردم در نیامندی های روزانه مشکلی نخواهند داشت (...). متأسفانه عده ای افراد ناآگاه همراه دشمن شده و چند درصد نگرانی جزئی را به یک نگرانی کلی و گاه حتی صد در صدی تبدیل می کنند». این سطح از انکار واقعیت از سوی رئیس قوه مجریه و رئیس «شورای عالی امنیت ملی» بسیار عجیب به نظر می رسد.

کریمی اصفهانی دبیر کل جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار روز گذشته مدعی شد که از نیروی انتظامی جلوگیری کنند. مردم شعارهای مختلف سر می دهند از جمله «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران»، «ایران شده فلسطین مردم چرا نشستین»، «سوریه رو رها کنید فکری به حال ما کنید» و «نیروی انتظامی حمایت حمایت». در بعضی محله ها گزارش هایی از درگیری پراکنده بین مردم و نیروی انتظامی می رسد.

همه انگلی برای اعتصابات امروز از دیشب صورت گرفت و در گروه های تلگرامی که گروهی از بازاری ها امین آنها هستند اعلام شد که کسبه مغازه ها را باز نمی کنند. از بازار کفاش ها و طلا فروشان گرفته تا سرای ملی، بازار بین الحرمین، گذر لوطی صالح و بازار مروی همه اعتصاب کرده اند و از تعدادی هم که کرکرها را نیمه باز گذاشته بودند، خواسته شد مغازه ها را تعطیل کنند. واکنش حکومتی ها به تظاهرات دیروز و امروز دو محور دارد. اصولگرایان و دلوایسان چنین القا می کنند که همه چیز عادی و آرام و شرایط تحت کنترل است و طبق معمول ادعا می شود گروهی اندک وابسته به ضد انقلاب در بازار اخلاص کرده و بازداشت شده اند. اصلاح طلبان و فعالین ملی- مذهبی و اغلب روزنامه نگاران و فعالین سیاسی نزدیک به این جناح ادعا می کنند که این اعتراضات، پیش درآمد کودتای سپاه برای پایین کشیدن دولت حسن روحانی و استقرار یک دولت نظامی است. خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه برای

بدمچیان نایب رئیس شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی خطاب به حسن روحانی گفته تا قبل از اینکه دیر شود فکری نکند! همه اینها در حالیست که نهادهای به اصطلاح «انتخابی» در جمهوری اسلامی حتی اگر هم بخواهند، اختیار و قدرت و امکانات لازم را برای حل مشکلات انباشته شده ندارند به ویژه در شرایطی که مردم بیش از پیش از نظام و همه ی خط و جناح های آن فاصله می گیرند. آخرین گزارش ها از تهران حاکی از آن است که کسبه در لاله زار، چراغ برق،

کمیود ملموس فیزیکی در زمینه کالاها یا ارز و ریال نداریم و اطمینان می دهیم مردم در نیامندی های روزانه مشکلی نخواهند داشت (...). متأسفانه عده ای افراد ناآگاه همراه دشمن شده و چند درصد نگرانی جزئی را به یک نگرانی کلی و گاه حتی صد در صدی تبدیل می کنند». این سطح از انکار واقعیت از سوی رئیس قوه مجریه و رئیس «شورای عالی امنیت ملی» بسیار عجیب به نظر می رسد.

جمله نهادهای نظامی به دنبال تخریب دولت باشد و بتواند این مسائل را به وجود آورد به نظر من کاملاً واهی است زیرا اگر دولت آسیب ببیند، نظام صدمه می خورد، بحث معیشت، گرسنگی و پارهنگی مردم، کلیت نظام را تهدید می کند. اگر به شعارهایی که مردم در روزهای گذشته یا در دی ماه، فریاد می زدند دقت کنید می بینید که علیه دولت نیست و اصل نظام را مخاطب قرار داده اند! به این ترتیب هنوز جای امیدواری هست که اصلاح طلبانی که خود را به خواب زده اند و فکر می کنند مردم بیکار هستند که کار و مغازه خود را ول کنند تا علیه دولت هیچکاری روحانی «توطئه» بکنند، سرانجام چشمان خود را باز کنند و با انکار واقعیت خود را مسخری خاص و عام و همچنین تاریخ نکنند.

در این میان، نظام نیز برای آرام کردن اوضاع به تکاپو افتاده است. خبرگزاری تسنیم که در روزهای گذشته به فراوانی اخبار دروغ از پایان یافتن اعتصاب ها منتشر کرده نوشته است که رؤسای ۱۱ اتحادیه صنفی صبح چهارشنبه عازم سبزه میدان تهران شدند تا با حضور در جمع بازاریان درباره حل و فصل مشکلات اخیر با آنها مذاکره کنند! این شد و در نهایت به تمام بازار بزرگ تهران و اطراف آن رسید.

در دیگر استان ها نیز وضعیت کم و بیش به همین ترتیب است و اعتصاب در شهرهای بزرگ از بازارهای سنتی شروع شده و به تدریج شهرهای کوچک را در بر می گیرد اما هنوز اعتراض های خیابانی مانند تهران نیست. همزمان در بعضی از شهرها مثل اراک اگر چه خبری از اعتصاب در بازار نرسید اما گزارش شد که در دو روز گذشته مردم در خیابان دست به اعتراض علیه شرایط موجود زدند و با پلیس ضدشورش درگیر شدند. به دستور امنیتی ها ایستگاه مترو ملت (حوالی بهارستان) به دلیل اعتراضات بازار تا اطلاع ثانوی تعطیل اعلام شده است.

در خیابان لاله زار و سعدی که بورس لوازم الکتریکی و برقی و لوستر فروشی است و در بازار ژنراتور و موتور برق، کسبه مغازه ها و پاساژها را تعطیل کرده و دست به تظاهرات زدند. پلیس گاز اشک آور شلیک کرده و معترضان سطل های زباله را آتش زده اند و درگیری با نیروهای امنیتی در بعضی کوچه ها تن به تن شده است. کوچه های باریک و آشنایی کسبه با محل باعث شده دست بالا در درگیری ها با مردم باشد چون ماشین های ضدشورش قادر به رفت و آمد در بافت سنتی این منطقه نیستند.

در بازار سلطانی، سرای ملی، مشیر خولت، معظم الدوله، بازار کفاش ها و طلا فروش ها نیز مردم دست به اعتراض زدند و شعار داده اند و بارها در همین محدوده درگیری شده است.

ده ها فیلم منتشر شده که نشان می دهد پلیس ضدشورش و نیروهای امنیتی با باتوم و سنگ اموال مردم را تخریب می کنند و فیلم می گیرند تا در رسانه های حکومتی اعلام شود که کار معترضان است. حال آنکه مردم نیز از تخریب نیروهای تا دندان مسلح رژیم عکس و فیلم گرفته و منتشر می کنند تا نشان دهند که خود مأموران رژیم اقدام به تخریب اموال شخصی و عمومی مردم می کنند.

مسئولان و رسانه های جمهوری اسلامی چه می گویند؟
حسام الدین آشنا مشاور فرهنگی حسن روحانی یکی از چهره های امنیتی نظام در توییتش نوشته «هسته اصلی اغتشاش در پاساژ علاءالدین و بازار یکی بود. عناصر دست سوم در تور افتاده اند.» او تهدید کرده «عاملان و آمران در لیست انتظارند. خیرهایی در راه است!» این افراد، تلاش می کنند نارضایتی مردم و اعتراضات آنها را به جناح رقیب نسبت دهند و با خیال آسوده تهدید به سرکوب معترضان می کنند.

همچنین اصلاح طلبان نیز که ظاهراً هنوز به جمع بندی نرسیده اند که این اعتراضات را به کجا وصل کنند ادعا می کنند اعتراضات را سپاه و اصولگرایان به راه انداخته اند تا دولت را زمین بزنند، اما در بین آنها چهره هایی هستند که به نظر می رسد عمق بحران را به تدریج درک می کنند.

اسماعیل گرامی مقدم از اعضای حزب اعتماد ملی در مصاحبه با روزنامه بهار گفته «من نمی توانم قبول کنم که می گویند برخی برای زمینگیر کردن دولت این مسائل را به وجود آورده اند [...] اینکه نهادهای اساسی نظام از

نامه ۱۸ شخصیت زن ایرانی به فیفا: جمهوری اسلامی به ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه‌ها پایان دهد



۱۸ چهره‌ی شناخته‌شده‌ی ایرانی در عرصه بین‌المللی

● «چنین بی‌عدالتی عمیقی پایدار نمی‌ماند.»
● «به عنوان زنان ایرانی، ما از تیم ملی حمایت می‌کنیم، اما فراموش نمی‌کنیم چه کسانی نمی‌توانند در بازی‌های آنان شرکت کنند و یا برای تماشای بازی‌های آنها در ایران دستگیر و آزار و اذیت شده‌اند.»
● «ما از فیفا می‌خواهیم که یکپارچگی و رفتار درستی نشان دهد و بر اصول اساسی خود ایستادگی کند. از فیفا می‌خواهیم در خواست ممنوعیت حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی را لغو کند.»

صورت مردانه تلاش کرده‌اند. هر سال چندین زن به دلیل آنکه به صورت مبدل برای ورود به ورزشگاه‌ها اقدام کرده‌اند، توسط نیروهای امنیتی دستگیر و یا از استادیوم‌ها به بیرون رانده شده‌اند. آنها همچنین باید سفر صدها تن از زنان ایرانی را که برای تماشای بازی‌های جام جهانی به روسیه سفر کرده‌اند، مشاهده کنند. فوتبال یک علاقه ملی در ایران است. تصاویر زنان و مردان ایرانی که در روسیه و در کنار هم، در کنار هزاران تن دیگر از زنان و مردان ایرانی که از کشورهای دیگر جهان به این کشور سفر کرده‌اند و بازی‌های را تماشا می‌کنند و به تشویق تیم ملی خود می‌پردازند، در شبکه‌های اجتماعی در ایران به صورتی گسترده منتشر شده است. ۱۸ تن از زنان شناخته‌شده‌ی ایرانی، درباره قطع ارتباط بین مردم و حکومت نوشته‌اند: «قطع ارتباط بین مردم و حکومت خیره‌کننده است: ایران فرهنگ جشن و شادمانی است؛ حتی با آنکه مردم با مشکلات سیاسی و اقتصادی جدی روبرو هستند، آنها با تماشای تیم خود شادمان هستند. همزمان با آنکه ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی با نوشته‌های خود، چنین تصویری را تحسین می‌کنند، و از هیجان بازی‌ها و انتشار احساساتشان از این شادی و تشویق‌ها لذت می‌برند («آرزوی‌م کردم من هم آنجا بودم، جای من هم خوش بگذرد») دولت آنان را همچنان از احترام و تحقق اراده شهروندانش و یا مطالبات جامعه بین‌المللی محروم می‌کند.»

در بخش دیگری از این نامه آمده است: «مقامات ایران برای توجیه سیاست تبعیض‌آمیز خود، ادعا می‌کنند که به دلیل وجود فرهنگ ناشایسته در استادیوم‌های ورزشی، این مکان‌ها جای مناسبی برای زنان نیست. اما چنین موضوع، مسئله‌ای برای زنان در هیچ نقطه‌ای از جهان نبوده است. در حقیقت، ایران تنها کشوری در جهان است که زنان را از تماشای مسابقات فوتبال منع می‌کند. در بسیاری از کشورهای دیگر جهان که اکثریت جمعیت آنها مسلمان هستند و در آنها مذهب یکی از پایه‌های اصلی و تعیین‌کننده زندگی است، نه ورود زنان به ورزشگاه‌ها ممنوع است و نه از شریعت اسلام برای توجیه این سیاست تبعیض‌آمیز استفاده می‌شود.»

در ادامه این نامه آمده است: «حق زنان برای حضور در مناسبت‌های ورزشی در استادیوم‌ها تنها حقی نیست که از زنان تضییع می‌شود و زنان در ایران آن را تجربه می‌کنند. اما ذهنیتی که زنان را از حضور در ورزشگاه‌ها منع می‌کند، همان ذهنیتی است که زنان را از سفر کردن به تنهایی منع می‌کند و همان ذهنیتی است که از برخورداری حقوق برابر آنها در دادگاه ممانعت به عمل می‌آورد. با به چالش کشیدن این رفتار تبعیض‌آمیز، چنین ذهنیتی در همه ابعاد و کارکردهای آن به چالش کشیده می‌شود. وقتی قانون‌گذاران حق زنان را در تماشا و تشویق تیم ملی‌شان می‌گیرند، در واقع حق

● شایع شد که صدا و سیما با مدل مو و تنوهای این بازیکن سابق فوتبال اسپانیا مشکل دارد.
● پیش از این، از حضور اورهان پاموک نیز در محافل ادبی در ایران جلوگیری شد.
● «کیهان» روزنامه جمهوری اسلامی و صدا و سیما از حضور ریچارد کلایدرمن در تهران انتقاد کردند با این تفاوت که این موزیسین فرانسوی نه موهای بلندی دارد و نه ظاهراً تنو دارد!

در پی صادر نشدن مجوز حضور کارلوس پوپول مدافع پیشین تیم ملی اسپانیا و باشگاه بارسلونا در برابر دوربین صدا و سیما جمهوری اسلامی دعوت از کارشناسان خارجی برای حضور در برنامه‌های ورزشی ممنوع اعلام شد! اگر کارلوس پوپول برای جشنواره «جنگ ۳۳ روزه لبنان» به ایران آمده بود، مقامات حتماً چنین برخوردی با وی نمی‌داشتند!

مسئولان صدا و سیما جمهوری اسلامی از حضور کارلوس پوپول در پی صادر نشدن مجوز حضور کارلوس پوپول مدافع پیشین تیم ملی اسپانیا و باشگاه بارسلونا در برابر دوربین صدا و سیما جمهوری اسلامی دعوت از کارشناسان خارجی برای حضور در برنامه‌های ورزشی ممنوع اعلام شد! اگر کارلوس پوپول برای جشنواره «جنگ ۳۳ روزه لبنان» به ایران آمده بود، مقامات حتماً چنین برخوردی با وی نمی‌داشتند!

در پایان این نامه آمده: «ما از فیفا می‌خواهیم که یکپارچگی و رفتار درستی نشان دهد و بر اصول اساسی خود ایستادگی کند. از فیفا می‌خواهیم درخواست کند که ایران به طور دائم ممنوعیت حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی را لغو کند.» امضاکنندگان این نامه به ترتیب الفبا عبارتند از:
شهره آغداشلو بازیگر کاندیدای جایزه اسکار (بازی در فیلم‌هایی همچون خانه‌ای از شن و مه) بنفشه اخلاقی وکیل حقوق بشر و عضو هیات‌مدیره کمیسیون حقوق بشر در ایران دکتر نینا انصاری نویسنده و تاریخ‌شناس و عضو هیات‌مدیرت کمیسیون حقوق بشر در ایران نازنین بنیادی بازیگر و فعال حقوق بشر و عضو هیات مدیره کمیسیون حقوق بشر در ایران شهرنوش پارسا پور نویسنده (کتاب‌هایی مانند طوبی و معنای شب و زنان بدون مردان) نیسم پدرا بازیگر و نویسنده (برنامه‌ها و سریال‌هایی همچون «SNL, New Girl») دکتر نیره توحیدی استاد رشته مطالعات زنان در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا شاپی خرسندی نویسنده و کم‌دین نگار زادگان بازیگر (سریال‌هایی همچون «۲۴») هما سرشار نویسنده و روزنامه‌نگار مهرانگیز کار وکیل و فعال حقوق بشر و نویسنده گوگوش خواننده اسطوره‌ای ایران گلی عامری دیپلمات و فعال بخش خصوصی شیرین عبادی وکیل و فعال حقوق بشر و برنده جایزه صلح نوبل در سال ۲۰۰۳ شارون ناظریان استادان‌دانشگاه و فعال نیکوکاری شیرین نشاط هنرمند و عکاس و کارگردان گیسو نیا وکیل حقوق بشر و تحلیلگر مسائل ایران شیل وند بازیگر (فیلم‌هایی مانند آرگو و «دختری تنها به سمت خانه در شب قدم می‌زند»)

اما حالا، صدا و سیما جمهوری اسلامی اعلام کرده که دعوت از کارشناسان خارجی برای حضور در برنامه‌های ورزشی ممنوع شده است! مرتضی میرباقری معاون سیما صدا و سیما گفته که پیرو حواشی که پس از حضور فیگو کاپیتان تیم ملی پرتغال در برنامه سال گذشته تلویزیون به وجود آمده، باعث شده که رئیس شورای ورزش‌سیما بعد از بررسی این موضوع، رسماً ابلاغ کند که «دعوت از کارشناسان خارجی در برنامه‌های ورزشی و پرداخت چند صد میلیونی برای چند دقیقه حضور ولو اینکه از سوی اسپانسر هم صورت بگیرد، ممنوع و مخالف سیاست‌های رسانه ملی است.» او گفته که «بنابراین ما از ابتدا هم تصمیمی برای حضور کارشناس خارجی در برنامه ۲۰۱۸ نداشتیم. بهتر است به جای پرداختن به حواشی، انرژی خودمان را برای حمایت از تیم ملی قرار بدهیم.» معاون سیما جمهوری اسلامی اضافه کرده: «همچنین برنامه‌سازان نباید درگیر حاشیه شوند و از خلاقیت‌های خودشان برای حمایت از ورزشکاران استفاده کنند.»

«مهمان نوازی» از جنس حکومتی: کارلوس پوپول و حالا ریچارد کلایدرمن!



کارلوس پوپول بازیکن سابق فوتبال، ریچارد کلایدرمن نوازنده پیانو

سال گذشته پرداخت حق‌التصویر چند هزار دلاری به فیگو بازیکن تیم پرتغال برای شرکت در برنامه عادل فردوسی‌پور بازتاب گسترده‌ای در افکار عمومی داشت. مردم به صدا و سیما رژیم انتقاد کردند که در شرایط سخت اقتصادی، برای حضور یک بازیکن فوتبال خارجی چند صد هزار دلار می‌پردازد، اما عادل فردوسی‌پور اعلام کرد که این بودجه از سوی اسپانسر برنامه و نه صدا و سیما جمهوری اسلامی پرداخت شده است.

برخی شایعات اکنون وجود دارد که کارلوس پوپول حتی تا پشت صحنه برنامه ۲۰۱۸ هم رفته ولی به او گفته‌اند حق نداری جلوی دوربین بروی و حتی به تنوهای روی بدن او این رفتار غیرمتمدانه در قبال مربی مرد تیم زنان کبیدی تایلند در مسابقات گرگان هم صورت گرفته بود؛ این مربی که اجازه حضور در جریان مسابقه تیم‌اش را نداشت، به ناچار پارچه‌ای را روی سرش کشید تا بتواند در سالن حضور بیابد!

اما این روش همیشگی نهادهای قدرت در استقبال از همه‌ی مهمانان خارجی نیست؛ نهادهای ارگان‌های حکومتی، میزبان خوب و دست و دلباز برای مهمانان مورد تأیید در جشنواره‌های تئاتر و فیلم، «دفاع مقدس»، «مقاومت فلسطین»، «جنگ ۳۳ روزه»، «شب شعر تهران-بیروت»، «دیدار شاعران غیرایرانی با رهبر جمهوری اسلامی»، «جشنواره موسیقی مقاومت»، «جشنواره فیلم و عکس «مسیر عشق»، «سبایات قرآنی» و بسیاری از مراسم‌های بین‌المللی هستند و نه تنها هزینه اقامت و سفر چندین روزه مهمانان خارجی در برنامه‌های حکومتی و تبلیغاتی را می‌پردازند بلکه آنها را با یادگاری‌های گرانبها راهی کشورشان می‌کنند! به این ترتیب درباره کارلوس پوپول، باید گفت اگر او هم یکی از کارگردانان انتفاضه فلسطین می‌بود، صدا و سیما جمهوری اسلامی حتماً چنین برخورد می‌آورد. بی‌ادبانه‌ای با وی نمی‌داشت.

یادداشت‌های خصوصی دکتر امینی ... از صفحه ۱۴

بین آقای خمینی و بختیار موضعی نگرفته، یعنی با آقای خمینی توافقی به عمل نیآورده است. احتمال برخورد و جنگ داخلی بیشتر شده است، مگر روی فشار آمریکایی‌ها توافقی به وجود آید ...

چهارشنبه، ۱۸ بهمن ۱۳۵۷ (۷ فوریه ۱۹۷۹) (ژنو)

... فردا تظاهرات مهمی در تهران از طرف طرفداران آقای خمینی برای حمایت از مهندس بازرگان تشکیل خواهد شد. امید این که تفاهمی به وجود آید هست، خصوصاً که آمریکایی‌ها از دولت تعیین شده از طرف آقای خمینی پشتیبانی خواهند کرد و احتمالاً قشون هم به تدریج حمایت خواهند کرد ...

شنبه، ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ (۱۰ فوریه ۱۹۷۹) (لندن)

... بختیار تلفن کرد و چند دقیقه‌ای صحبت کردیم. انتظار دارد من برگردم و بتوانم دکتر سبحانی و مهندس بازرگان را آماده مذاکره کنم ... پایان

سال گذشته پرداخت حق‌التصویر چند هزار دلاری به فیگو بازیکن تیم پرتغال برای شرکت در برنامه عادل فردوسی‌پور بازتاب گسترده‌ای در افکار عمومی داشت. مردم به صدا و سیما رژیم انتقاد کردند که در شرایط سخت اقتصادی، برای حضور یک بازیکن فوتبال خارجی چند صد هزار دلار می‌پردازد، اما عادل فردوسی‌پور اعلام کرد که این بودجه از سوی اسپانسر برنامه و نه صدا و سیما جمهوری اسلامی پرداخت شده است.

برخی شایعات اکنون وجود دارد که کارلوس پوپول حتی تا پشت صحنه برنامه ۲۰۱۸ هم رفته ولی به او گفته‌اند حق نداری جلوی دوربین بروی و حتی به تنوهای روی بدن او



نصراله پژمان فر عضو کمیسیون فرهنگ مجلس گفت: قطعاً این اتفاقات سهوی نیست

هم ایراد گرفته‌اند! عادل فردوسی‌پور گویا قصد داشت برای دیدار سوم تیم ملی در مقابل پرتغال، از یک بازیکن سرشناس اسپانیا جلوگیری کردند. تلاش عادل فردوسی‌پور مجری برنامه و حتی قهر وی نیز منجر به تغییر نظر مسئولان صدا و سیما نشد و کارلوس پوپول تهران را ترک کرد. شایعات درباره دلایل عدم حضور او در برنامه ۲۰۱۸ زیاد است، برخی می‌گویند خود پوپول به دلیل اینکه هزینه حضورش را از اسپانسر برنامه نگرفته، جلوی دوربین نرفته ولی در نهایت موضوع مخالفت مدیران صدا و سیما جمهوری اسلامی با حضور این بازیکن سابق فوتبال، به دلیل بلند بودن موهایش مطرح شد که انتشار جوک و شوخی‌هایی را در فضای مجازی به دنبال داشت.

یادداشت‌های خصوصی دکتر امینی ... از صفحه ۱۴

سه‌شنبه، ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ (۶ فوریه ۱۹۷۹) (ژنو) ... اظهارات آقای بازرگان که از طرف آقای خمینی به ریاست وزرای انتخاب شده بسیار ناامیدکننده است و دوباره در مورد جمهوری اسلامی نظر خودش را که رجعت به زمان حکومت رسول اکرم (ص) و علی (ع) است تکرار کرده است و نمی‌دانم چطور چنین حکومتی را می‌شود عملی کرد. شاپور بختیار هم که سر جای خودش ایستاده. من جمله عده‌ای را توقیف کرده‌اند. من جمله مجیدی (عبدالمجید) رئیس سابق سازمان برنامه، کیان‌پور (غلامرضا)، دکتر نپاوندی (هوشنگ)، شهرستانی شهردار تهران و رادیو گفت در حدود صد نفر.

خبر شب رادیو تهران تشکیل دولت مهندس بازرگان را تشریح کرد و اسامی وزرا: حسن نزیه، سیدجوادی (صدر)، احمد آقا، دکتر (ابراهیم) یزدی، بنی‌صدر، حسن سیدجوادی و شاید ارتشبد جم. فعلاً دو دولت در مقابل هم هستند. نیروی هوایی با هلیکوپتر و جت‌های فانتوم در آسمان تهران اظهار قدرت کرده است. معلوم می‌شود فعلاً



روشن شد، تهران با جمعیت پانزده میلیونی خود، عمق دفاع راهبردی کشور و عامل پیشگیری از فروپاشی زیرساخت‌های اداری، تولید و عرضه خدمات کشوری است؛ اگرچه عرضه خدمات و تامین نیازهای عمومی حتی پیش از فروپاشی سیاسی حکومت کنونی نیز می‌تواند برای مدتی موقت روی دهد و روی هم خواهد داد.

بر خلاف ترس‌آفرینی‌های حکومت و حتی برخی منتقدان و مخالفان حکومت کنونی، ایران در هیچ زمینه‌ای شبیه سوریه و لیبی نیست و خلاء طولانی قدرت سیاسی در آن شکل نخواهد گرفت اگرچه دوران انتقال قدرت از حکومت به مردم، می‌تواند کوتاه و یا طولانی‌تر از حد انتظار شود که به نسبت هزینه‌های تغییر نیز کاهش یا افزایش می‌یابند. ایران، ترکیه و مصر با داشتن عمق دفاعی کافی و نیروی حفظ انسجام، حتی در صورت فلج شدن نیروهای نظامی در اختیار حکومت، چندپاره نخواهند شد. وضعیت ایران با جمهوری‌های اتحاد شوروی سابق متفاوت است و بعد از فروپاشی و سقوط جمهوری اسلامی، با وجود ناآرامی‌های موقت و محتمل در مناطق مرزی، در خطر جدی جدایی قرار نمی‌گیرد.

در هیچ نقطه دنیا طرحی برای تجزیه ترکیه، ایران و مصر تدوین نشده و در دست هیچ نیرویی برای اقدام قرار ندارد.

تو خود حجاب خودی!

در مرحله کنونی «انکار»، نظام حاکم بر ایران بروز بحران را نتیجه عملکرد دولت می‌بیند در حالی که دولت بخش بسیار بزرگی از مجموعه حاکمیت است و کلیت حاکمیت است که در بن‌بست قرار گرفته. مشکل امروز، دیروز، و فردای ایران تنها عملکرد دولت وقت نبوده و نیست، مجموعه حاکمیت مذهبی است که روز نخست از بیراهه آغاز کرده و امروز به انتها رسیده و در بن‌بست کنونی با شگرد هیچ دولتی (نظامی و غیرنظامی) قادر به کار نیست.

مردم در داخل، اعم از اکثریت خاموش و یا فعالان مطالبه‌گر کف خیابان، و کشورهای خارجی و حتی دولت‌هایی که جمهوری اسلامی آنها را متحدان راهبردی خود می‌پندارد، به این جمع‌بندی رسیده‌اند که زمان امید به دوام حکومت مذهبی در ایران سر آمده و نفس‌های آن به شماره افتاده است.

می‌توان انتظار داشت که طی هفته‌های آینده فشارهای خارجی و داخلی علیه دیکتاتوری مذهبی ایران رو به افزایش بگذارند و به همان نسبت بر اختلاف‌های داخلی نظام نیز در مورد توسل به راه حل‌های عبور از بحران افزوده گردد.

از آغاز دور تازه‌ای از ناآرامی در شهرها و کشیده شدن اعتصاب‌ها از بازار و مغازه‌ها به شرکت‌ها و واحدهای تولیدی و دواپز دولتی و ادارات، به تدریج شمار الگوهای تغییر حکومت در ایران محدودتر می‌شوند و انتظار می‌رود در صورت ادامه غیبت رهبری مؤثر و سازمان‌یافته برای مدیریت اعتراض‌ها، نیروهای کف خیابان رهبران خود را در گذرگاه‌های تبریز و تهران و شیراز و مشهد جستجو کنند، چنانکه مردم چکسلاواکی با واسلاو هاول نمایشنامه‌نویس و لهستانی‌ها با لئو والسای کارگر و ساکنان شمار بزرگی از کشورهای آزادشده از قید دیکتاتوری‌های کمونیستی، با رهبران سیاسی خود از قشورهای مختلف در فاصله کوتاهی پیش از تغییر عهد بستند و به پیروزی رسیدند.

ورود طبقه متوسط به کف خیابان؛ دیکتاتوری مذهبی ایران کار نمی‌کند



ظاهراً بدون داخل شدن مستقیم در مقولات سیاسی، گشایش‌گره‌های اقتصادی را به عنوان مطالبات اولیه مطرح می‌کند ولی در باطن هدف

می‌پسندد! در وضعیت کنونی که جامعه معترض همچنان فاقد رهبری سیاسی است و اپوزیسیون داخلی

به حرکت در آمدن طبقه متوسط امروز ایران بیشتر ناشی از ترس‌های اقتصادی، مال‌باختگی، و اعتراض‌های طبقه کم‌درآمد به مشکلات معیشتی

جامعه ناآرام انتهای سال ۱۳۵۶ و ابتدای سال ۵۷، فقدان رهبری سیاسی و حتی صنفی در صفوف معترضین امروزی است و تفاوت



سربازان و افسران جوانی که گسیل شده‌اند تا مشکلات اقتصادی را سرکوب کنند!

نهایی آن عبور از حکومت است. یک ترس شایع ولی غیرواقعی در راه، ازهم‌پاشیدگی ایران در صورت فروپاشی نظام دیکتاتوری مذهبی است که بیشتر از درون حکومت هم سرچشمه می‌گیرد و هم تبلیغ می‌شود تا بیرون از آن.

نگرانی‌های خارجی؛ خلاء قدرت

جامعه شهری ایران با وجود ارتکاب اشتباهات متعدد در گذشته، تغییر جهت افکار عمومی در آن با بادهای موسمی، متهم بودن به داشتن مزاج دم‌دمی و همچنین وجود شواهد تاریخی دشمنی با حاکم وقت، حتی مقابله با حاکم خوب، از منظر سیاسی، یکی از پخته‌ترین جوامع منطقه به شمار می‌رود.

مانند استانبول که کودتای سال ۲۰۱۶ ترکیه را به شکست کشید، و قاهره که تکلیف بهار عربی در آنجا

و خارجی محروم از اقبال عمومی، مردم با ذهنیتی «نوستالژیک» الگوی مطلوب تغییر را بازگشت به گذشته می‌بینند- دلار هفت تومانی، مینی‌ژوپ، و حتی موزیک و فیلم‌های سینمایی که روشنفکران قلبی خلاف فرهنگ خوانده بودند؛ به قول معروف، از طلا گشتن پشیمان گشته‌ایم، مرحمت فرموده ما را مس کنی!

طی دو دهه پیش از انقلاب ایران، نظام پادشاهی رشد اقتصادی را بر ملاحظاتی و مطالبات سیاسی ترجیح می‌داد و گشودن گام به گام پنجره‌ها را به دوران بعد از تثبیت رشد با دوام اقتصادی موقوف کرده بود. الگوی امروز مردم برای آینده ایران، بازسازی گذشته‌ای است که تخریب کرده‌اند.

تفاوت با رنگ سیاسی و مذهبی ناآرامی‌های ۵۷، جنبش امروز ایران،

و ریشه گرفتن فقر است حال آنکه ناآرامی‌های پیش از انقلاب از سر سیری بود. پیش از انقلاب به مردم طرفدار مذهب این فکر فروخته شده بود که در صورت عبور از نظام پادشاهی، اختیار خواهند داشت که سنت‌های بی‌رنگ شده اسلامی را احیا کنند و داده شده بود که در حکومت بعدی سهم قابل‌ی از قدرت سیاسی نصیب آنها خواهد شد.

طی ناآرامی‌های جاری در ایران امروز، نقطه قوت مردم ضعف و ازکارافتادگی حکومت است و تنها نقطه قوت باقی‌مانده برای حکومت، توسل به زور و اعمال خشونت؛ چنانکه برای حل مشکلات اقتصادی مملکت، بجای وزیر اقتصاد و یا تجارت، قاضی‌القضات نظام با تهدید به اعدام و حبس ۲۰ ساله، نسخه

دیگر، در طبیعت مطالبات عمومی. طی ناآرامی‌های پیش از انقلاب ۵۷، عوامل مذهبی در راه تفکر تجددخواهی و حرکت نظام پادشاهی برای بردن ایران به دوران مدرنیته قرار گرفتند و خمینی با پشتیبانی رهبران سیاسی مخالف، عوامل جبهه ملی و گروه‌های چپ که دانشجویان و جوانان و به اصطلاح روشنفکران نیز از آنان پشتیبانی می‌کردند، رهبری اپوزیسیون را به دست گرفت. جنبش اعتراضی امروز ایران بدون رهبر، فاقد انسجام سازمانی و دور

از رنگ عقیدتی است که این آمیزه می‌تواند به نوبه خود شکلی مخرب بگیرد. شاید با احساس ترس از ورود اعتراض‌های خیابانی به شکل تخریبی است که بازاریان و صاحبان کسب و پیشه، نیز در تظاهرات روز دوشنبه و سه‌شنبه بر پرهیز از تخریب تأکید می‌کردند.

● جامعه شهری ایران با وجود ارتکاب اشتباهات متعدد در گذشته، تغییر جهت افکار عمومی با بادهای موسمی در آن، متهم بودن به داشتن مزاج دم‌دمی و همچنین وجود شواهد تاریخی دشمنی با حاکم وقت- حتی مقابله با حاکم خوب، از منظر سیاسی اندیشمند و از پخته‌ترین جوامع منطقه است.

● نقطه جوش اعتراض‌های شهری زمانی دیده خواهد شد که تظاهرات مردم رنگ صنفی و طبقاتی را پشت سر گذاشته و شکل عام بگیرد. ● برخلاف ترس‌آفرینی‌های حکومت و حتی برخی منتقدان و مخالفان حکومت کنونی، ایران در هیچ زمینه‌ای شبیه سوریه و لیبی نیست و خلاء طولانی قدرت سیاسی در آن شکل نخواهد گرفت اگرچه طولانی شدن دوران فروپاشی نظام می‌تواند هزینه‌های انتقال قدرت به مردم را افزایش دهد.

رضا تقی‌زاده - تعطیل روز دوشنبه (۴ تیر ۹۷) بازار تهران که روز سه شنبه به سایر شهرها کشیده شد آغاز مرحله‌ای تازه است در روند رویارویی‌های مردم با حکومت که طی آن شاخه‌ای قدرتمند و با نفوذ از «طبقه متوسط» ایران به منظور مقابله فعال و آشکار با حکومت به «کف خیابان» آمده است.

موج‌های اعتراضی دی‌ماه سال گذشته که از مشهد آغاز شد و با سرعت از یک‌صد شهر ایران گذشت به طبقه کم‌درآمد جامعه نسبت داده شده بود در حالی که شمار غالب معترضین کنونی «کف خیابان» که علاوه بر تهران در بازارهای اصفهان و تبریز نیز فریاد می‌کنند، متعلق به طبقه متوسط و سرمایه‌داران کوچک است که کسب و کار و آینده خود را در خطر می‌بینند.

نقطه جوش اعتراض‌های شهری زمانی دیده خواهد شد که تظاهرات مردم رنگ صنفی و طبقاتی را پشت سر گذاشته و شکل عام بگیرد. ● پیشتر، بازنشستگان در اصفهان با ابراز ناراضی از مشکلات خود، و زنان در تهران با قد برافراشتن در برابر حجاب اجباری نشان دادند که قشورهای متفاوت جامعه برای شرکت در واکنش‌های اعتراضی یکپارچه آماده و در انتظار فرصت هستند.

بازماندن دولت از یافتن راه حل مشکلات داخلی و خارجی، حتی به صورت مسکن و مقطعی، نه تنها مردم، که تعدادی از کارگزاران نظام را نیز وادار ساخته که با طرح پیشنهادهایی نظیر «ترمیم کابینه»، «استعفا دولت و برگزاری انتخابات تازه» و یا «تشکیل دولت نظامی» واقعیت قرار گرفتن نظام در بن‌بست را بپذیرند در حالی که رهبر و مسئولان ارشد حکومت همچنان در مرحله روانی «انکار» بحران باقی مانده‌اند.

تکرار تاریخ؛ بازگشت به سال ۵۶

وجه مشترک جامعه امروز ایران، با تفاوت‌هایی، قابل مقایسه با جامعه تبار چهل سال پیش است که بخش بزرگی از آن با حضور در خیابان تغییر حکومت را طلب می‌کرد.

یک تفاوت شاخص ایران امروز با